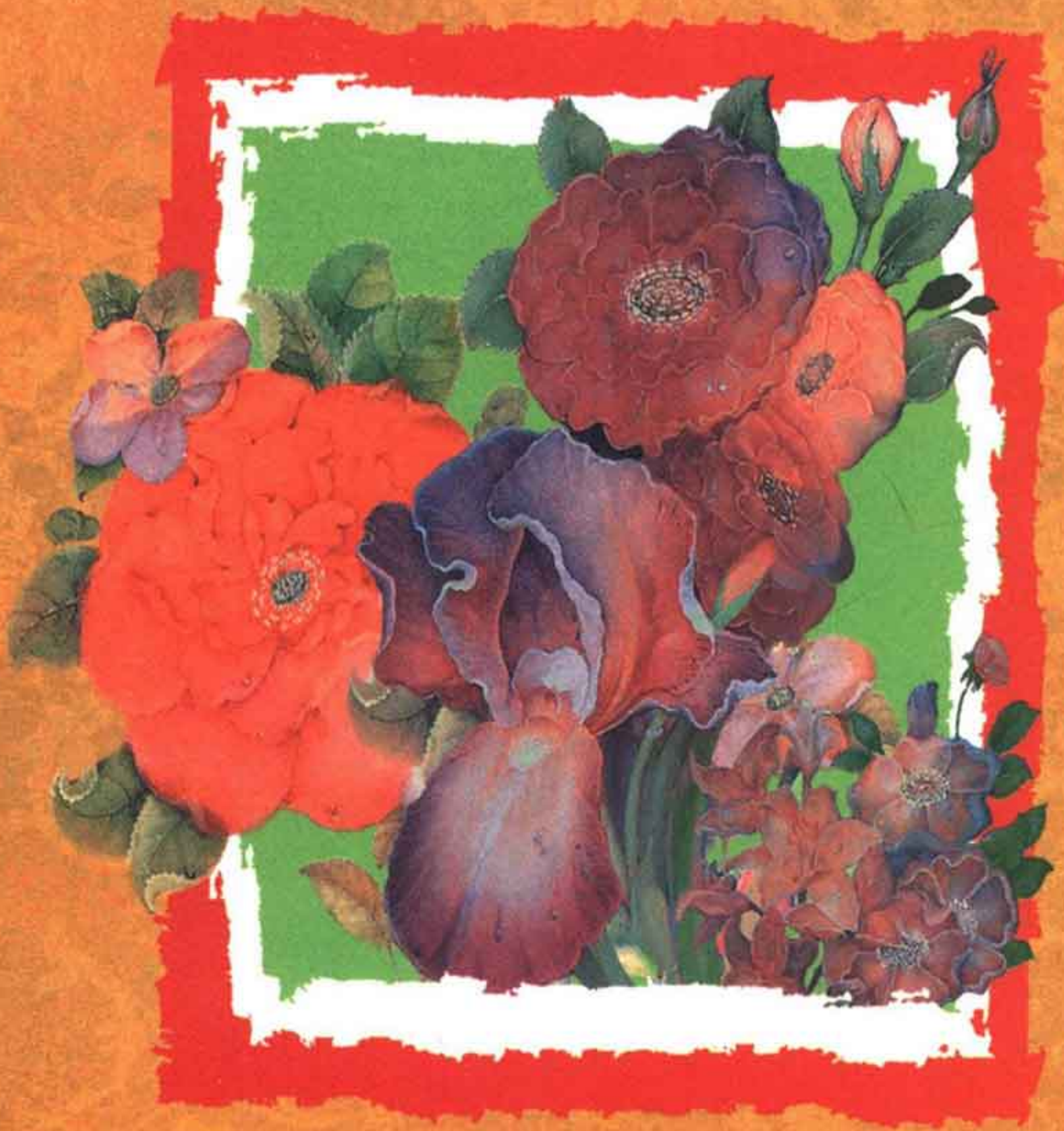


انتظار

عليهم السلام

از دیدگاه اهل بیت



سکینه طاووسی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

L

انتظار

از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

مؤلف

سکینه طاووسی



انتشارات مسجد مقدس جمکران

- | | |
|-------------------------------------------------------------|--------------|
| انتظار از دیدگاه روایات اهل بیت <small>علیهم السلام</small> | ■ نام کتاب: |
| سکینه طاووسی | ■ مؤلف: |
| امیرسعید سعیدی | ■ صفحه آرا: |
| انتشارات مسجد مقدس جمکران | ■ ناشر: |
| پاییز ۱۳۸۶ | ■ تاریخ نشر: |
| اول | ■ نوبت چاپ: |
| اسوه | ■ چاپ: |
| ۳۰۰۰ جلد | ■ شمارگان: |
| ۱۳۰۰ تومان | ■ قیمت: |
| ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۹۷۳ - ۱۱۶ - ۲ | ■ شابک: |

- | | |
|------------------------------------------------|--------------------|
| انتشارات مسجد مقدس جمکران | ■ مرکز پخش: |
| فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدس جمکران | |
| ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۲۵۱ | ■ تلفن و نمابر: |
| ۶۱۷ | ■ قم - صندوق پستی: |

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

فهرست مطالب

۹	تقدیم
۱۰	تقدیر و تشکر
۱۱	مقدمه
۱۳	ضرورت و اهمیت آن
۱۵	پیشینه
۱۷	فصل اول: مفهوم انتظار
۱۹	مفهوم انتظار
۲۰	مفهوم لغوی و اصطلاحی انتظار
۲۰	انتظار فرج در اسلام
۲۲	منتظر کیست؟
۲۳	منتظر کیست؟
۲۶	انواع برداشت‌ها از انتظار
۲۸	انتظار و یرانگر
۲۸	دیدگاه امام خمینی <small>علیه السلام</small> و شهید مطهری <small>علیه السلام</small>

- ۳۱ ریشه یابی انتظار و برانگیز
- ۴۰ انتظار سازنده
- ۴۲ سازندگی انتظار سازنده
- ۴۳ انتظار سازنده در کلام وحی
- ۴۴ انتظار در روایات
- ۶۵ پاسخ به یک پرسش در مورد فضیلت انتظار
- ۶۹ فصل دوم: خاستگاه و قلمرو انتظار
- ۶۹ ۱- فطرت
- ۶۹ ۲- ادیان
- ۶۹ ۳- قرآن و روایات
- ۷۱ خاستگاه، قلمرو و سابقه تاریخی انتظار
- ۷۲ پیشینه انتظار
- ۷۴ انتظار در نزد اقوام و ملل
- ۷۵ انتظار در ادیان
- ۷۹ آیات انتظار
- ۹۰ انتظار ظهور مهدی علیه السلام
- ۹۰ / در روایات پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام
- ۹۱ انتظار از دیدگاه تشیع
- ۹۲ انتظار از دیدگاه اهل سنت

- ۱۰۵..... فصل سوّم: تکالیف منتظران
- ۱۰۷..... تکالیف منتظران
- ۱۰۹..... شناختن حجت خدا، امام عصر علیه السلام
- ۱۱۰..... ذکر اهمیت معرفت امام
- ۱۱۳..... مقصود از شناخت امام
- ۱۱۴..... راه‌های کسب معرفت
- ۱۱۶..... دعای ندبه؛ درس شوق
- ۱۱۷..... ذکر داستانی در مورد انتظار
- ۱۱۸..... ابعاد عاطفی انتظار منتظر
- ۱۲۰..... آراستگی به خوبی‌ها و پیراستگی از بدی‌ها
- ۱۲۳..... اهمیت تهذیب نفس در فرمایش امام زمان علیه السلام
- ۱۲۹..... وظیفه حوزه‌های دینی در نگرهبانی از ایمان
- ۱۳۰..... پیوند یا تجدید عهد با مقام ولایت
- ۱۳۴..... بصیرت و فهم دینی
- ۱۳۷..... اصلاح طلبی یا امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۴۰..... آماده‌باش کامل
- ۱۴۴..... معنای مرابطه
- ۱۴۵..... فضیلت مقام مرابطه‌کننده
- ۱۴۵..... نظر علمای شیعه پیرامون «مرباطه»
- ۱۴۷..... ارتباط با مراجع تقلید و فقها

- ۱۴۸..... نکو داشت یاد و نام امام عصر علیه السلام
- ۱۵۲..... دعا برای سلامت و تعجیل در فرج امام عصر علیه السلام
- ۱۵۳..... دعا برای تعجیل در فرج
- ۱۵۵..... شرایط دعا
- ۱۵۸..... شرایط تسریع در تأثیر دعای فرج
- ۱۵۹..... کیفیت دعا برای تعجیل فرج
- ۱۷۶..... نتایج دعا برای تعجیل فرج
- ۱۷۸..... معنای حاصل شدن فرج برای دعاکننده
- ۱۷۹..... تعجیل در امر فرج صاحب الزمان علیه السلام
- ۱۷۹..... ظهور، قابل تقدیم و تأخیر است
- ۱۸۰..... ثواب شهادت در رکاب رسول خدا و یا زیر پرچم حضرت قائم علیه السلام
- ۱۸۲..... حسن ختام
- ۱۸۲..... سرانجام انتظار
- ۱۸۲..... پیروزی حتمی سپیدی بر سیاهی
- ۱۸۵..... نتیجه
- ۱۸۵..... راهکارها و پیشنهادها
- ۱۸۸..... عرصه‌های پژوهش

تقدیم

این ره توشه و سرمایه ناچیز را تقدیم می‌کنم به ساحت مقدس سید و نبی مان محمد مصطفی ﷺ خاتم پیامبران و مولای موحدان، امیرالمؤمنین علی ﷺ و پاره تن رسول الله، سیده زنان عالم ﷺ و سید جوانان اهل بهشت، امام حسن و امام حسین ﷺ و به صاحب لوای کربلا، حضرت ابوالفضل، و ائمه بزرگوار از نسل امام حسین ﷺ به خصوص به درگه و لایتمدار ولی خدا، ذخیره الهی بر روی زمین آن نور خدا که هدایت کننده اهل هدایت است، منتظری که اصلاح کننده ناراستی‌هاست و آن جایگاه امیدی که بر هم کوبنده اساس ظلم است، به یوسف زهرا که عشق، پناه و تمام انگیزه شیعه است - به حضرت حجت بن الحسن العسکری. روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء.

«یا ایها العزیز مسنا و أهلنا الضرّ و جئنا ببضعة مزجاة فأوف

لنا الکیل و تصدق علينا أنّ الله یجزی المتصدّقین».

محض خاطر نازنین تو ای ولی خیرخواه و ای صاحب من، قلم را به پستی و بلندی‌های صحیفه انتظار دوادم تا با قدمی هر چند ناچیز، به آستان پا صفای تو تقرّب جویم اگر چه یقین به خلوص خویش ندارم، اما تو کرم نما و قبول فرما که چون زان ملخی است بهر سلیمان.

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خدای را که قلب مرا به انوار هدایت حضرت مهدی - روحی فداه - متور فرموده و با عنایات خاص خویش بر من منت نهاد تا بتوانم در عنفوان سنّ جوانی، چند صباحی را با نام و یاد مولایم حضرت صاحب العصر و الزمان علیه السلام سپری کنم و سلام به محضر مولایم ابی صالح المهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - که ذره‌ای از اقیانوس بیکران «عشق و سوز انتظارش» را به من چشانده و دریچه فهم به سمت و سوی معارف مهدوی را به روی من گشود و این شاه‌الله مرا در مقام عمل قرار دهد تا نعمت بر من تمام شده و بیش از پیش شرمنده و شاکر الطاف وجود مقدّسش شوم.

و با تقدیر فراوان از زحمات بسیار مشفقانه مادر و پدر با تقوا و دلسوزم که با پاکی درون خویش و ارادت قلبی خود به ساحت مقدّس حضرات چهارده معصوم علیهم السلام محبت به محضر اهل بیت علیهم السلام را در دل و جان من پروراندند. و سپاس از تلاش و همکاری تمامی افرادی که در به نتیجه رسیدن این اثر، مرا همراهی کردند.

مقدمه

مهدویت؛ وعده الهی و ادامه راه کربلا و نگاه سرخ حسین علیه السلام است.
مهدویت؛ حقیقت سترگی است که جهان با وجود او بر مدار عشق می چرخد
و خورشید به یمن درخشش او، زمین و آسمان را نورباران می کند.
مهدویت؛ امید و حیات، زیبایی و عشق، شور و نشاط است.
انتظار؛ دیده به راه دوختن است، لحظه شماری کردن برای دیدار کسی یا انجام
واقعه‌ای است.

انتظار؛ به امید کسی یا چیزی ماندن است، نگران شخص عزیزی یا امر مهمی
بودن است.

انتظار؛ امیدواری، چشم به راهی، آمادگی است.
انتظار؛ ایمان به غیب، اقرار به «ولایت»، باور داشت حق حاکمیت «قرآن» است.
انتظار؛ عصا «یقین»، چکیده «تقوی» و خلاصه «عمل صالح» است.
انتظار؛ چشم به راه همه کمالات بودن و التزام به خوبی‌هاست.
انتظار؛ تلاش برای یافتن، مقاومت برای رسیدن و جهاد برای ساختن است.
انتظار؛ روایت «اشتیاق» حدیث «جستجو» و قصه «وصل» و ذکر حضور در
خیمه قائم آل محمد - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است.

انتظار؛ اقتدای به او، بیعت با او، سرسپاری به فرمان او و سر استقامت و جانبازی
در راه اوست.

انتظار؛ انتظار روز ظهور است و انتظار روز ظهور او، انتظار غلبه اسلام و قرآن است و انتظار غلبه اسلام و قرآن، انتظار تحقق وعده‌های الهی است.

انتظار؛ مجموعه اصول و معارف دین و تجلی ولایت ولی خدا - حضرت ولی عصر علیه السلام است.

انتظار؛ سهم دیدگانی است که رو به آفتاب زیسته‌اند، سهم دل‌هایی است که شبانگهان و چه بسا هر لحظه در وسعت نیایش، جانب آسمان ریشه دواینده‌اند.

انتظار؛ کلمه‌ای ژرف و معنایی ژرف‌تر...

تفسیر دقیق و واقعی الفاظ و اصطلاحات اسلامی و درک صحیح آنها بر هر شیعه‌ای که بخواهد به روح والای تعالیم اسلام، حقیقت مکتب و برنامه‌های مادی و معنوی آن آشنا شود، بسیار ضروری است؛ چرا که کمال انسان در گرو فهم صحیح و دریافت درست تمام جنبه‌های دین و مفاهیم آن می‌باشد.

عدم تعمق و تبیین کارساز تعالیم متعالی اسلام، باعث واژگونه معرفی شدن حقایق شده و در نهایت به رکود، انحطاط و وقوف منجر خواهد گشت. از این نظر معرفی ارشادهای واقعی دین در هر رشته و ارتباط آن با تحرک، فعالیت، اخلاق و کمال، اهمیت فوق العاده‌ای دارد، به خصوص امروزه که بیگانگان با تهاجمات فرهنگی خود و نیز تبلیغات غرض آلودشان در پی گمراه نمودن مردم و نسل جوان از شعائر الهی و انسانی هستند، پس بر اهل قلم واجب است که با ارائه آگاهی‌های لازم، نسبت به مفاهیم و مبانی دین، جوانان تشنه و جویای حقیقت را هر چه بیشتر سیراب کنند. چه بسا انحراف از درک آنها و غفلت از معرفی درست مفاهیم دین، باعث ضلالت این قشر و سایر افراد شود.

از جمله مفاهیمی که درک معنای صحیح و دقیق آن به اعتقادات انسان مربوط می‌شود و در تبیین آنها باید توجه فراوانی مبذول داشت؛ انتظار ظهور یا همان انتظار فرج است.

در این وادی مقدّس، سعی شده است علاوه بر اشاره به آیات نورانی کلام وحی و بهره‌گیری از آنها، به مهم‌ترین منبع تحقیق در باب مهدویت و انتظار، یعنی همان احادیث رسیده از عترت طاهره علیهم‌السلام رجوع کرده تا از آنها بهره فراوان ببریم؛ زیرا که احادیث انتظار، پرتوهای پر نوری است که بر جان و زندگی شیفتگان حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تابیده و شعله‌های امید است که در قلب پاسداران عدالت افروخته و مسئولیت بزرگ منتظران را یاد آور می‌شود.

بنابراین، در این مجموعه قصد داریم علاوه بر بهره‌گیری فوق، برداشت‌های ناقص و نادرستی را که در برخی از اذهان، درباره مسأله انتظار وجود دارد را با مطالعه گفتار معصومین علیهم‌السلام و منابع معتبر اسلامی، اصلاح و رفع کرده و به تبیین چستی انتظار پردازیم.

ضرورت و اهمیت آن

عقیده به ظهور مصلح جهانی و ایجاد آمادگی در کل عالم و در یک عبارت «انتظار داشتن» امر حیاتی و لازمی است که پیشوایان دینی آن را راهبردی مهم در دوران غیبت دانسته و علاوه بر امر نمودن نسبت به آن، به وجوب انتظار هم اشاره کرده‌اند.

در حدیثی که از امام جواد علیه‌السلام وارد شده است ایشان می‌فرمایند:

«إِنَّ الْقَائِمَ مَنَا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ، قَائِمٌ مَا حَضَرَ

مهدی است که واجب است در دوران غیبت او، انتظارش را بکشند.»^۱

سؤال اساسی و مهمی که درباره انتظار، پیش می آید این است که سخن از آینده بشریت چه سودی برای ما دارد؟ یا چرا این قدر درباره انتظار، سفارش شده است؟ به عبارت دیگر فلسفه یا ضرورت طرح این مبحث و عقیده داشتن به آن چیست؟ بعضی از افراد کج اندیش، معتقدند که ما امروزه با هزاران مشکل دست به گریبانیم و فکر و ذهنمان، فقط باید معطوف به پیروزی و غلبه بر این مشکلات باشد. با نظر این افراد، نظاره گر آینده بودن امری «نسیه» است و اثر سازنده‌ای در زندگی امروز ما ندارد.

این سخنان گفته‌های افرادی سطحی نگر است که به خاطر عدم دوراندیشی شان، امروز و فردا را از هم جدا می‌دانند و ریشه‌های حوادث امروز را در گذشته ندانسته و حوادث آینده را ریشه در امروز نمی‌دانند، اما آنان که بینشی عمیق نسبت به حوادث و واقعیت‌های اطراف خود دارند بهتر دریافته‌اند که آینده را از امروز باید ساخت و توجه به آینده درخشان و یا تاریک، انعکاس فوری در زندگی امروز و حتی در موضع‌گیری‌های افراد در برابر حوادث دارد. این افراد باور دارند که برای داشتن امروزی بهتر، باید گذشته و آینده را مورد بررسی قرار داد تا بتوان به وجوب انتظار و دلیل تأکید آن در لابلای سخنان بزرگواران دین پی برد و به زودی متوجه خواهیم شد که این انتظار بزرگ چه مقدار سازنده است.

سازنده بودن انتظار را در این امر می‌توان دانست که این مفهوم به امیدگرمه

خورده است، از این رو شور و نشاط زندگی فردی و اجتماعی انسان، مرهون نعمت انتظار بوده و اگر زندگی انسان تهی از امید به آینده‌ای درخشان و خالی از «انتظار» باشد و خدای ناکرده در آن روح یأس و افسردگی حاکم باشد، زندگی‌ای بی هدف شده و در نهایت، انسان دلیلی بر تحرک نمی‌یابد.

دلیل دیگری که می‌توان ذکر کرد این است که شناخت و ارزش انسان و حیات او به میزان انتظار او بر می‌گردد؛ هرچه، امر مورد انتظارش مقدس‌تر و عالی‌تر باشد، به تبع انتظارش نیز ارزشمندتر خواهد بود.

در نهایت، ارزش فرد منتظر، والاتر می‌باشد؛ زیرا که شخصیت و شاکله وجودی هر فرد از امیدها، آرزوها و انتظاراتش شکل می‌گیرد.

یک هنرمند، ورزشکار و یا نخبه علمی، منتظر کسب مدال افتخار است و یک محقق، منتظر است تا با نیروی خرد و اندیشه خویش، گره از مسایل علمی بگشاید و خدمتی به جامعه بشریت ارائه دهد.

همچنین شیفتگان دوران ظهور حضرت مهدی، عاشقانه منتظر قدم پربرکت امام عصر خویش و اتمام دوران غیبت اویند.

حال اگر این امید و انتظار، که عاملی جهت تأثیر و تأثر و فعل و انفعالات است از بشر گرفته شود، دیگر ادامه حیات، معنا ندارد؛ زیرا که لذت بخشی زندگی منوط به داشتن امید است و آنچه گفته شد، رمزی از ضروریات مبحث انتظار است.

پیشینه

امروزه «مهدویت» خود یکی از پرزاویه‌ترین موضوعات است و پرداختن به

همه جوانب آن در گنجایش یک کتاب نیست. به طور قطع می توان گفت از بین مباحث مربوط به فرهنگ مهدویت، مبحث انتظار، واژه‌ای است که در مورد مفهوم آن برداشت‌های متفاوتی شده است و صاحب نظران، پیرامون آن بحث‌های فراوانی کرده‌اند؛ از جمله می شود به نظرات، گفته‌ها و نوشته‌های بزرگوارانی همچون امام خمینی ره شهید مطهری ره و... اشاره کرد. با این حال، روایات اهل بیت علیهم السلام بهترین منبع و معرف برای این مفهوم است هر چند نظر این بزرگواران نیز برگرفته از همین احادیث می باشد.

از جمله کتب حدیثی در این رابطه می توان به کتاب‌هایی چون؛ «بحار الانوار»، جلد‌های ۵۱، ۵۲، ۵۳ و «کمال الدین و تمام النعمه» و غیبت شیخ طوسی «و غیبت نعمانی» و... اشاره نمود.

با توجه به کثرت و گستردگی منابع، تا آنجا که مقدور بود به منابع رجوع کرده و چه بسا در مواردی به مکتوبات دیگر مراجعه، ولی به دلیل عدم تناسب لازم و یا تکراری بودن مطالب از بیان آنها، صرف نظر شده است.

فصل اوّل

مفهوم انتظار

مفهوم انتظار

با مطالعه فرهنگ لغت‌های مختلف، معنای لغوی واژه «انتظار» که برگرفته از سه حرف اصلی (ن - ظ - ر) است، را این‌گونه یافتیم:

انتظار؛ یعنی چشم به راه بودن،^۱ چشم داشت و توقع داشتن،^۲ نگرهبانی و نوعی امید به آینده داشتن و درنگ در امور.^۳

لازم به ذکر است که از این واژه به صورت مختلف، چهارده بار در قرآن آمده است. به یک شاهد قرآنی در این زمینه اشاره می‌کنیم:

﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾

پس منتظر باشید که من هم با شما از جمله منتظرانم.^۴

طبق آنچه گفته شد معنی و حقیقت انتظار، بر حسب مفهوم لفظی آن «ضد یأس» است. یعنی «قطع امید کردن از امری به واسطه یقین به عدم وجود یا عدم وقوع آن» پس منظور از انتظار داشتن امری؛ این است که فرد یقین به وقوع آن داشته و همچنان چشم به راه و امیدوار به زمان وقوعش باشد.^۵

۱. مفردات الفاظ قرآن، ج ۳، ص ۳۶۱. ۲. ثرطوبی، ص ۴۷۶.

۳. التحقيق في كلمات القرآن، ج ۱۲، ص ۱۷۶.

۴. سوره اعراف، آیه ۷۱.

۵. شیوه‌های یازی قائم آل محمد، ص ۱۴۵-۱۴۶.

مفهوم لغوی و اصطلاحی انتظار

انتظار، حقیقتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به خدا و مبانی دین و نیز اشتیاق به ظهور موعود الهی شکل گرفته تا به کمک امدادهای الهی، حکومت قسط و عدل را در جهان گسترش داده و همه را تحت فرمان آیین یکتاپرستی درآورد؛ پس انتظار، به معنای امید به آینده‌ای سعادت آفرین است که همگان در آن، از مفاسد و ناحق‌ها نجات یابند و نیز به معنای چشم به راه بودن برای تحقق عدل و برقراری نظام عدل الهی است.^۱

انتظار فرج در اسلام

انتظار فرج در اسلام به ویژه مذهب حقه تشیع، در برگیرنده ایمانی استوار به امامت و ولایت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - و امید به ظهور آن آخرین ذخیره و حجت الهی و اتمام دوران ظلم ظالمان و آغاز پیروزی نهایی صالحان است که همه اعتقادات بنیادین اسلام؛ اعم از توحید، نبوت، امامت و تحقق وعده تخلف‌ناپذیر الهی را در خود به همراه دارد.

انتظار به بیانی دقیق‌تر؛ نوعی آمادگی است. آمادگی برای پاک شدن و پاک ماندن، آمادگی برای حرکتی مستمر با تلاش پی‌گیر به همراه خودسازی، دگرسازی و زمینه‌سازی به منظور شرکت در نهضت عظیم حضرت مهدی علیه السلام که آغاز آن ظهور مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام و برپایی حکومت عدل الهی است.^۲

۱. ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ص ۱۹۱.

۲. همان، ص ۱۹۱-۱۹۳.

صاحب کتاب شریف «مکیال المکارم» گلوازه انتظار را چنین تعریف نموده‌اند: «معنای انتظار؛ عبارت است از یک حالت قلبی و روحی که از آن، آماده شدن برای چیزی که در انتظارش هستی بر می آید. پس هر قدر انتظار شدیدتر باشد آماده شدن هم بیشتر می شود. آیا نمی بینی وقتی که مسافری داشته و منتظر آمدنش هستی هر چه زمان آمدنش نزدیک تر شود، آمادگی تو برای این امر بیشتر می شود.»^۱

در بیان یاد شده، انتظار یک حالت قلبی نفسانی معرفی شده است. گرچه درباره حقیقت آن شرحی داده نشده اما یکی از مهم ترین لوازم آن، آمادگی برای پذیرایی منتظر مطرح شده است. این آماده شدن یک حالت قلبی است اما آثار خارجی هم دارد. کسی که منتظر سفر کرده خود است، هم خود و هم منزلش را برای آمدنش مرتب و مهیا می کند.

کسی هم که منتظر ظهور امام عصر علیه السلام است خود را آماده می کند و آماده شدن به این معنی است که انسان همه ابعاد زندگانی خود را طبق میل و خواست امام قرار دهد.

بنابراین، مقصود از انتظار، آمادگی است که دو مرتبه دارد: نخست، انتظار روحی و خوشدل بودن برای تحقق این امید در آینده، یعنی آمادگی قبول دعوت برای رسیدن کسی که انتظار آمدنش است. دوم، انتظار عملی که اضافه بر انتظار روحی است، مثل آمادگی برای آمدن میهمان و پذیرایی از او که غذا باید آماده بوده و متناسب با مقام و شخصیت میهمان باشد.^۲

اگر «انتظار» به معنای امید و انتظار ظهور است پس ضد آن «یأس» به معنای ناامیدی، نقطه مقابل انتظار است و چون انتظار در بسیاری از مواقع به معنای «انتظار فرج» به کار رفته، ضد آن «یأس از امدادهای الهی» می باشد.

۱. مکیال المکارم، ج ۲، باب ۸، ص ۱۵۲. ۲. راه مهدی، ص ۸۶.

امیدوار بودن به دستگیری خدا در گرفتاری‌های مادی، معنوی و حل مشکلات از طریق راه‌هایی فوق تصور آدمی، به قوی بودن اعتقاد توحیدی انسان بر می‌گردد؛ هر چه این امید به مدد غیبی الهی، افزون‌تر باشد، ناامیدی از رحمت الهی کمتر خواهد بود و انتظار فرج هم دقیقاً به این معناست که انسان در گرفتاری‌هایش هر قدر هم که سخت و شدید باشد نباید از رحمت الهی مأیوس باشد و همین انتظار است که بالاترین عبادت خداوند محسوب می‌شود.^۱

منتظر کیست؟

کسی که امیدوار به رحمت الهی و ناراحت و مأیوس از وضع موجود است، به ظهور امام عصر علیه السلام یقین داشته و چشم به راه و آماده یاری اوست، چنین فردی منتظر نامیده می‌شود.

ایجاد حالت انتظار در انسان و منتظر نامیده شدن او، مستلزم تحقق مقدماتی است که با فراهم شدن آنها انتظار حاصل شدنی است و فرد به عنوان منتظر حقیقی شناخته می‌شود. مهم‌ترین مقدمات چهار عامل ذیل هستند:

اول: یقین به ظهور حضرت؛ هر قدر علم و یقین شخص به ظهور امام علیه السلام عمیق‌تر باشد، انتظارش نسبت به آن بیشتر است و با وجود شک در اصل وقوع و یا سست بودن عقیده نسبت به ظهور، انتظار هم به صفر نزدیک‌تر می‌شود؛ زیرا یقین قوی و محکم در مورد این مسأله ارتباطی مستقیم با اعتقاد فرد به وعده‌های قرآن و سنت داشته و وجود عقیده راسخ بر شدت انتظار می‌افزاید.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ص ۱۵۲، ح ۱۱: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أفضل العبادة انتظار الفرَج: برترین عبادت انتظار فرج است».

دوم: نزدیک دانستن امر ظهور: یقین داشتن انسان به اصل ظهور کافی نیست؛ بلکه اگر وقوع آن را در آینده‌ای نزدیک ببیند، انتظار بیشتر شده و تا در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام آمده امر ظهور را دور نپندارید، تا انتظار شدیدتر شود. اینکه امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «آن‌ها (کافران و ناباوران) ظهور امام را دور می‌بینند ولی ما آن را نزدیک می‌بینیم.»^۱ برای تشدید حالت انتظار در مؤمنان است هر چند که زودتر دانستن امر ظهور با «استعجال» که امر مذموم شمرده شده متفاوت است.

سوم: دوست داشتن ظهور امام علیه‌السلام: فرد معتقد به ظهور امام، هر مقدار ظهور موعود را دوست داشته باشد، بر شدت انتظارش افزوده شده و برای ظهور لحظه شماری می‌کند؛ زیرا که تصویر روشنی از زمان ظهور دارد.

چهارم: دوست داشتن مهدی موعود علیه‌السلام: با وجود علاقه، محبت و دل بستگی فراوان درون فرد معتقد نسبت به امام، انتظارش نسبت به ظهور آن حضرت شدیدتر خواهد بود. عوامل یاد شده باعث ایجاد حالت انتظار در فرد بوده و نبود و یا کمبود این عوامل در ضعف انتظار مؤثر است و فرد مقید به انجام وظیفه انتظار، با تقویت این مقدمات به عنوان یک منتظر واقعی محسوب می‌شود.

منتظر کیست؟

کلمه منتظر به فتح ظاء، اسم مفعول از باب «افتعال» به معنای انتظار کشیده شده است که دیگران در انتظار او به سر می‌برند. به عبارت دیگر، کسی که مورد انتظار شخص منتظر است و انتظار لحظه ظهور و ورودش کشیده می‌شود، منتظر گفته می‌شود.

۱. همان، ج ۹۹، ب ۷، ص ۱۱۲، ح ۲: قال الصادق علیه‌السلام: «انهم یرونه بعیداً و یرئنه قریباً».

از زبان امام معصوم علیه السلام آن کسی که باید در انتظار آمدنش بود، چنین معرفی شده است:

عبدالعظیم حسنی روایت می‌کند که بر مولای خود، امام محمدتقی علیه السلام وارد شدم و گفتم: من می‌خواهم از قائم علیه السلام سؤال کنم که آیا او همان مهدی است یا کسی غیر از اوست؟ که امام علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ الْقَائِمَ مَنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظَهْرِهِ وَهُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنَّبُوَّةِ وَخَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ إِنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ فِيمَلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجورًا.»

قائم ما همان مهدی است، کسی که واجب است در غیبتش انتظار او را بکشند و در ظهورش او را اطاعت کنند و او سومین از فرزندان من است و سوگند به کسی که محمد را به نبوت مبعوث فرمود و ما را به امامت مخصوص گردانید، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی گرداند تا در آن روز قیام کند و زمین را همچنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد، پر از عدل و داد نماید.^۱

بنا بر حدیث یاد شده، در عصر کنونی و دوران پر تکلیف غیبت، آن که باید مورد انتظار همگان بوده و انتظار او کشیده شود، حضرت مهدی علیه السلام است. حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا حضرت مهدی علیه السلام را «منتظر» گویند؟!

صقر بن ابی دلف گویند: از امام جواد علیه السلام پرسیدم که پس از حسن [امام حسن

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ب ۳۶، ص ۷، ح ۱.

عسکری علیه السلام [چه کسی امام است؟ ایشان چنین فرمودند:

«إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُنْتَظَرُ»

فقلتُ له: يا بنِ رسولِ اللهِ لم سُمِّيَ القائمُ؟

قال: «لأنه يقومُ بعدَ موتِ ذكره وارتدادِ أكثرِ القائلينَ بإمامتِه»

فقلتُ له؟ ولم سُمِّيَ المنتظرُ؟

قال: لأنَّ له غيبةً يكثرُ أيامها ويطولُ أمدها فينتظرُ خروجهُ المخلصون

وینکره المرتابون و يستهزی بذکره الجاحدون و يتجوا فيها المسلمون:

«همانا پس از حسن، فرزندش قائم، به حق امام منتظر است.»

گفتم: ای فرزند رسول خدا! چرا او را قائم می گویند؟

فرمودند: «زیرا او پس از آنکه یادش از بین مردم برود و اکثر معتقدین به امامتش

مردند شوند قیام کند.»

گفتم: چرا او را منتظر گویند؟

فرمودند: «زیرا ایام غیبتش زیاد شود و مدتش طولانی گردد، مخلصان، در انتظار

قیامت باشند و شکاکان، انکارش کنند و منکران، یادش را استهزاء نمایند و تسلیم

شوندگان در آن، نجات یابند.»^۱

آری، رمز اینکه امام مهدی علیه السلام منتظر نامیده شده در کلام پاک امام معصوم علیه السلام

به خوبی بیان شده است. و آن اینکه افرادی مخلصانه در انتظار قیام او و اتمام

دوران غیبت طولانی اش هستند و هرگز دست از این عقیده پاک خود نسبت به

امامت ایشان برنداشته و همچنان منتظر فرارسیدن لحظه ظهورش بوده و نیز تسلیم

شدگان امر اویند.

انواع برداشت‌ها از انتظار

اینکه در معنای انتظار، حالت قلبی و یا چشم به راهی، گفته شده است، بسی جای تأمل و درنگ دارد. و از این معنا دو نوع برداشت متفاوت می‌توان کرد. به عبارتی دیگر، دو نوع دیدگاه در مورد «انتظار» مطرح است:

دیدگاه اول: این حالت انتظار، انسان منتظر را به عزلت و انزوا کشانده و باعث می‌شود تا دست روی دست گذاشته و وضعیت موجود را تحمل کند و به امید آینده‌ای روشن، بدون کوچکترین تلاش و تحرّکی برای آماده نمودن زمینه آینده روشن، فقط انتظار بکشد که این نوع انتظار، «انتظاری ویرانگر و منفی» نامیده شده است و این نوع برداشت از انتظار، برداشتی انحرافی است که از نگرش و دیدگاه‌های افرادی نشأت می‌گیرد که چند گروهند:

پندار گروه اول: عده‌ای، انتظار فرج را در دعا کردن برای فرج و امر به معروف‌ها و نهی از منکرهای جزئی منحصر دانسته و بیش از این، وظیفه‌ای برای خود قائل نیستند.

پندار گروه دوم: گروهی دیگر، حتی امر به معروف و نهی از منکرهایی را که جزء وظایف شرعی انسان است قبول نداشته و معتقدند در دوران غیبت، کاری از آنها بر نمی‌آید و تکلیفی بر عهده ندارند. آنها نظرشان این است که امام زمان علیه السلام وقتی ظهور کنند خودشان کارها را حل می‌کند.

پندار گروه سوم: برخی دیگر بر این باورند که جامعه باید به حال خود رها شده و به فساد، کاری نداشته باشیم تا زمینه ظهور - دنیای پر از ظلم - فراهم آید.

پندار گروه چهارم: عده‌ای دیگر انتظار را چنین تفسیر می‌کنند: نه تنها نباید

جلوی مفسد و گناهان را گرفت بلکه باید به گناهان هم دامن زد تا زمینه ظهور حضرت حجت علیه السلام هر چه بیشتر فراهم آید.

پندار گروه پنجم: گروهی دیگر با تفسیر غلط روایات، هر حکومت اسلامی را که به هر شکل در زمان غیبت تشکیل شود، باطل و برخلاف اسلام دانسته و آن را خلاف شرع می‌دانند.^۱

دیدگاه دوم: اینکه انتظار و چشم به راهی، سبب آمادگی و پویایی و حرکت وسیع گردد.

از یک طرف حیات حاضر و کنونی، ظرف تلاش و حرکت به سوی فردا و فرداهاست و از طرفی دیگر، این چنین پویایی، بدون عنصر انتظار ممکن نیست؛ زیرا احتمال معقول، بقا و پایداری و امید به تداوم حیات است که معنابخش زندگی کنونی و تأمین کننده نیروی لازم برای ادامه آن است.

در این نوع برداشت، انتظار، محرک انسان بوده و گرایش دهنده او به جهت مناسب و سازگار با اصل حیات و اهداف او می‌باشد و این نوع انتظار به عنوان «انتظار مثبت» شناخته شده است.

طبق دو برداشت یاد شده، انتظار به دو نوع تقسیم می‌شود: انتظار منفی یا ویرانگر و انتظاری مثبت و سازنده که برای تبیین هر کدام شرح جداگانه‌ای لازم است.

۱. صحیفه امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۲۱، ص ۱۳-۱۴، (سخنرانی امام در نیمه شعبان سال ۱۳۶۱ در مورد معرفی برداشت‌های مختلف از انتظار بوده است و اینکه بعضی‌ها به حدیث مذکور استدلال کرده‌اند و تفسیر نا بجایی از آن نموده‌اند، در کلام امام مورد نکوهش قرار گرفته.

انتظار ویرانگر

برخی از مردم، خود را مدعی انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه می دانند اما نابخردانه و بدون برپا داشتن علم در برابر ظلم ها و فسادهای زمانه خود، از هرگونه مقاومتی سرباز زده و همواره سکون و سکوت را برگزیده اند. این دسته از افراد با این شیوه نامناسب و نادرست خود، هم در گفتار و هم در عمل خود، از جمله حامیان دشمن اند. خیلی طبیعی و مسلم است که دشمن هم برای دستیابی به اهداف خود از چنین روشی بهره گرفته تا انتظار، با از دست دادن معنای واقعی و حقیقی خود به طور غیر مستقیم تحریف گردد.

بر این اساس، برداشت مفهومی ارتجاعی و بسته از انتظار که باعث سکون است نه تنها سبب انحراف تمام اعمال انسان می گردد بلکه به ایجاد زمینه برای استثمارگری و تسلط دشمنان دین بر توده مسلمانان کمک می کند.^۱

دیدگاه امام خمینی ره و شهید مطهری ره

بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران - امام خمینی ره - در سخنان خود، هدف دشمنان اسلام را برای قشر مسلمانان، به وضوح مشخص ساخته اند. ایشان می فرمایند:

«اینها از اول در ذهن شما مطالبی وارد کردند تا شما را از امور مملکتی منصرف کنند و آنها مشغول کار خودشان باشند و شما هم مشغول دعا گویی باشید. آنها هم، هر کاری که دلشان می خواهد، هرگونه هرزگی که می خواهند بکنند.»^۲

۲. صحیفه امام خمینی، ج ۱۸، ص ۲۰۲.

۱. مهدی منتظر، ص ۳۶.

علامه شهید مرتضی مطهری رحمته الله نیز در معرفی و تبیین انتظار ویرانگر فرموده‌اند: برداشت قشری از مردم، از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی عج موعود عج این است که این موضوع، صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها، تبعیض‌ها، اختناق‌ها، حق‌کشی‌ها و تباہی‌ها ناشی می‌شود، نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آن‌گاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیروی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت (نه اهل حقیقت؛ زیرا حقیقت طرفداری ندارد) از آستین بیرون می‌آید. علی‌هذا هر صلاحی محکوم است؛ زیرا هر صلاح، یک نقطه روشن است. تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست دست غیبی ظاهر نمی‌شود. برعکس، هر گناه و فساد و هر ظلم و تبعیض و هر حق‌کشی و پلیدی‌ای به حکم اینکه مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‌کند رواست، زیرا «الغایات تبررالمبادی» (هدف‌ها وسیله‌های نامشروع را مشروع می‌کنند) پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است.^۱

این نوع برداشت منفی و غلط از مفهوم اصیل انتظار فرج و ظهور حضرت مهدی عج در واقع، عاملی مؤثر برای تعطیلی و کنار گذاشتن احکام و قوانین ناب اسلامی است و به تعبیر استاد مطهری رحمته الله نوعی «اباحی‌گری» محسوب

۱. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۴.

می‌شود^۱ و هرگز طبق موازین قرآنی نیست. امام رضا علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

أما يرضى أحدكم أن يكونَ في بيته ينفقُ على عياله ينتظر أمرنا فإن أدركه كانَ كمن شهد مع رسول الله بدرًا وإن لم يدركه كانَ كمن كان مع قائمنا في فسطاطه هكذا وهكذا. وجمع بين سبائيه - آيا شيعه ما رضایت نمی‌دهد که در خانه خود بنشیند و دارایی خود را برای اهل و عیال خود خرج کند و منتظر فرمان ما بماند.

اگر شيعه ما زنده بماند و حکومت ما را درک کند، هم‌مطراز کسانی است که در رکاب رسول الله صلی الله علیه و آله به جنگ بدر، رفته‌اند و اگر در حال انتظار بمیرد، هم‌مطراز کسانی است که با قائم آل محمد علیه السلام قیام می‌کنند و در سراپرده او مانند این دو انگشت شهادت، در کنار هم می‌نشینند.^۲

انتظار ویرانگر که معلول و محصول بینشی نادرست درباره تحولات و انقلابات تاریخی است؛ در واقع اسارت بخش و فلج‌کننده نیروهای مقاوم جامعه است و اگر دیدگاه فردی در مورد این اصل مقدس بر این اساس شکل گرفته باشد که ظلم را در عالم فراگیر کنیم تا مقدمات ظهور فراهم گردد و به سکوت در برابر ستم که نوعی همراهی در قیام است، پردازیم، اینجاست که به هشدار امام رضا علیه السلام در مورد اینکه خطر مدعیان دروغین انتظار به مراتب از فتنه دجال زیان‌بارتر و آسیب‌پذیرتر است، پی می‌بریم. امام رضا علیه السلام در معرفی این گونه افراد می‌فرمایند: «إِنَّ مِمَّن يَتَّخِذُ مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَمَنْ هُوَ أَشَدُّ فِتْنَةً عَلَيَّ شِيعَتَنَا مِنَ الدَّجَالِ».

۲. گزیده کافی، ج ۳، کتاب الحج، ص ۲۵۷.

۱. همان، ص ۵۵.

«برخی از کسانی که مودت و دوستی ما اهل بیت را دستاویز ساخته‌اند، زیان و فتنه انگیزیشان بر شیعیان ما از دجال بیشتر است.»^۱

بحث درباره دجال، مبحثی دامنه‌دار و گسترده است، اما همین قدر باید دانست که دجال شخصی فریبکار است که در آخرالزمان به منظور انحراف مردم از اصل توحید و حق و عدالت، به فعالیت‌ها و اقدامات مختلف دست زده، و امام مهدی علیه السلام توطئه‌های آنها را خنثی می‌نماید و سرانجام، مسلمانان را بر دجال پیروز می‌گرداند و این آخرین مرحله جنگ اسلام و کفر است؛ زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «وَالْجِهَادُ ماضٍ مَدَّ بَعَثَنِي اللهُ أَنْ يُقَاتِلَ آخِرُ أُمَّتِي الدَّجَالَ، آخِرِينَ جِهَادِ أُمَّتٍ مِنْ، جِهَادِ بَافْتَنَةُ دَجَالٍ أَسْت.»^۲

ریشه‌یابی انتظار ویرانگر

برداشت غلط از مفهوم راستین «انتظار» خطا و اشتباهی است که منشأ این اشتباه و انحراف برداشت، ریشه در عواملی نهفته دارد که این عوامل و راهکارهای رفع آن، بدین قرارند:

۱- کوتاه فکری و عدم بصیرت به دین: در واقع آنهایی که در دین و احکام آن به تعمق و تفقه نپرداخته‌اند، ناآگاه از فلسفه وضع این قوانین و بی‌توجه به هدف

۱. بحارالانوار، ج ۷۲، باب ۸۴ ح ۱۱، ص ۳۹۱.

پرسیدند: ای فرزند رسول خدا! به چه مناسبت فتنه‌شان از دجال بیشتر است؟ فرمودند: «زیرا با دشمنان ما مهر و مودت می‌ورزند و نسبت به دوستان ما دشمنی و عدوات می‌نمایند، هرگاه چنین شد حق و باطل به هم می‌آمیزند و حقیقت مورد اشتباه قرار می‌گیرد. [شناخت آن دشوار می‌شود.] در نتیجه انسان یا ایمان از شخص دور چهره باز شناخته نشود.»

۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص ۹۷.

والای شارع مقدّس از اجرای این احکام، وظایف خود را در چند بُعد جزئی از دین منحصر دانسته و معتقدند که وظیفه ما، فقط دعا کردن است و اگر پا را از آن فراتر نهند، فقط در حدّ امر به معروف ها و نهی از منکرهای جزئی اقدام می کنند.

امام خمینی رحمته الله اسلام شناس والامقام و آگاه عصر ما که متدینی راستین و نیز حقیقت جوی مکتب غنی اسلام بودند، در یکی از سخنرانی هایشان این گونه مسلمانان را به انجام وظیفه شان آگاه می کنند:

ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزند و نگذارد که این قدر ظلم زیاد شود، این ارزش دارد. این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان هستیم پس دیگر بنشینیم در خانه هایمان، تسبیح در دست بگیریم و بگوئیم: «عجل علی فرجه» یا کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و مسلمین را با هم مجتمع کنید همه با هم شوید.^۱

در واقع امام خمینی رحمته الله با پیشنهاد این راه حل، نه تنها سدی بزرگ در برابر کج اندیشی های افراد ایجاد کرده اند بلکه از انتشار این اندیشه غلط در بین مسلمین جلوگیری نموده اند و حتی خود ایشان به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مسئولیت رهبری مردم را به منظور تحقق هدف والای تحول و انقلاب اسلامی در شالوده نظام مملکت بر عهده داشته اند تا بدین صورت گامی چند در ایجاد زمینه برای ظهور و نیز اصلاح اجتماع برداشته شود.

۲ - انحرافات اخلاقی: عامل دیگری که در دریافت و تلقی نادرست مفهوم

انتظار مؤثر است، انحرافات اخلاقی است. افرادی که معتقدند؛ حتی امر به معروف

۱. صحیفه امام خمینی، ج ۱۸، ص ۱۹۵-۱۹۶.

و نهی از منکر نباید کرد و تکلیفی بر عهده‌شان نیست و امام خود هنگام ظهور کارها را حل می‌کند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای «حفظه الله»، در ضمن یکی از سخنرانی‌هایشان به افشاء سوء استفاده نمودن استعمار از معنی انتظار پرداخته و با هشدارهای آگاهانه و کوبنده خود خطاب به مردم ایران چنین می‌فرمایند: در گذشته سوء استفاده‌هایی از قضیه انتظار شده است، برداشت منفی همان چیزی است که استکبار و استعمار در طول سال‌های متمادی کوشش می‌کردند تا به مردم تزریق کنند، برداشت منفی این است که به مردم بگویند به ما چه که در مقابل ظلم و فساد و کفر و شرارت بایستیم، ما منتظر خواهیم ماند تا امام زمان خودش بیاید و مشکل را حل کند، این برداشت منفی است؛ یعنی سلب مسئولیت نسبت به همه شرارت‌ها و بدی‌های موجود در جامعه.^۱

وظیفه مهمی که بر عهده علاقه‌مندان واقعی حضرت است - البته پس از اصلاح خود - تلاش فراوان در راه اصلاح دیگران و مبارزه با کجروی‌ها و فسادها و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر به منظور اصلاح اجتماع است، از این رو باید برای رفع سوء استفاده از مفهوم والای انتظار، به تمامی افراد جامعه هشدار داد که از وظیفه خطیر امر به معروف و نهی از منکر، هرگز غافل نشوند.

بتأیید این، بر اساس احساس مسئولیت همگانی، باید در برابر فسادها و ناهنجاری‌ها ایستاد و سکوت را شکست و حتی در موقعیت مناسب، پرخاش

کرد و از سرزنش دیگران نهراسید. کسانی که خود را از صحنه اجتماع کنار کشیده و می‌گویند: ما به خیر و شر دیگران کار نداریم و تنها به این بسنده می‌کنند، که خود را دوستدار حضرت ولی عصر علیه السلام می‌دانند، به وظایف خود در زمان غیبت عمل نکرده‌اند و جزو منتظران واقعی آن حضرت به حساب نمی‌آیند،^۱ هر چند روزی صدها مرتبه بگویند: «اللهم عجل لولیک الفرج.»

در جایی که هدف تمام انبیاء و اولیاء و ائمه معصومین علیهم السلام اصلاح جامعه و مبارزه با فساد و ترک گناه بوده است، آیا می‌توان تصور کرد که انسانی خود را مسلمان و عاشق حضرت مهدی علیه السلام بداند و برای اصلاح جامعه تلاش نکند؟ برای هیچ مسلمانی پذیرفتنی نیست که گناه و انحراف و مخالفت با امام را ببیند و مهر خاموشی بر لب زده و گوشه عزلت بنشیند.

۳ - انحرافات سیاسی: یکی دیگر از عوامل اثرگذار در کج فهمی نسبت به مفهوم انتظار انحرافات سیاسی است؛ این نوع انحراف بیشتر مربوط به افرادی است که وجود دنیایی پر از ظلم و فساد را مقدمه ظهور و جزء جدا نشدنی زمینه قیام امام می‌دانند.

پیروان چنین نظریه‌ای، جهان پر از ستم را به عنوان مقدمه فرج قبل از ظهور دانسته و معتقدند با آن نمی‌توان مبارزه کرد و علت آن به توجیه نادرست روایاتی که از ظهور امام خیر می‌دهد، بر می‌گردد. البته دلیل دیگری که می‌توان برای آن ذکر کرد این است که آنها به روایاتی که شیعیان را به صبر و شکیبایی وامی‌دارد و از قیام

۱. در انتظار خورشید ولایت، ص ۱۳۶.

مسلحانه قبل از ظهور امام عصر، نهی کرده استدلال نموده‌اند بر این مبنا که: تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی قبل از ظهور موعود امری بی‌ثمر و ناموفق است.^۱ امام خمینی علیه السلام، اندیشمند فهیم و قهرمان مبارزه با کج اندیشی‌ها، در ضمن بیانات آگاه‌کننده خویش - در این زمینه - چنین فرموده‌اند:

اگر روایتی بگوید که نباید نهی از منکر کرد، این را باید به دیوار زد. این گونه روایت قابل عمل نیست و این تفهم‌ها [توجیه‌کنندگان نادرست از مسئله انتظار] نمی‌دانند چه می‌گویند، این از مصیبت‌هایی است که به مسلمانان وارد شده است و سیاست‌های خارجی دامن به آن زده، برای چاپیدن اینها و برای از بین بردن عزت مسلمین و باورشان هم آمده است، خیلی‌ها شاید الان هم باور کنند حکومت نباید باشد و زمان حضرت صاحب باید بیاید، حکومت و هر حکومتی در غیر زمان حضرت باطل است؛ یعنی هرج و مرج بشود، عالم به هم بخورد تا حضرت بیاید، درستش کند. ما درستش می‌کنیم تا حضرت بیاید، ان شاء الله خداوند اصلاح‌کننده اینها را.^۲

اگر تنها راه چاره برای مقابله با انحرافات اخلاقی که به برداشت سوء انتظار منجر می‌شود، تقوا در مقابل هوا و هوس است، بهترین و کارسازترین راه برای مقابله با انحرافات سیاسی، داشتن علم و بصیرت در حوزه سیاست و اجتماع، برای تشخیص دوستان و دشمنان و روشن شدن عملکرد سیاست‌بازان است.

۴ - عدم نیاز به زمینه‌سازی ظهور: یکی دیگر از عواملی که در فهم غلط

۱. مهدی ستیزی و آسیب‌شناسی مهدویت، ص ۲۲.

۲. صحیفه امام خمینی، ج ۲۰، ص ۹۷.

مفهوم انتظار، دخیل است، عبارت است از توهم اینکه امام زمان علیه السلام کارها را به وسیله اکراه یا اجبار یا فقط از طریق معجزه انجام داده، پس نیاز به مقدمات و ایجاد زمینه نیست.

این دیدگاه انحرافی، نتیجه غافل شدن از این امر است که برنامه قیام امام مهدی علیه السلام مثل برنامه قیام همه انبیای الهی از راه بهره گیری از اسباب طبیعی انجام شده و هیچ گاه اعجاز، تشکیل دهنده اساس آن نیست، معجزات در روند برنامه اصلاحی و رهبران آسمانی - جز در موارد استثنایی - دخالت نخواهد داشت. آیه الله مکارم شیرازی در کتاب خود چنین آورده اند که: «معجزه استثنایی است منطقی در نظام جاری طبیعت؛ برای اثبات حقانیت یک آیین آسمانی نه برای اداره همیشگی نظام جامعه. این کار تنها باید بر محور قوانین طبیعت صورت گیرد.»^۱

به طور کلی، ایجاد نظام جهانی بر مبنای عدل، باید آن چنان وسیع، گسترده و همگانی باشد که قسمت عمده برنامه های اصلاحی را با «خود آگاهی» و «خود یاری» مردم اجرا کند و زنده کردن روح «خود آگاهی» و «خود باوری» عمومی در سطح جهان، نیازمند نیرومندترین مراکز فرهنگی و وسایل ارتباط جمعی و... است که هیچ کدام از اینها بدون پیشرفته ترین وسایل صنعتی ممکن نیست.

بنابراین اگر قرار است همه کارها با «معجزه» تحقق پذیرد وجود چنین نظامی بدون وسایل پیشرفته صنعتی قابل تصور بوده ولی مگر اداره زندگی مردم جهان با معجزه ممکن است؟

۵ - عدم نیاز به اصلاح جامعه: توهم اینکه چون غیر از امام معصوم علیه السلام هیچ

۱. حکومت جهانی مهدی، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۸۲-۸۳

کس نمی‌تواند همه تباهی‌ها را به صورت کامل رفع نماید و تمامی صلاح‌ها را در همه ابعاد و زمینه‌ها حاکم سازد پس نباید دست به اصلاح زد.

نتیجه طبیعی این توهم، کوتاهی نمودن در یاری امام زمان علیه السلام و حتی کمک به مقاصد دشمنان می‌باشد و چنین عاملی ریشه در ناآگاهی از وظایف دینی افراد در عصر غیبت و نیز درک نادرست مفاهیم عمیق مذهبی دارد و می‌توان گفت: اگر اصلاح، به طور کامل مقدور و میسر نیست، اصلاح آن مقداری که در حد توان است از تکلیف انسان ساقط نشده است.

۶- ترویج و اشاعه فساد در جامعه: عده‌ای با برداشت سوء خود از «معنای انتظار» بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار را ترویج و اشاعه فساد می‌دانند.

در پاسخ به چنین افرادی با این نوع نگرش چنین می‌توان گفت:

این دیدگاه از نظر دین، اشتباه است؛ همان‌طور که حکومت حضرت مهدی علیه السلام ریشه کن‌کننده ظلم و جور و برپاکننده عدل و نهدی از قلدری و قساوت است، راه پیدایش این مقصود نیز باید چنین باشد، از ظلم و جور دور و از قساوت، قلدری، دروغگویی و ریاکاری برکنار باشد. قداست مجوز گناه نیست؛ گناه جز به گناه نمی‌افزاید و باستم نمی‌شود عدل را به پا کرد و با این عقیده نمی‌توان دادگری نمود.^۱

۷- عدم فهم صحیح روایات: یکی دیگر از عوامل عدم فهم صحیح از

روایاتی که ظلم و جور آخرالزمان را طرح و این برداشت اشتباه را می‌کنند این است

که به فساد و تباهی کاری نباید داشت و می‌بایست موضع بی‌طرفی را در قبال آن برگزید و یا حتی دیگران را به گناه فرا خواند.

برای رفع شبهه یاد شده - وجود ظلم فراگیر - ذکر این نکته ضروری است که: لازم نیست همگان ظالم یا فاسد شوند. نگاهی کوتاه و گذرا به جهان نشان می‌دهد که ظلم عالم را فرا گرفته است؛ عده‌ای ظالمند و بسیاری از افراد هم مظلوم. علاوه بر آن هیچ منافاتی ندارد که در کنار این ظلم و جور، دوستان و چشم به راهان آن حضرت، بازمینه سازی مثبت و آینده ساز، در اندیشه مقدمه چینی برای انقلاب جهانی او باشند. بنابراین باز هم ظلم و فساد به صورت نسبی در جهان شیوع دارد.

شیخ صدوق رحمته الله علیه حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که ایشان می‌فرمایند:

عن الصادق علیه السلام: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى يَشْقَى مِنْ شَقِيٍّ وَيَسْعَدُ مِنْ سَعِدٍ»^۱ «به خدا سوگند، این امر (فرج) بر شما در نیاید تا آنکه شقی، بدبخت و سعید نیکیبخت گردد.» [هر کدام به نهایت کار خود برسند].

سخن در این است که گروه شقاوت‌مندان و سعادت‌مندان، هر کدام به نهایت کار خود برسند نه اینکه سعادت‌مندی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتها درجه شقاوت برسند. از سویی دیگر بدیهی است که آیات و روایات، ما را به مبارزه با ظلم و ستم فرا خوانده‌اند، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَعْمَلُونَ الْمَعَاصِيَ وَيَقُولُونَ:

إِنَّ اللَّهَ قَدْ قَدَّرَهَا عَلَيْهِمُ الرَّادِّ عَلَيْهِمْ كَشَاهِرِ سَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فِي آخِرِ الزَّمَانِ،

گروهی معصیت می‌کنند و می‌گویند: خدا سبب آن شده [کنایه از جبر] کسی که اینها وارد کند مثل کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده است.^۱

عامل دیگری که در دستیابی به مفهوم سکون و سکوت از اصل مقدس انتظار، نقش دارد؛ جدایی دین از مسایل سیاسی است. سیاست بازان که به دنبال سکون و رکود جوامع اسلامی هستند، با عدم فهم صحیح و وارونه معنا کردن روایاتی همچون «بطلان هر علمی قبل از ظهور»^۲ زمینه سازان دیدگاهی هستند که: «هر اقدامی به منظور تشکیل حکومت در عصر غیبت خلاف شرع است.»

برای رفع این عامل خطرناک و به منظور ارائه پاسخ به تمامی کسانی که طرفدار چنین نظریه‌ای هستند و نیز در مورد بطلان هر علمی قبل از ظهور، گفتنی است که این روایات از روش برخورد فقها با سایر روایات مستثنا نیستند، پس باید آنها را بر قرآن، روایات و عقل عرضه کرد تا درستی یا نادرستی آنها معلوم گردد؛ حتی در روایات آمده اگر روایتی مخالف صریح آیات قرآن بود، باید کنار نهاده شود؛ زیرا که جعلی است.

به هر حال آنچه آیات، روایات و عقل به آن رهنمون می‌شوند، بطلان همه قیامها، فعالیت‌ها و جریان‌های قبل از ظهور نیست؛ بلکه منظور، قیام علمی است که به نام حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد بدین معنا که؛ هر کس علم بلند کند به نام

۱. بحار الانوار، ج ۵، ب ۱، ص ۴۶، ج ۷۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۳: عن ابی عبد الله علیه السلام: کُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا الطَّاعُوتُ يَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. هر پرچمی که قبل از قیام قائم برافراشته شود، صاحب آن طاغوت است که بنده غیر خداست. (منظور پرچمی است که به نام امام افرشته گردد. شرح بیشتر این حدیث در متن کتاب موجود است.)

مهدی علیه السلام و به عنوان مهدویت، قیام نماید. باطل است نه هر قیامی، چنان که قیام زید و امثال آن در تاریخ اسلام و روایات اهل بیت علیهم السلام به طور کامل مورد تأیید واقع شده‌اند.^۱ به عنوان نمونه در روایتی امام محمد باقر علیه السلام کشتگان مبارز قبل از ظهور را شهید می‌نامند. ایشان می‌فرمایند:

عن الباقر علیه السلام: «فمات منکم میت قبل أن یخرج قائمنا کان شهیداً»؛ «پس هر کس از شما قبل از اینکه قائم ظهور کند، بمیرد شهید است.»^۲

علاوه بر ارائه پاسخهایی به منظور رفع شبهه‌ها در مورد انتظار، راهکارهای دیگری نیز برای رفع این سوء تفاهم‌ها وجود دارد که عبارتند از: پیروی از علماء راستین که مصداق نواب عام امام زمان هستند، به حاشیه زانیدن تفکرات متحجر و جمودگرا و همچنین تلاش و روشنگری علماء و اندیشمندان در حوزه دینی و سیاسی و اجتماعی.

انتظار سازنده

نوع دیگری از انتظار که در واقع نگرش صحیح نسبت به امر مقدس انتظار است؛ انتظار سازنده یا همان انتظار مثبت است که تعهد آور، مسئولیت آفرین، نیرو بخش و به حرکت در آورنده می‌باشد.^۳

با کمی دقت در می‌یابیم که مفهوم راستین و واقعی انتظار عبارت است از:

۱. مهدی ستیزی و آسیب شنای مهدویت، ص ۲۴.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۳، ح ۵.
۳. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۱۵.

حرکت و تلاش سازش ناپذیر در جهت مبارزه با ظلم و ظالم به منظور زمینه سازی حکومت جهانی اسلام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام.

این مفهوم راستین دارای سه معنای تدریجی است که عبارتند از:

۱- فرج و گشایش که همچون نقطه روشنی است که انسان با انتظار به آن سو حرکت می کند، پس حرکت باید به سوی نقطه معینی باشد؛ یعنی به آن سویی که از طرف خدا ترسیم شده است. پس انتظار فرج، روشنی بخش دل ها با نور امید است؛ امید به رفع ظلم و تلاش در جهت ریشه کن نمودن آن، نه سکون و سکوت در برابر ستمگری های موجود در جامعه.

در حقیقت انتظار فرج، درمان کننده مشکل یأس است و شیعیان همیشه مخالف ستم بوده و ذکر همیشگی شان در هنگام مقاومت ها «یا حجة بن الحسن و یا مهدی» است به عنوان نمونه؛ زمانی که رژیم صهیونیستی برای ماندن در جنوب لبنان آمده بود تا به اشاعه فساد و تجاوز به ناموس ها پردازد، شیعیان به امام مهدی علیه السلام روی آورده و اسلحه ها را به سوی متجاوزان نشانه گرفته و سرانجام پیروز شدند. پس علتی که وادار کننده همیشگی شیعه برای ستیز با دشمنان است، انتظار فرج می باشد و اگر شیعه انتظار فرج را به طور کامل درک کند هیچ گاه، مظلومی باقی نمی ماند؛ زیرا شیعیان در این صورت، ظلم را نپذیرفته و خداوند آنها را پیروز می گرداند.^۱

۲- در مفهوم دوم انتظار فرج سازنده، توجه ما به سوی مرکز فرماندهی و ولایت الهی؛ یعنی امام مهدی علیه السلام است. این امر در رهبری معنوی؛ یعنی مرجعیت بازتاب یافته و اینکه رهبر مذهبی مسلمانان به ویژه شیعیان باید از بین پارساترین

۱. امام زمان آرزوی بشریت، ص ۱۰۲.

و نزدیکترین افراد به ارزش های الهی انتخاب شود به این دلیل است که افرادی مثل علامه انصاری، سید طباطبایی، آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی و... به عنوان رهبران شیعه، رو به سوی قله والاتری داشته اند که آن قله امام مهدی علیه السلام است و ما این قله بلند و متکامل را «انتظار فرج» می نامیم. چون انتظار فرج به معنای واقعی و اصیل خود، ما را وادار به حرکت به سمت قله های روشن و افق های دور دست می کند.

۳- مفهوم عمیق تر انتظار فرج این است که ما چون دوستدار امامیم باید آن طور که مورد پسند امام است زندگی کنیم و با یافتن الگویی مناسب - که جستجوی الگوی مطلوب از جمله اصیل ترین صفات بشر است - می توانیم نفس خود را به نمونه کوچکی از آن الگوی برتر، دگرگون ساخته و این الگوی مناسب که ارزش های والا در او تجسم یافته، امام مهدی (روحی فداه) است؛ از این رو در انتظار ظهور او بوده و سعی می کنیم، با تهذیب نفس و سایر آمادگی ها، اعمال خود را مورد رضایت امام قرار دهیم و این معنای والا و حقیقی انتظار فرج است.

سازندگی انتظار سازنده

پس برداشت واقعی انتظار، فراهم آوردن زمینه های ظهور از طریق ظلم ستیزی به مقدار توان و نیز آمادگی برای ظهور حکومت است که نشانگر سازندگی انتظار می باشد. در این نگرش فرد باید عالم را برای آمدن حضرت مهیا کند نه تنها به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر پردازد بلکه به دنبال تشکیل حکومت صالح و حفظ و حراست از کیان اسلامی نیز باشد. امام خمینی ره در این زمینه می فرمایند:

البته پر کردن دنیا از عدالت، این را ما نمی توانیم بکنیم، اگر می توانستیم می کردیم... اگر ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم تکلیفمان است ضرورت اسلام

و قرآن است... باید چنین کنیم... فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک کنیم. کاری کنیم که عالم مهیا شود برای آمدن حضرت.^۱

آری! این است مفهوم مکتبی نهضت انتظار که شیعه تا زمان ظهور باید همچنان مردمانی انقلابی، اهل نهضت و مقاومت و دفاع در برابر زورگویان باشند و همه اینها مربوط به درک مفهوم صحیح انتظار است.

انتظار سازنده در کلام وحی

آن عده از آیات قرآن که ریشه این اندیشه است در مقابل برداشت منقی انتظار می باشد؛ بدین معنا که ظهور حضرت مهدی علیه السلام حلقه‌ای از حلقه‌های مبارزه اهل حق و اهل باطل است که منجر به پیروزی نهایی اهل حق می گردد.

سهیم بودن فرد در این سعادت و نیز طی کردن عصر غیبت و دوران انتظار، طبق رضایت الهی، وابسته به این است که فرد به طور عملی در گروه اهل حق باشد.

از جمله آیاتی که به این موضوع اشاره دارد، آیه زیر است:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ
كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ
مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین (خود) قرار دهد. همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین خود قرار داده و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به

۱. صحیفه امام خمینی، ج ۲۰، ص ۹۶-۹۷.

سودشان مستقر کند و بیم‌شان را به ایمنی مبدل گرداند. تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.^۱

آنچه از ارتباط این آیه با انتظار فهمیده می‌شود، این است که: مهدی موعود مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، نه فقط مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان، که در کنار آن، اهل عمل صالح یا شایسته کاران آمده است.^۲

(عملوا الصالحات)

بنابراین، انتظار از عمل - طبق نوید قرآن به مؤمنان اهل عمل صالح - هرگز جدانگیز نیست.

انتظار در روایات

انتظار در فرهنگ متعالی اسلام، به ویژه در مکتب گرانسنگ تشیع از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در مباحث مهدویت، درخشندگی خاصی دارد. مجموعه روایاتی که از «انتظار» سخن گفته‌اند، به دو دسته کلی تقسیم می‌شود.

دسته نخست: روایاتی است که به انتظار فرج و گشایش، به صورت عام و کلی اشاره کرده است، گرچه مصداق کامل و تام آن «فرج عمومی» در سطح جهان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز هست ولی هر گشایشی را شامل می‌شود.

دسته دوم: روایاتی که در خصوص فرج قائم آل محمد علیهم السلام و ظهور آخرین مصلح جهانی و موعود است.^۳

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، صص ۵۵-۵۷.

۳. فرهنگنامه مهدویت، صص ۵۶-۵۸.

هر روایات دسته اول، از انتظار با تعبیرات متفاوتی یاد شده است و روایات دسته دوم، بیشتر به وظایف انسان منتظر، اشاره دارد. اما به هر حال آنچه در این مبحث مد نظر ماست، پرداختن به مفهوم واقعی انتظار و معرفی شدن آن از دیدگاه روایات است.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که: از بین دو نوع انتظار (ویران‌گر - سازنده) کدام مورد مقصود پیشوایان دینی است؟

اگر به متون روایی، نگاهی اجمالی داشته باشیم، در می‌یابیم که خیلی صریح و واضح با ارائه تصویری مناسب از انتظار، خط بطلان روی برداشت نخست (انتظار ویرانگر) کشیده حتی برای اینکه هرگز معنای غلط آن در اذهان مخاطبان خطور نکند، انتظار را «عمل» معرفی کرده‌اند نه حالت و این یک قاعده منطقی است که فردی که توانایی تحمل وضعیت فعلی و موجود را ندارد منتظر گشایش بوده و با عمل، خود را برای آن آماده می‌کند و بیکار نمی‌نشیند.

بنابراین، برداشت‌های ناقص و نادرستی که درباره مسأله انتظار در برخی از اذهان وجود دارد تنها با مطالعه گفتار معصومین علیهم‌السلام و منابع معتبر اسلامی اصلاح می‌شود و آن وقت بر این گونه افراد که پنداشته‌اند، انتظار به معنای خاموشی، گوشه نشینی و سکوت است معلوم خواهد گشت که چنین نمی‌باشد زیرا کسی که منتظر است بی تفاوت و بی خیال نیست. حضرت یعقوب منتظر حضرت یوسف بود اما بیکار نشست و به فرزندانش گفت: «ای پسران من بروید، از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا نومید مباشید.»^۱

پس انتظار، نه احتراز و گوشه نشینی و نه نفی اعتراض به طاغوت‌هاست؛ زیرا اینها حالت روحی و روانی محض هستند بلکه انتظار، عمل و اقدام، حرکت و تکاپوست که در روایات هم بدان اشاره شده است.

الف - انتظار فرج: برترین عمل

آنچه از گفته‌ها و توصیه‌های رهبران اسلام یعنی امامان معصوم علیهم السلام در زمینه انتظار وجود دارد، نشان دهنده بعد عملی و گشودن دست عمل به دنبال جنبه ذهنی آن است. اسلام می‌خواهد که انتظار، جنبه عملی به خود بگیرد و انسان منتظر علاوه بر حالت درونی انتظار و چشم به راهی لحظه به لحظه، از عمل و اقدام غافل نماند و حتی در روایتی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، انتظار به عنوان عمل و حتی برترین عمل معرفی گشته است. رسول مکرم اسلام چنین فرموده‌اند:

«أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج من الله عزّ وجلّ»؛

«برترین عمل امت من، انتظار فرج از جانب خدای بلند مرتبه است».^۱

روایت معروف دیگری که از پیامبر عظیم‌الشان اسلام نقل شده این است که:

«أفضل الاعمال أحمرها»؛ «برترین اعمال سخت‌ترین آنهاست».^۲

نتیجه‌ای که از این دو حدیث به دست می‌آید آن است که انتظار تنها انگیزه و حالت درونی نیست بلکه عمل محسوب شده و حتی تعبیر «برترین اعمال در مورد آن به کار رفته و ارتباط تنگاتنگ آن با حدیث دوم نشان می‌دهد که انتظار از جمله دشوارترین تکالیف شرعی بوده و برتری آن در سخت بودن انجام آن و بعد

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، پ ۱۲، ص ۱۲۲، ح ۲ و در کمال‌الدین، ج ۲، ص ۵۴۵.

۲. بحار الانوار، ج ۶۷، پ ۵۳، ص ۱۹۰، ح ۲.

عملی/یعنی وظایف منتظران نهفته است و به همین دلیل به عنوان، برترین عمل مؤمن هم از آن یاد شده است.

تعبیر ارزشمند دیگری که در کلام معصومین علیهم السلام در مورد انتظار به کار رفته، برترین عمل مؤمن است که از بیان امام علی علیه السلام روایت شده است:

«أَفْضَلُ عَمَلِ الْمُؤْمِنِ أَنْتَظَارُ الْقَرَجِ». «بهترین کار مؤمن انتظار قرج است.»^۱

برای درک صحیح مفهوم این عمل پر فضیلت (افضل عمل)، دانستن خاستگاه این عمل ضروری است. که به ذکر حدیثی از رسول گرامی اسلام، استناد می‌کنیم:

«نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ، نِيَّةٌ مُؤْمِنٌ مِنْ أَعْمَالِهِ أَوْ بَهْتَرُ اسْت.»^۲

در حدیث مذکور، نیت، برتر از عمل شمرده شده و قصد ذهنی مقبول است که دو شرط اساسی را داشته باشد یکی اینکه: به منظور کسب رضایت الهی باشد و دیگری که شرط برتر و مهم‌تری است آن است که قصد ذهنی صرف نباشد بلکه منجر به عمل شود که اخلاص و رضایت الهی و قصد تقرب در آن موج بزند. زیرا نیت انسان همت او را ساخته و هم توفیقات و امدادهای الهی را به اندازه همتش شامل حال او می‌کند چنانچه در حدیثی آمده که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده‌اند:

«عَلَى قَدْرِ النِّيَّةِ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ الْعَطِيَّةُ عَطَايَايَ الْهَيِّ بِهٖ اِنْدَاذَةُ نِيَّتِ شَامِلِ حَالِ فَرْدٍ مِي شُود.»^۳ یعنی هر که نیتش عالی تر باشد، عطایای الهی در حق او بیشتر و هر قدر نیت فرد پست باشد، توفیق الهی کمتر خواهد بود. از طرفی دیگر شخصیت هر فرد متناسب با نیت‌ها و همت‌هایش شکل می‌گیرد.

۱. تحف العقول، ص ۱۷۹.

۲. اصول کافی ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، باب النية، ص ۸۴ ح ۳.

۳. غررالحکم و دررالحکم، ج ۳، ص ۳۱۶، ح ۶۱۹۳.

بنابراین، برای درک رابطه آرزوها و همت فرد، می توان به شا کله افراد اشاره کرد. در واقع شا کله هر انسانی با آرزوهای او اثر متقابلی در یکدیگر دارند. قرآن کریم می فرماید: «كُلُّ يَعْْمَلُ عَلٰى شَاكِلَتِهٖ: هر کس بر اساس ساختار (روانی - بدنی) خود عمل می کند.»^۱

منظور از شا کله، همان شخصیت روحی فرد و نیت انسان است که اعمال انسان برخاسته از آن می باشد.^۲ پس شکل گیری شخصیت هر انسانی، متناسب با نیت های اوست و چون آرزوهای افراد بر اساس شا کله و شخصیت روحی آنها است و از طرفی آرزوها در نیت و نیت در همت مؤثر است بنابراین شا کله هر فرد متناسب با نیت و همت های اوست.

با توجه به مقدمات و عبارات گفته شده در می یابیم که رابطه متقابلی بین شخص منتظر و آرزوهایی که به جهت انتظار امام عصر علیه السلام مطرح است وجود داشته و این گونه می توان پی به عظمت انتظار ببریم.

اگر از مؤمنی که برای ظهور مولایش لحظه شماری می کند و انتظار می کشد، بزرگترین آرزویش پرسیده شود، به طور قطع و مسلم، اولین چیزی که مطرح می کند، این است که خدا توفیق درک ظهور را به او عطا کند. کسی که سوز انتظار حضرت بقیه الله الاعظم (روحی فداه) قلبش را تحت تأثیر قرار داده، آرزوی او مربوط به خود یا نزدیکانش نیست زیرا او محبوبی از امام نزدیکتر ندارد و از این رو بزرگترین آرزویش مربوط به برترین معشوقش است.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۳۲۳.

۱. سوره اسراء، آیه ۸۴.

هرچه قدر انتظار بیشتر باشد این حالت در او شدت بیشتری یافته تا آنجا که آرزوی یاری امام و پیوستن به ایشان همچون روحی در کالبد اعمالش جریان پیدا می‌کند. از همین روست که انتظار فرج پر فضیلت‌ترین عمل شمرده شده است. و این امر تمام آرزوهای فرد را در بر گرفته و همین حالت روحی و آمادگی از بالاترین کمالات مؤمن در عصر غیبت است؛ زیرا که با یاد و عشق امامش زنده است و همه اعمالش به این سو و جهت هدایت می‌یابد.^۱

ج - دین بر پایه انتظار

برای درک هر چه بیشتر عظمت انتظار، ذکر این مطلب ضروری به نظر می‌رسد که انتظار در برخی روایات نه در ردیف فروع دین بلکه در شمار اصول و قواعد اساسی دین قرار گرفته است و همین امر بیانگر عظمت انتظار امام زمان علیه السلام است. در حدیثی ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند که ایشان روزی چنین فرمودند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ؟» «آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای عز و جل هیچ عملی را از بندگان جز به سبب آن نمی‌پذیرد.» ابوبصیر عرض می‌کند: بله بفرمایید. آن‌گاه حضرت چنین توضیح می‌دهند: «شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَالْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَالْوَلَايَةَ لَنَا وَالْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا، - يَعْنِي الْأَئِمَّةَ خَاصَّةً - وَالتَّسْلِيمَ لَهُمْ وَالْوَرَعَ وَالْاجْتِهَادَ وَالطَّمَانِينَةَ وَالْإِنْتِظَارَ لِلْقَائِمِ علیه السلام».

گواهی دادن به توحید پروردگار و اینکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست و اقرار به آنچه خداوند دستور فرموده و ولایت ما و بیزاری جستن از دشمنان

ما «ائمہ علیهم السلام» است. و تسلیم شدن نسبت به ایشان و ورع و کوشش [در راه عمل به شرع] و طمأنینه و در انتظار حضرت قائم بودن.^۱

هر عمل دینی برای آنکه عبادتی مقبول در پیشگاه خدای متعال تلقی شود، باید شرایطی داشته باشد که بخش عمده آن به شخص عمل کننده مرتبط است. و اینها همان اموری است که به عنوان دین صحیح و مطابق خواست خداوند است. پس قبل از انجام هر عملی باید دینی که شرط پذیرفته شدن همه اعمال است بشناسیم و انتظار، یکی از این شرایط است.

انتظار، در کنار شهادت به توحید (شهادة أن لا اله الا الله) و ایمان به پیامبر (و أن محمداً عبده و رسوله) و اقرار به آنچه امر فرموده (شاید منظور دستورات الهی در قرآن است) و اقرار به ولایت (وَالْوَلَايَةُ لَنَا) آمده که نشانه اساسی بودن اصل انتظار است.

دین اسلام بدون انتظار قائم علیه السلام ناقص مانده چنانچه اگر ولایت امام علی نمی بود ناقص مانده بود، پس همان طور که اعلام ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام باعث تکمیل دین و اتمام نعمت الهی و رضایت خدا نسبت به اسلام است؛ انتظار حضرت مهدی، نیز موجب کمال دین است زیرا که خدا دین بی ولایت را نمی پذیرد، چنان که ولایت بی انتظار، را نمی پذیرد و این خود به این معناست که خدا دین بی انتظار را نمی پذیرد و به همین دلیل امام صادق علیه السلام همه آن اصول را تحت قبولی اعمال مطرح کرده اند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، سوم، ب ۲۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰. و غیبت نعمانی، ب ۱۱، ص ۲۹۲، ح

امام باقر علیه السلام نیز از مضمونی شبیه به آنچه ذکر شده عنوان کرده و می‌فرمایند:
 «الدِّينَ الَّذِي يَقْبَلُ اللَّهُ فِيهِ الْعَمَلُ: دِينَ بِرَاسَاسِ آن (اصول) عَمَلِ بِنْدِگَانِش رَا
 مِي پَذِيرِد.»

آن‌گاه اصول آن را چنین بر شمرده‌اند: «شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
 لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَتُقْرُبُهَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَالْوَلَايَةُ لَنَا
 أَهْلِ الْبَيْتِ وَالْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا وَالْوَرَعُ وَالتَّوَاضُعُ وَإِنْتِظَارُ
 قَائِمِنَا فَإِن لَنَا دَوْلَةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ جَاءَ بِهَا»^۱

در مجموع می‌توان چند نکته در خور تأمل در حدیثی که انتظار هم‌ردیف
 اصول دین آمده یافت:

- ۱- انتظار یکی از پایه‌های اساسی دین مورد قبول خداوند را تشکیل می‌دهد.
- ۲- قرار گرفتن انتظار حضرت مهدی علیه السلام در کنار شهادت به توحید و نبوت
 و ولایت، حاکی از شدت اهمیت و اعتبار آن در نزد خداوند است.
- ۳- خدا بر اساس مجموعه اصول مذکور است که اعمال بندگان را می‌پذیرد.
 پس اگر نقصی از ناحیه هر یک از اصول پیش آید مقتضی برای قبولی اعمال
 حاصل نخواهد گشت و بر اساس همین نکته است که می‌توان گفت: هیچ عملی را از
 بنده غیر منتظر نمی‌پذیرد.
- ۴- آمدن دو اصل پرهیزکاری و سخت‌کوشی (ورع و اجتهاد) هم‌ردیف با
 انتظار قائم علیه السلام علاوه بر تصریح به جدایی ناپذیر بودن «انتظار و ورع» و «انتظار

۱. اصول الکافی، ج ۲؛ کتاب الايمان والكفر، باب دعائم الاسلام، ص ۲۲، ح ۱۲. الامالی
 ص ۱۷۹، ح ۲۹۹.

و اجتهاد» به کامل نبودن دین بدون آن دو نیز دلالت دارد، همان طور که به عدم قبول انتظار بدون آن دو اشاره می‌کند.^۱

اینکه در نهایت حکومت روی زمین به دست امام زمان علیه السلام خواهد رسید حاکی از حکمت انتظار، است که دولت پایدار جهانی اهل بیت علیهم السلام به دست امام عصر علیه السلام و به اراده خدا عملی خواهد گشت و در آن همه اهداف پیامبران تعالیم قرآن و اهل بیت تحقق خواهد یافت و همه اینها نشان از عظمت انتظار فرج دارد که شایسته است مسلمان موحد چشم انتظار آن باشد. زیرا انتظار از اصول اساسی دینش به شمار می‌آید.

د - انتظار فرج؛ محبوب‌ترین عمل

در روایات امامان معصوم علیهم السلام انتظار نه تنها عمل و حتی برترین عمل بلکه به عنوان محبوب‌ترین عمل نیز شمرده شده است. حدیث زیر به همین موضوع اشاره می‌کند: «سئل عن علی علیه السلام رجل أي الأعمال أحب إلى الله عز وجل قال علی علیه السلام انتظار الفرج:

مردی از امام علی علیه السلام پرسید: محبوب‌ترین عمل نزد خدای بلند مرتبه کدام است؟ امام علی علیه السلام فرمودند: «انتظار فرج».^۲

در حدیث یاد شده محبوب‌ترین عمل تعبیر فخیم دیگری است که در مورد انتظار امام زمان علیه السلام به کار برده شده است. گرچه به ظاهر در ترجمه این حدیث شریف، فرقی بین دو تعبیر «الی الله» و «عند الله» نیست، یعنی در هر صورت می‌توان آن را «در نزد خدا» معنی کرد، اما بعید نیست که واژه «الی» که در اصل به معنای «به سوی و به جهت و به اطراف استعمال می‌شود، در اینجا نیز حاکی از عنایتی خاص

۲. بحار الانوار، ب ۲۲، ص ۱۲۲، ج ۳.

۱. انتظار بهار و باران، ص ۲۳.

است که با حکمت و دقتی که در فرمایش معصومین علیهم السلام نهفته است می تواند نشان دهنده حرکتی با سمت و سویی الهی باشد.

این حدیث نه تنها از کلام امام علی علیه السلام نقل شده بلکه از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز منقول است ایشان می فرمایند: «أحب الأعمال إلى الله عز وجل انتظار الفرج؛ محبوب ترین عمل نزد خدای بلند مرتبه انتظار فرج است».^۱

به عبارت دیگر وقتی پیامبر خدا که زبان صدق خداوندی است و امیرالمؤمنین علی علیه السلام که امیر بیان است هر دوی این بزرگوار به جای «أحب الأعمال عند الله» عبارت «أحب الأعمال إلى الله» را در مورد انتظار به کار می گیرند، گویا به حرکت آفرینی انتظار، نظر دارند. و در جهت معرفی نمودن انتظار به عنوان عامل پویایی و رشد الی الله و پشتوانه حرکت به سوی خدا بوده اند.

بنابراین «انتظار فرج» حرکت و تلاش است و بنایی هدفی و سکون و تن آسایی سازگاری ندارد. از طرف دیگر، انتظار چون حرکت و عملی در راستای اراده خدا و در جهت عملی شدن وعده های او صورت می گیرد عملی عبادی و محبوب خداست. و دلیل دیگری که برای محبوبیت آن می توان یافت این است که چون انتظار در تحقق احکام الهی و آرمان های توحیدی نقش تعیین کننده تری از سایر اعمال دارد، بیشتر از آنها مورد بحث خداوند قرار می گیرد.^۲

برای تبیین نقش انتظار فرج در تحقق آرمان های توحیدی لازم است این نکته اساسی مد نظر قرار گیرد که: فرج به معنی رفع گرفتاری است و انتظار فرج یعنی امید

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۳۲، ح ۵۳.

۲. انتظار بهار و باران ص ۳۸.

به رحمت خداوند در گرفتاری‌ها و هر قدر اعتقاد به توحید در انسان قوی‌تر باشد، انتظار فرج در او بیشتر و شدیدتر می‌شود به همان اندازه که یأس از رحمت خداوند مبغوض ذات مقدّسش است، انتظار فرج محبوب اوست؛ زیرا یأس به شرک منتهی شده که مبغوض‌ترین عمل نزد خداست. انتظار فرج - که ضد آن می‌باشد - محبوب‌ترین عمل نزد او به شمار می‌آید. ^۱ و این همان رمز محبوبیت انتظار است.

ه - انتظار فرج؛ عملی عبادی

انتظار فرج در دین مبین اسلام، نه تنها به عنوان برترین و محبوب‌ترین عمل شمرده شده است بلکه از آن با عنوان دیگری به نام «عبادت» یاد شده است آنجا که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «انتظار الفرّج عبادة؛ انتظار فرج عبادت است».^۲ در میان همه خلائق امّتی والّا تر از امّت حضرت محمد صلی الله علیه و آله نمی‌توان یافت و از این رو است اعمال امّت پیامبر والّا تر از اعمال همه امّت‌هاست.

در میان چنین اعمال والایی از امّت پیامبر والّا تر از «انتظار فرج» نمی‌توان یافت، چون «انتظار فرج» انتظار قدرت اسلام و توحید است. انتظار «حاکمیت وحی و ولایت» است. انتظار اجرای حدود الهی و احکام قرآنی است.

از دیگر سو، انتظار فرج عمل است کار و تلاش و تکاپو است و عملی مقدّس‌تر و با فضیلت‌تر و پسندیده‌تر از مقدمه‌سازی برای قدرتمند شدن اسلام و به حاکمیت رسیدن توحید و وحی و ولایت و اجرای احکام و حدود الهی و قرآنی وجود ندارد.

۲. بحار الانوار، ب ۲۳.

۱. سلوک منتظران، ص ۴۵.

در کلام نورانی پیامبر ﷺ به همین بسنده نمی شود که «انتظار فرج» والاترین عمل به شمار رود. بلکه بالاترین درجه از با ارزش ترین عمل مومنین یعنی «عبادت» که نمایش خالصانه اطاعت و بندگی خداست به آن اختصاص می یابد.

«انتظار فرج» عبادت است؛ زیرا جلوه ای زیبا از گردنگذاری به فرمان الهی و مقاومت و گردن فرازی در برابر طاغوتیان است و قصد قربت می طلبد.^۱ از طرف دیگر انتظار فرج به این دلیل عبادت است که بدان دیگر عبادت ها از کیفیت و ابعاد عملی برخوردار است که پیشوایان الهی مادر آثار خود آن را مورد توجه قرار داده و رعایت دقیق آن را وظیفه و تکلیف مردمان در عصر غیبت دانسته اند و بر همه منتظران لازم است که از وظایف شرعی خود غافل نشوند.^۲

و - انتظار فرج؛ بالاترین عبادت مؤمن

به منظور بیشتر معرفی نمودن گلوآژه انتظار، تعبیر دیگری در لابلای کلام نورانی معصومین علیهم السلام به چشم می خورد و آن اینکه، انتظار، بالاترین عبادت مؤمن، شمرده شده است. و این تعبیر هم در کلام خدا و هم در بیان امیرالمؤمنان علی علیه السلام جاری شده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره چنین فرموده اند: «افضل العبادة انتظار الفرج؛ والاترین عبادت انتظار فرج است.»^۳

امام علی علیه السلام نیز «انتظار فرج» را بالاترین عبادت مؤمن دانسته اند و می فرمایند:

۱. انتظار بهار و باران، ص ۴۱. ۲. آیین انتظار، ص ۱۲.
۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۲۵، ح ۱۱: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «افضل العبادة انتظار الفرج».

«افضل عبادة المؤمن انتظار فرج الله، برترین عبادت مؤمن انتظار فرج از جانب خداست.»^۱

«فرج الله» یعنی «فرج من الله» گشایشی از جانب خداوند. بالاترین عبادت مؤمن انتظار فرج از جانب خداوند است. این عبادت یک عمل قلبی است که ارزش آن از همه عبادات بیشتر است. ممکن است انسان کارهای زیادی انجام دهد اما روح و اساس تمام عبادات، توحید و اعتقاد قوی به خداست که در گرفتاری‌ها و سختی‌ها عمق آن روشن می‌شود.

میزان اعتقاد انسان به خدا به عنوان تنها نقطه امید و پناه در گرفتاری‌ها، بیشتر مشخص شده در حالی که خود فرد هم نمی‌داند و از قوت اعتقادش در هنگام گرفتاری‌های سخت مطلع می‌شود. انسانی که در گرفتاری‌های سخت زندگی هرگز صبر خود را از دست نمی‌دهد و رضایت قلبی خود را نسبت به قضای الهی حفظ کند آنگاه مؤمن واقعی است وقتی شخصی از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: بای شیء يعلم المؤمن بأنه مؤمن، به چه چیزی معلوم می‌شود که شخص مؤمن است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «بالتسليم لله والرضا فيما ورد عليه من سرور او سخت»؛

«به تسلیم خدا بودن و راضی بودن به آنچه برایش پیش می‌آید چه از شادی و ناراحتی».^۲ رضایت از قضای الهی در هنگام خوشی‌ها کار سختی نیست بلکه مهم‌تر از آن حفظ رضا در مواقع ناراحتی انسان است که این کار بسیار مشکل است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۳۱، ح ۳۳.

۲. اصول کافی ج ۲، کتاب الایمان والکفر، باب الرضا بالقضاء، ص ۶۳، ح ۱۲.

بالاترین عبادت الهی در مذهب اهل بیت علیهم السلام صبر و رضا نسبت به قضای الهی است. در این باره امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«رأس طاعة الله الصبر والرضا عن الله فيما أحب العبد أو كرهه»؛

اساس اطاعت خداوند صبر و خشنودی از خداست در آنچه بنده دوست می‌دارد یا ناپسند می‌شمارد.^۱

حیات معنوی و زندگی واقعی انسان به ایمان و بندگی کردن او در پیشگاه خداوند بستگی دارد هدف از خلقت، بندگی خداست و روح بندگی - که حیات معنوی انسان به وجود آن وابسته است. همانا صبر در گرفتاری‌ها و رضایت نسبت به خدا می‌باشد به خصوص در اموری که برای انسان مکروه و ناپسند است.

مؤمن موحد با همه وجودش معتقد به وجود گرفتاری در دست خدا و اراده اوست و او خود، بنده‌اش را به گرفتاری‌ها مبتلا کرده تا میزان بندگی او را بیازماید و معلوم شود چه قدر بنده است.

بهترین نشانه بنده خدا بودن این است که انسان در هر حالی فقط و فقط متکی به خدا و به او امیدوار باشد و نه خوشی‌ها او را از مسیر بندگی خدا خارج کند و نه ناخوشی‌ها، صبر و رضایت را از کف او برباید.^۲

بهترین راه بندگی خدا به این است که انتظار فرج را در گرفتاری‌ها از دست ندهیم بلکه با شدت گرفتاری‌ها انتظار فرج در ما بیشتر شود. روح بندگی و طاعات همین عبادت قلبی است که ریشه در اعتقاد عمیق و قوی به توحید پروردگار دارد. بنابراین می‌توان تصدیق کرد که برترین و بالاترین عبادت مؤمن، انتظار فرجی

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۰، ح ۱. ۲. سلوک منتظران، ص ۴۵-۴۷.

است که در گرفتاری‌ها از خدای متعال دارد و این عبادت قلبی روح همه عبادات دیگر می‌باشد.

دلیل دیگری که برای معرفی کردن انتظار به عنوان بالاترین عبادت مؤمن وجود دارد این است که رنج‌ها و گرفتاری‌های امام زمان علیه السلام در زمان غیب به خاطر خروج از تنگناها و خلاصی خود و شیعیانش از غم و غصه‌ها، بیشتر از هر کس دیگری است و چون ایشان دارای مقام و منزلت والایی نزد پروردگارانند، اگر فردی، انتظار فرج ایشان را به خاطر خود ایشان داشته باشد بالاترین درجه عبادت را انجام داده است.^۱ کسی که امامش را از خودش بیشتر دوست می‌دارد، بیش از آنکه انتظار فرج خود را داشته باشد، چشم انتظار فرج ایشان است و در گرفتاری‌های خودش از اینکه امامش به خاطر او ناراحت می‌شود بیشتر از اینکه خود به سختی افتاده رنج می‌برد. بر همین اساس، دوستدار واقعی و عاشق صادق امام عصر علیه السلام در گرفتاری‌های شخصیش هم بیشتر به خاطر مولای محبوبش ناراحت می‌شود تا برای خودش و یا سایر مؤمنانی که دارای مصیبت شده‌اند و از این جهت انتظار فرج و گشایش امامش از انتظار فرج دیگران برایش مهم‌تر است و هم و غم خود را مصروف به این مطلب می‌داند. از طرفی دیگر فرج ایشان در حقیقت فرج همه عالمیان است ولی نیت انتظار فرجش بالاترین و خالص‌ترین نیت‌هاست.

چنین نیتی در انتظار فرج از نظر قصد قربت الهی، بالاترین نیت‌هاست زیرا که برخاسته از محبت و عشق خالص نسبت به امام عصر علیه السلام می‌باشد که آن هم برای خدا و جلب رضایت اوست.

محبت به امام علیه السلام از محبت به خداوند جدا نیست بلکه لازمه قطعی و ضروری آن است. هر قدر محبت به خدا خالص تر و بیشتر، محبت به حجت خدا و امام حجت او هم خالص تر و شدیدتر است.

بنابراین بالاترین رتبه انتظار فرج امام علیه السلام از آن کسی است که بیشترین و خالص ترین محبت ها را به ایشان داشته و این خود نشانه بالاترین درجات ایمان و بندگی خداست و عنایت خاص خدا و امام، بر زندگی فردی، اجتماعی آن شخص حکمفرما خواهد بود.

خداوند به منتظران آن عزیز، توفیق درک این رتبه عالی و وصل به امام را در عبادت و بندگی عطا فرماید.

ز - انتظار فرج؛ بالاترین جهاد امت پیامبر

در لابلای فرمایشات گوهر بار معصومین علیهم السلام تعبیر ارزشمند دیگری که در مورد گلوازه انتظار یافت می شود عبارت «بالاترین جهاد امت» است که باعث نهفته شدن شکوهی شگرف در عمق این واژه گشته و منزلتی شگفت و حماسه و شور و شعور دیگری به آن بخشیده است که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرموده اند: «افضل جهاد امتی، انتظار الفرج»؛ بالاترین جهاد امت من انتظار فرج است.^۱

در مباحث قبل به این موضوع اشاره شد که بنده برگزیده خدا، رسول خدا است که لقب مصطفی برآورنده او و در شأن و مقامش می باشد. و برترین امت نزد پروردگار، امت او و بالاترین اعمال، اعمال همین امت است و انتظار فرج هم

۱. تحف العقول، ص ۶۳، ح ۲۵. و نیز بحار الانوار، ب ۶، ص ۱۴۱، ح ۲۶.

گلچینی از میان تمام اعمال آنهاست؛ زیرا در آن انتظار حاکمیت دین حق و توحید الهی و در یک کلام انتظار قدرت اسلام با تمام اصول و فروعش، گنجانده شده است.

اکنون انتظار نه فقط برترین، محبوب‌ترین عمل یا بالاترین عبادت بلکه برترین جهاد امت پیامبر آن هم از کلام خود رسول که به تعبیر قرآن از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید^۱ معرفی شده است.

«جهاد» در لغت به معنای سختی، طاقت، مشقت و «جهاد» به معنای جنگیدن با دشمنان در راه خدا، جنگ کردن در راه حق، جنگ دینی^۲ و... آمده است اگر این دشمن خارجی باشد جهاد اصغر و اگر داخلی باشد جهاد اکبر خواهد بود.

در اسلام، جهاد یکی از واجبات مسلم است و هدف از آن جلب رضایت خداوند متعال می‌باشد و انجام جهاد به این دلیل است که ریشه فتنه و تباهی از زمین برچیده و دین حق جهانی شود.

اراده الهی بر این است که خیر به تمام مردم عالم برسد و اگر کسانی مانع وصول آن هستند در واقع به جنگ برخوایند که سرانجام جز ذلت و خواری و هلاکت نخواهند داشت و جهاد میدان عملی است برای باز شناختن مؤمنان حقیقی از کسانی که ایمان در عمق جان و دلشان راه نیافته و اینجاست که صف ایمان آورندگان از صف تسلیم شدگان بی عمل جدا خواهد شد.

هدف دین مبین اسلام، گسترش عدل و داد و فتح تمام جهان زیر سلطه و برافراشتن پرچم اسلام است و رسیدن به این ایده و هدف متعالی با سکون و آرامش و تسلیم و رفاه و... امکان پذیر نیست.

۱. سوره نجم، آیه ۳. «و از سر هوس سخن نمی‌گوید.»

۲. مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۴۲۵.

اسلام ناب، همان اسلام نجات بخش بشریت در حال سقوط، برای تحقق این هدف خواستار پیروان و منتظرانی است که لحظه‌ای توقف و بی حرکتی را برنگزیده و با ایمان در دل و جان بر کف تا تحقق وعده الهی و پیروزی نهایی تلاش می‌کنند.

مسلمان دوران‌دیش و منتظر فهیم، هرگز ساکت ننشسته تا دشمن به وی حمله کند بلکه برای حفظ جان و دین خود سپردفاعش را بیرون آورده و هر لحظه و هر کجا برای یورش به قلب دشمن و هر آنچه اهداف والا و ناب اسلامی اش را به چالش فرامی‌خواند، آماده است^۱ و این رمز برترین جهاد شمرده شدن انتظار فرج است؛ زیرا که جهاد بودن آن در دریافت، مفهوم صحیح، یعنی: تسلیم نشدن و مقاومت کردن نهفته است.

به راستی اگر در عصر دردناک غیبت، شیعه روح پرخروش جهادگرش را به دست فراموشی بسپارد و یا روح جهادگر خود را با روح دفاع عوض کند، در منتظر بودن او باید شک نمود در حالی که منتظر واقعی و یک مسلمان آگاه هرگز نمی‌تواند فساد و تباهی را دیده و در یک نقطه بایستد.

گفتار این فراز را با آیه‌ای امید بخش و تلاش آفرین به پایان می‌رسانیم:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲ به راستی آنان که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند و خداوند آمرزنده مهربان است.^۲

۲. سوره بقره، آیه ۲۱۸.

۱. جهاد جاودانه، ص ۸-۱۰.

آری امید و انتظار پیوسته، هجرت از همه پلیدی‌ها و جهاد است نه زمینه رخوت و سکون.

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم موجبیم که آسودگی ما عدم ماست^۱

ح - انتظار و شهادت

از بین روایات معصومین علیهم السلام حدیث ارزشمند دیگری به چشم می‌خورد که در آن، فرد منتظر، همچون سردار به خون تپیده در راه خداست و انتظار همچون شهادت معرفی شده، در این زمینه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «المنتظر لأمرنا كالمُشْحَطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: منتظر امر ما بسان سردار به خون تپیده راه خداست.»^۲

تشبیه در هر زبانی از یک نوع قاعده منطقی عام پیروی می‌کند که تکیه گاه آن منطق و استدلال است و تابع ذوقیات محض و هنر مطلق نیست بلکه نوعی تصرف ذوقی بوده اما با قانون مندی عقلی، نوعی کاربردی هنری است که دارای شیوه‌ای خردپذیر می‌باشد.

اگر دلاوران را به کوه و فریاد بلندشان را به رعد، همانند می‌کنند، اولی از نظر صلابت و یا پایداری و دیگری از حیث مهابت و خروشنده‌گی است.

اینجا اگر منتظران به خون تپیدگان راه خدا تشبیه شده‌اند، وجود نوعی یکسانی و همانندی است و اما اینکه از چه جهتی؟

در این روایت نورانی، تنها وجه شباهت بین منتظر و سردار به خون تپیده راه خدا را نمی‌توان فقط اجر و پاداش در قیامت دانست؛ زیرا که این سخن اکتفا کردن

۱. حافظ.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۳، ح ۷.

به تحلیل‌های ساده‌اندیشانه عوام‌پرور و دریافت مضامین خنثی و غیرمسئولیت‌آور بخشی از تعالیم حیاتی اسلام است و نتیجه آن تخریب مفاهیم والای آن می‌باشد. در واقع اگر در این حدیث حماسه ساز، تنها به اجر و ارزش منتظران اشاره شده و نسبت به فهم انتظار، سخنی به میان نیامده باشد، در حقیقت راه تحریفی دیگر بر منحرفین گشوده شده است.

در این صورت آنان که انتظار را، دست روی دست گذاشتن و دیده به در دوختن شمرده‌اند و آنان که انتظار را تسلیم به وضعیت انحراف آلود جامعه و امید به وضعیت ایده‌آل و آن چنانی در آینده می‌دانند، چه مانعی دارند که اجر شهید به خون پییده راه خدا را، برای منتظرانی از این قبیل اثبات کنند.

اینکه کلیه احکام اسلامی مجموعه‌ای هماهنگ را تشکیل می‌دهد و در هر زمینه‌ای نوعی قانون مندی واحد بر آن حکومت دارد، نشان می‌دهد که عظمت اجر و پاداش جز به تناسب میزان دشواری عمل و کثرت رنج در راه خدا نیست.^۱ قابل قبول نیست کسی که به همه تعلقاتش پشت کرده از همه لذت‌ها و خوشی‌ها دست شسته و جانبازی و مجاهدت‌های شبانه روزی داشته، با آن کسی که هر طور خواسته زندگی کرده و طبق میلش به لذت و کامرانی پرداخته اجری برابر داشته باشد. این فرمایش پرارزش امام معصوم علیه السلام بیش از آنکه در صدد بیان عظمت اجر و پاداش منتظران در روز قیامت باشد به کیفیت انتظار اشاره دارد. و انتظار را نوعی مبارزه شمرده و سختی‌های راه پر نشیب و فراز انتظار را یادآور می‌سازد.

۱. انتظار بهار و باران، ص ۴۶.

منتظر را تلاشگری نستوه دانسته که در برابر هر انحرافی ایستاده و با الهام از شیوه و آیین مقتدای مورد انتظار خود در راه اصلاح خویشتن و جامعه‌اش به جهاد و مقاومت پرداخته و با کوشش خود شایستگی همانندی با مجاهدان در راه خدا را یافته و در این مسیر به چنان اوجی رسیده که نظیر شهیدان به خون خفته راه خدا می‌شود و این همان مفهوم واقعی انتظار است.

ط - انتظار فرج، بزرگ‌ترین فرج‌ها

همه تعابیری که درباره مفهوم والای انتظار بیان شده در یک حدیث شریف که از حضرت امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است: «انتظار الفرج من أعظم الفرج: انتظار فرج از بزرگترین فرج‌هاست.^۱

همین بیان از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است: «مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فَرَّجَ عَنْهُ بِإِنْتِظَارِهِ؛ کسی که این امر (فرج و ظهور امام) را بشناسد، به سبب انتظار کشیدن آن، برایش فرج حاصل می‌شود.»^۲

منظور از کلمه «امر» در بسیاری از احادیث اهل بیت علیهم السلام امر امامت و ظهور آن موعود است که با فرج امام عصر علیه السلام تجلی کامل می‌یابد در حدیث اول تعبیر انتظار فرج و در حدیث دوم، انتظار امر، هر دو دارای یک مصداق‌اند.

به هر حال طبق فرمایش امامان معصوم ما غیر از فرج امام زمان، که فرج نهایی همه اولیاء و انبیاء الهی و مؤمنان است هر شخص منتظری، همین انتظارش برای او

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۲، ح ۴.

۲. اصول کافی ج ۱، کتاب الحجّة، باب «أَنَّ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ»، ص ۳۷۱، ح ۳.

و نیز در: بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۴۳، ح ۵۴.

و همچنین در: غیبت نعمانی، ب ۲۵، ص ۴۷۱، ح ۳.

فرج می باشد که می توان گفت پس از فرج امام عصر که بزرگترین فرج، برای همه مؤمنان است بالاترین فرج جزئی برای شخص منتظر همین انتظار اوست. که اگر به مقصود خود رسید و او را زیارت نموده و کلام جان بخش او را شنید و در سایه حکومتش، حاکمیت عدل و توحید و انسانیت را تجربه کرد کامیاب شده است. از طرف دیگر اگر انتظار کشید و به مقصود و معشوقش نرسید و او را ندیده از دنیا رفت و نیز طعم عدالت موعود را نچشیده و عده حق را اجابت کرد باز هم کامیاب است زیرا که طبق همان فرمایش امام، انتظار فرج خود از بالاترین مصادیق فرج و گشایش است.^۱

پاسخ به یک پرسش در مورد فضیلت انتظار

با مشاهده روایات وارد شده ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا انتظار، از این همه فضیلت برخوردار است؟ در جواب موارد زیر را می توان برشمرد:

(۱) انتظار حلقه اتصال شیعه با امام معصوم

ولایت و امامت رکن اساسی مکتب تشیع است و اعتقاد به ضرورت وجود حجّت الهی و امام معصوم در هر عصر و زمان، از مهم ترین نقاط تمایز این مکتب از سایر مکاتب است از دیدگاه شیعه، پذیرش ولایت معصومین علیهم السلام به طور کلی تسلیم در برابر امام و حجّت عصر، سرآمد همه فضیلت ها و شرط اساسی قبولی طاعات و عبادات است.

۱. انتظار بهار و باران، ص ۱۰۰-۱۰۱.

با توجه به این نکات در می یابیم که:

انتظار در زمان غیبت و در عصر عدم حضور ظاهری امام در جامعه به نوعی پذیرش ولایت امامت آخرین امام از سلسله امامان شیعه است و همین انتظار باعث می شود که ارتباط شیعیان با امام خود حتی به صورت ارتباط قلبی و معنوی حفظ شود و آنها در همه اعصار از فیض وجود امامشان برخوردار باشند.^۱

بنابراین اگر انتظار را از مسلمانان و یا از مکتب شیعه بگیریم، تفاوت چندانی میان این مکتب و دیگر مکتب ها باقی نخواهد ماند؛ البته انتظار به مفهوم درست آن، یعنی اعتقاد و ایمان داشتن به ظهور و قیام عدالت گستر دوازدهمین امام معصوم علیه السلام و زمینه سازی کردن برای ظهور منتظر بزرگ در این صورت است که این همه ارزش و فضیلت بر مفهوم انتظار مترتب می شود.

(۲) انتظار؛ معیار ارزش انسان ها

آرزوها و آمال انسان ها معیار خوبی برای سنجش میزان رشد و کمال و تعالی آنهاست آنجا که برخی می گویند: بگو چه آرزویی داری تا بگویم « کیستی...»
 آرزوهای بلند و متعالی و ارزشمند، حکایت از کمال روح و رشد شخصیت انسان ها و بلندای همت آنها می کند. به عکس آرزوهای خرد و حقیر نشان از بی همتی و رشد نیافتگی افراد دارد؛ زیرا که آرزوها انسان را به حرکت وادامی دارد و به طور طبیعی هر چه همت بلندتر و آرزو ارزشمندتر باشد حرکت و تلاش انسان نیز از ارزشمندی بیشتری برخوردار است. امام علی علیه السلام در همین زمینه می فرماید:

۱. فرهنگ انتظار، ص ۲۴.

«قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ؛ ارزش مرد به اندازه همت اوست.»^۱

پس از این مقدمه‌ها می‌توان گفت: که چون انسان منتظر، برترین و ارزشمندترین آمال و آرزوهای ممکن را دارد و نیز آرزویش مربوط به ظهور حضرت مهدی علیه السلام که عزیزترین و محبوب‌ترین خلق نزد باری تعالی می‌باشد، به طور طبیعی از بهترین و والاترین ارزش‌ها نیز برخوردار است.

توضیح اینکه؛ آرزوهای نهانی انسان منتظر حاکیست نهایی دین خدا و مذهب اهل بیت علیهم السلام بر سراسر جهان، استقرار حکومت صالحان و مستضعفان در سراسر گیتی، کوتاه شدن دست ظالمان و مستکبران از گوشه گوشه جهان، برقراری نظام قسط و عدالت بر پهنه زمین و گسترش امنیت و رفاه در جای جای این کره خاکی است. یعنی آرزوهایی که از ابتدای تاریخ تا کنون و در زمان هیچ پیامبری محقق نشده است به طور قطع چنین آرزوی بلندی از ارزش و فضیلتی وصف‌ناپذیر برخوردار است. البته به شرط آنکه منتظر به تناسب آرزوی بلند خود از تلاش و کوشش و اقدامات لازم برای تحقق هر چه زودتر این آرزو کوتاهی نکند.

(۳) انتظار، عامل سازندگی و پویایی

انتظار نقش مهمی در اصلاح و سازندگی فرد و جامعه در زمان غیبت دارد اگر انسان منتظر به وظایفش عمل کند، به الگوی مطلوب انسان دیندار دست می‌یابد و از جایگاه و مرتبه والایی برخوردار می‌شود. علاوه بر این می‌توان گفت که برنامه اصلاح‌سازی، فقط یک برنامه فردی نیست بلکه یک برنامه عظیم و سنگینی است

۱. ترجمه نهج البلاغه، ص ۶۲۴، ج ۴۷.

که عناصر تحوّل در آن نقش دارند و مستلزم به کار بستن فعالیت‌های همگانی و هماهنگ است و در یک میدان وسیع مبارزه دسته جمعی، افراد موظّفند از حال همدیگر جو یا شده و هر موضع آسیب‌پذیری را ترمیم کنند.

پس با انجام وظایف همگانی از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر و نیکی‌ها، خیر خواهی در جامعه رشد کرده و این همان راهی است که انبیاء الهی در راه آن کوشیده‌اند به امید روزی که حق و عدل پیروز و لشکر شیاطین از بین بروند. در واقع همه اینها منوط به سازندگی انتظار است که این همه فضیلت و علو مرتبه را برای انسان منتظر در خود به همراه دارد.

فصل دوّم

خاستگاه و قلمرو انتظار

۱- فطرت

۲- ادیان

۳- قرآن و روایات

خاستگاه، قلمرو و سابقه تاریخی انتظار

انتظار و امید به آینده‌ای درخشان، مسأله‌ای جدید مربوط به قرن و هزاره‌ ما نیست که با ظهور اسلام و تشیع، رخ نموده باشد، بلکه سابقه‌ای دراز به قدمت تاریخ آفرینش انسان دارد و آن را در نزد همه اقوام، فرهنگ‌ها، مذہب‌ها، ادیان آسمانی و غیر آسمانی می‌توان به عیان دید. خوب است بدانیم سابقه اولیه انتظار به چه بر می‌گردد؟ به عبارت دیگر خاستگاه انتظار کجاست؟

بذر اصلی انتظار و عشق به این موضوع به اعماق فطرت انسان بر می‌گردد؛ یعنی انسان از دوره عاطفه و خرد در برابر این مسأله قرار می‌گیرد و ندای ظهور این امر را از طریق دل و روان و نیز عقل و خردش می‌شنود به بیان دیگر می‌توان گفت: انتظار امری فطری است و مرکز معرفت فطری در وجود انسان؛ عقل و خرد و نیز دل و روان است که فطرت در قلمرو دل و روان را «فطرت احساس و گرایشی» و فطرت در قلمرو عقل و خرد را «فطرت ادراکی و عقلی» می‌نامند. گرایشات فطری دارای چند خصوصیت هستند:

۱- فهم و ادراک درونی است که نیاز به دلیل ندارد و همه انسان‌ها بدون پرهان می‌فهمند.

۲- در همه افراد بشر وجود دارد.

۳- در نزد همه اقوام، محیط‌ها و جوامع به چشم می‌خورد.

۴- در همه ادوار تاریخ وجود دارد.

۵- قابل نفی و سلب کلی از انسان نیست.

۶- عوامل خارجی در اصل وجود و عدم آن تأثیر ندارند ولی در فعلیت و عدم فعلیت و شدت و ضعف آن نقش دارند.

انتظار مقوله‌ای است که خدا در نهان و درون انسان قرار داده و از قدمت و فراگیر بودن آن در همه اقوام و ملل و دائمی بودن آن در وجود انسان، پی به فطری بودن آن می‌بریم.^۱

پیشینه انتظار

تا آنجا که در حافظه تاریخ به یاد مانده است، انسان هرگز از اندیشه و رؤیای بهتر زیستن فارغ نبوده و همیشه نگاه او برای رسیدن به آینده‌ای بهتر و سامان یافته‌تر در انتظار به سر می‌برده است. از همین رو دانشمندان فراوانی به طراحی مدل شهرها و جوامع آرمانی و ایده‌آل پرداختند.^۲ که این امر و دلیل آن را در توجه به دو نکته مهم و ضروری، می‌توان جستجو کرد که عبارتند از:

۱- روح آدمی که ابعاد چهارگانه‌ای دارد: عشق به آگاهی، عشق به نیکی، عشق به زیبایی و عشق به تکامل.

وجود همه ابعاد مذکور در اعماق سرشت انسان منوط به عوامل خاصی نیست بلکه این انگیزه‌ها و علایق، جزء ابعاد اصلی روح انسان و بافت و روان انسان است. از این رو اصیل و ریشه دار می‌باشد و چون فطرت انسان جاودانی، همیشگی

۱. خلاصه مقالات چهارمین گفتمان مهدویت، انتظار، ص ۱۹.

۲. از جمله اندیشمندانی که به طراحی مدل شهر طلایی و مدنیت مشعشع و ایده‌آل پرداخته‌اند و حتی در آثار خود جامعه ایده‌آل را پیشنهاد داده‌اند عبارتند از: افلاطون، فارابی، توماس مور، فرانسویس بیکن و... که همه اینها حکایت از پیشینه انتظار دارد.

و متقبل به خدای باقی است. مربوط به زمان خاص یا افراد ویژه‌ای نبوده و همه افراد بشر نیز از آن بهره‌مندند و نکته اصلی اینجاست که آخرین نقطه اوج این علاقه ظهور یک مصلح جهانی است.^۱

۲- نکته دیگر اینکه خصایص جسمی، روحی انسان یکپارچه و واحد با تمام هستی در پیشرفت انسان به سمت اهداف والای او مؤثرند؛ همان طور که خشم و ترس، سپری برای انسان به منظور حفظ او در برابر عوامل پیروزی است، پس عشق به تکامل و عدالت، وسیله‌ای بسیار مؤثر جهت رسیدن به هدف والای انسان و مدد رسان او برای دستیابی به جهانی سرشار از عدل است.

این به هم پیوستگی و هماهنگی احساسات درون انسان با عالم بیرون، ما را به این نتیجه اساسی و مهم رهنمون می‌سازد که وجود هر عشق و علاقه اصیل در وجود انسان دال بر وجود معشوق یا هدف آن در جهان بیرون است. به طور مثال؛ تشنگی و عشق به آب در درون انسان حاکی بر وجود «آب» در جهان خارج است که دستگاه آفرینش نیاز به آن را در وجودمان نهاده است.^۲

اگر عشق به زیبایی و دانایی در وجود انسان، نهفته است، نشانه وجود زیبایی‌ها و دانایی‌ها در عالم هستی است.

با توجه به موارد یاد شده در می‌یابیم که اگر انسان منتظر مصلح بزرگ است که جهان را سرشار از عدالت و نیکی کند، نشانه وجود نقطه اوجی در تکامل جامعه انسانی و عملی بودن این عشق و انتظار در درون جان هر انسانی است.

۱. حکومت جهانی مهدی، ص ۸۶ ۲. مهدی انقلاب بزرگ، ص ۵۲-۵۴.

بنابراین، عمومیت این اعتقاد در نزد همه اقوام و مذاهب، نشانه فطری، اصیل و واقعی بودن انتظار است؛ زیرا ویژگی خاص مسایل فطری، عمومیت آن بوده و همه اینها نشانه آن است که عواطف و سرشت آدمی، ظهور مصلح عدالت‌گستر را نوید داده است و این رمز وجود انتظار در نزد همه اقوام، ادیان و... می‌باشد.

انتظار در نزد اقوام و ملل

مسأله عقیده به ظهور آمدن مصلحی جهانی در آخرالزمان، امری عمومی و همگانی است و اختصاص به هیچ قوم و ملتی ندارد. ریشه این اعتقاد علاوه بر اشتیاق درونی و فطری که هر کسی خواهان عدل و برقراری نظام صلح در سرتاسر جهان است، نویدهای الهی در طول تاریخ بشریت به انسان‌های آزادیخواه است. سیری کوتاه در افکار و عقاید ملل مختلف جهان مانند: مصر باستان، هند، چین، یونان، ایرانیان باستان، اهالی صربستان، برهمنیان، اقوام آمریکای مرکزی، اروپای مرکزی، اسکانندیناوی و... بیانگر این حقیقت است که همه اقوام مختلف جهان با آن همه اختلاف عقاید و اندیشه‌های متضادی که با هم دارند، در انتظار مصلح جهانی‌اند.

این افکار و عقاید با مضمون‌های مختلف از آینده درخشان و ظهور مصلحی خبر می‌دهد که در واقع ریشه در فطرت انسان‌ها داشته ولی در مناطق دور دستی که تابش شعاع حقیقت در آن کمتر بوده و در اثر گذر زمان از فروغ آن کاسته شده، فقط کلیاتی از نویدهای مصلح جهانی در میان ملت‌ها به جای مانده است و نشانگر عمومی بودن عقیده به ظهور مصلح جهانی است.^۱

۱. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ص ۴۳-۴۵.

انتظار در ادیان

در مذاهب و ادیان و حتی در شبه مذاهب از مسأله انتظار بحث بسیاری شده است و مزدها و بشارت‌های فراوانی در مورد ظهور مصلح در آخر الزمان، مطرح گشته است. کتب مذهبی که از این موضوع یاد کرده‌اند عبارتند از: قرآن، زبور، انجیل، تورات و اوستا نامه.

این مسأله در ادیان آن چنان مورد بحث قرار گرفته که به نظر می‌رسد نقطه مشترک همه ادیان و مذاهب باشد. طرفداران مذهب یهود، مسیحی، زردشتی و اسلام، مسأله انتظار و ظهور حضرت مهدی علیه السلام را تقریباً به یک گونه مورد بررسی قرار داده‌اند.

بنابراین اعتقاد به دوره آخر الزمان و انتظار ظهور منجی، عقیده‌ای است که در آیین‌های آسمانی یهودیت و زردشتی، مسیحیت و مدعیان نبوت و به خصوص دین مقدس اسلام، به عنوان یک اصل مسلم قبول شده است که اکنون به شرح و بسط هر کدام می‌پردازیم:

۱- انتظار در آیین یهود

یهودیان که خود را پیرو حضرت موسای کلیم علیه السلام می‌دانند، منتظر مصلح موعودند و در آثار دینی خود، همواره به موعود اشاره کرده و از ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حوادث مربوط به مبعث، علائم آخر الزمان، رجعت و نیز اشاراتی در مورد شخصیت آخر الزمان بیان نموده‌اند.

به هر حال چون یهودیان به حضرت مسیح علیه السلام ایمان نیاوردند، به طبع، موعود آنان هنوز ظهور نکرده است.

طبق آثار مقدس یهود، چهره سه موعود در آنها ترسیم شده: حضرت مسیح علیه السلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت مهدی علیه السلام.

با وجود این اشارات، قوم یهود به حضرت مسیح و حضرت محمد صلی الله علیه و آله نگر ویدند، از این رو باید نسبت به مسأله انتظار موعود حساس و نگران باشند و به دور از سادگی و غفلت، به انتظار و آمادگی بیشتر از همگان اهمیت داده و از ظلم و تجاوز و انسان‌کشی دست بکشند.^۱

گرچه بشارت‌های مذکور، همگی درست است اما آنها حق را نپذیرفتند: نه از زبان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و نه از زبان حضرت مسیح علیه السلام، حتی با وجود اینکه بشارت آمدن این دو پیامبر در کتب خود یهودیان آمده اما آنها با قبول نکردنشان در نهایت تابود خواهند شد.

یهود چه پذیرد و چه نپذیرد؛ پس از حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام آمد و به نسخ دین موسی که سرشار از تحریف‌ها شده بود پرداخت و پس از حضرت عیسی علیه السلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله ظهور کرد، هر چند که بشارت آن را حضرت عیسی داده بود و از آن زمان تا کنون، تنها دینی که مبتنی بر وحی و پیامبری است؛ دین مقدس اسلام و کتاب قرآن بود که در میان خلق است. و بشارت انبیاء الهی در مورد مهدی موعود علیه السلام صادق است.^۲

۲- انتظار در آیین مسیحیت

در کتاب مقدس مسیحیان - انجیل - بشارت فراوان و بیشتری در مورد موعود

۱. خورشید مغرب، ص ۵۵-۵۹. ۲. خورشید مغرب، ص ۵۷.

آخرالزمان آمده است و علت آن یکی قرب زمان است؛ زیرا با ظهور حضرت مسیح علیه السلام زمان در مقیاس کلی، به ظهور حضرت مهدی علیه السلام نزدیک تر شده است. علت دیگر، تحریف کمتری است که در این آثار پدید آمده است، این امر نیز از جهتی به زمان مربوط می شود؛ زیرا از دوره نزول و صدور آثار مقدس یهود، زمان بیشتری می گذرد تا دوره نزول و صدور آثار مقدس مسیحیت به همین دلیل میزان تحریف ها در این دین کمتر است و بشارت در مورد ظهور مصلح در کتاب آنها بسیار می باشد.^۱

هشدار حضرت مسیح علیه السلام در این زمینه بدین گونه است «بیدار باشید زیرا نمی دانید که صاحب خانه چه زمانی می آید، در شام یا بانگ خروس یا صبح، مبدا ناگهان آمده و شما را خفته یابد»^۲

۳- انتظار در آیین زرتشتی

انتظار از جمله اصول مسلم زرتشتیان است که در کتاب اوستا، از موعود سخن گفته اند در این دین، موعودهایی معرفی شده اند که آنان را «سوشیانت» می نامند. این موعودها سه تن بوده که مهم ترین آنها، آخرین شان است و او «سوشیانت پیروزگر» خوانده شده و این سوشیانت، همان موعود اصلی است.

در واقع زرتشتیان تاریخ جهان را به چهار دوره تقسیم می کنند و برای هر دوره مدت سه هزار سال قائل گردیده اند و گفته اند که: «یشت زرتشت» در آغاز دوره آخرین ظهور فرمود، پس از او سه نجات دهنده دیگر پیاپی به فواصل هزار سال خواهند آمد.

۲. انجیل مرقس، باب سیزدهم.

۱. خورشید مغرب، ص ۵۷-۵۸.

نخستین ایشان، کسی بوده به نام «اوشتار» که درست هزار سال پس از زرتشت پدیدار گشته و دین ایشان «اوشتار ماه» نام داشت و دو هزار سال پس از زرتشت به جهان آمد و سرانجام آخرین موعود با نام «سوشیانت» است.^۱

«جان بی ناس» در این زمینه می نویسد:

آخرین ایشان که سوشیانت نام دارد، در رأس هزاره سوم که آخرالزمان است، در می رسد و روزگار با او پایان می پذیرد و چون سوشیانت یا مسیح موعود ظهور کند، آخرالزمان آغاز می شود و آن روز، نشو مردگان است و مردگان بر می خیزند و زمین و آسمان از موجودات خود تهی می گردد. پس انجمن عظیم برای داوری و حساب کردار بندگان فراهم می آید و درباره هر یک از ارواح گذشته فرمان یزدانی صادر خواهد شد.^۲

۴ - انتظار در اسلام

اسلام که آخرین و کامل ترین دین آسمانی است به مسأله انتظار مهدی موعود علیه السلام اهمیت خاصی داده است. و آن را بیشتر از سایر ادیان تشریح کرده است.

اعتقاد به مهدی علیه السلام در سرتاسر آفاق زمانی و مکانی اسلام، تاریخ، فرهنگ و مبانی اعتقادی آن به خصوص در قرآن کریم و تفسیرهای مربوط به این کتاب الهی و نیز در اخبار و روایات همه فرق اسلام به عنوان اصلی اساسی و قطعی، مطرح شده است.

مسأله موعود که از روزگاران قدیم در کتاب های پیامبران پیشین مطرح شده در مواردی پیامبر بعدی بود که بشارت ظهورش توسط پیامبران پیشین داده شده

۱. خورشید مغرب، ص ۵۳.

۲. تاریخ جامع ادیان، ص ۴۷۶.

و پیامبر اسلام خود به عنوان «پیامبر آخرالزمان»، نجات دهنده و شفیع و یا خاتم پیامبران، موعود شمرده شده است. که همه اینها مربوط به ظهور اسلام و طلعت اقدس محمدی است اما در سرتاسر این بشارت‌های رسیده از پیامبران، همواره زمزمه‌ها و سخنانی درباره موعود آخرین و یا موعود آخرالزمان بیان شده است.

همه این بشارت‌ها ناظر به قیام و حرکت جهانی مصلح و عدالت گستری است که در امتداد جریان دین مبین اسلام ظهور خواهد کرد و منظور از این موعود، همان موعود نهایی و منتظر آخرین است.

بنابراین، مسأله مهدویت و اندیشه ظهور حضرت مهدی علیه السلام و انتظار او در آخرالزمان یکی از مسایل حیاتی اسلام و اعتقادات قطعی عموم مسلمانان است که شیعه و سنی در طی قرون و اعصار پیاپی همه بر این عقیده اتفاق نظر دارند. در این مبحث ابتدا، نظری به آیات قرآن و سپس این موضوع را طبق احادیث دنبال می‌کنیم.

آیات انتظار

در قرآن کریم - کتاب مقدس مسلمانان شیعه و سنی - درباره حوادث آخرالزمان و تسلط خوبان و صالحان بر کل عالم هستی، گاه به تصریح و گاه با اشاره سخن به میان آمده است که این امر نشانه ریشه دار بودن این مسأله در آیات فراوانی - حدود سیصد آیه - از کلام الهی است.

از بین آیات نورانی کلام وحی، به شرح و تفسیر چند آیه که ارتباط بیشتر و نزدیک‌تری با مسأله مهدویت و انتظار دارند می‌پردازیم.

۱- قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنْ

اهْتَدَى؛ بگو: همه در انتظارند پس در انتظار باشید. زود باشد که بدانید یاران راه راست کیانند و چه کسی راه یافته است.^۱

شرح آیه: کلمه «تربص» به معنای «انتظار» است و «صراط سوی» به معنای راه مستقیم است و جمله «کل متربص...» معنایش این است که بگو، هر یک از ما و شما منتظریم، ما منتظریم تا وعده‌ای که خدا درباره شما به ما داده که دین خود را بر کفر شما جلو می‌اندازد و نور خود را تمام می‌کند، فرارسد، شما هم منتظرید تا بلاها بر سر ما هجوم آورد و شما بتوانید دعوت حق ما را باطل کنید. هر یک از ما و شما راه خود را به سوی هدف خود پیش گرفته، پیش می‌رود. پس شما منتظر باشید. این جمله تهدید است می‌فرماید: به زودی خواهید فهمید که کدام یکی از ما و شما راه درست را پیموده و آن صراط مستقیمی که انسان را به هدفش می‌رساند طی کرده و کدام یک به مطلوب خود راه یافته که این جمله از اخبار غیبی است که فتح و پیروزی مسلمانان را پیشگویی می‌کند.^۲

ارتباط آیه با موعود منتظر

در حدیثی که از امام موسی بن جعفر علیه السلام مربوط به تفسیر این آیه مبارکه آمده است ارتباط آیه مذکور با حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است. حدیث چنین است: «عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام قال: سألت ابی عن قول الله عزوجل، ﴿فَسْتَغْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى﴾. قال: «الصراط السوی» هو القائم والهدی من اهتدی إلى طاعته ومثلها فی کتاب الله عزوجل

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۶۳-۳۶۴.

۱. سوره طه، آیه ۱۳۵.

«وإني لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» - قال: إلى ولايتنا؛
 امام موسی بن جعفر علیه السلام فرموده‌اند: درباره این آیه شریفه از پدرم امام صادق علیه السلام
 پرسیدم: او فرمود: (صراط سوی = راه میانه) همان حضرت قائم علیه السلام است و هدایت
 مربوط به کسی است که به طاعت او راه یافته باشد و مانند همین است در کتاب خدای
 عزوجل که می فرماید: به راستی من بر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح
 انجام دهد سپس هدایت شود، بسیار آمرزنده‌ام.^۱ یعنی به سوی ولایت ما هدایت
 شود.^۲

علی بن ابراهیم قمی در کتاب خویش، حدیثی ذیل همین آیه شریفه نقل
 می‌کند. ایشان چنین می‌نویسد:

«وَأما قوله: «قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا» أي انتظروا أمراً (فَسَتَّعْلَمُونَ مَنْ
 أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى) قال أبو عبد الله: نحن والله سبيل الذي
 أمر الله باتباعه ونحن والله الصراط المستقيم ونحن والله الذين أمر الله العباد
 بطاعتهم فمن شاء فليأخذ من هنا ومن شاء فليأخذ من هناك لا يجدون والله
 عنا محيصاً.

اما بعد از قول خداوند «كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا؛ منتظر امری باشید، آمده است»
 به خدا قسم ما همان راهی هستیم که خداوند به پیروی از آن امر فرموده، به خدا قسم
 ما همان راه مستقیم هستیم، به خدا قسم کسانی هستیم که خداوند بندگان را به اطاعت

۱. سوره طه، آیه ۸۲

۲. تأویل الآيات الظاهرة، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۶؛ و نیز در: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳،

ص ۵۱، ح ۱۰.

از آنان امر کرده پس هرکس بخواهد، از این جا بگیرد (از ما تبعیت کند) و هرکس که بخواهد از جای دیگر بگیرد، به خدا سوگند [در این صورت] هیچ بهره‌ای از ما نخواهد برد.^۱

۲- آیه دیگری که در آن از انتظار سخن گفته شده عبارت است از:

«وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ».

و می‌گویند: «چرا معجزه‌ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی‌شود، بگو غیب فقط به خدا اختصاص دارد. شما هم منتظر باشید من هم با شما از منتظرانم.»^۲

در این آیه قرآن به ذکر بهانه جویی‌های مشرکان، به هنگام سرباز زدن از ایمان و اسلام می‌پردازد و می‌گوید: مشرکان چنین می‌گویند: که چرا معجزه‌ای از ناحیه خدا بر پیامبر نازل نشده است البته با توجه به قرآینی منظور آنها، هرگونه معجزه‌ای نبود. زیرا به طور قطع پیامبر علاوه بر قرآن، معجزات دیگری نیز داشته است و تاریخ اسلام گواه بر این حقیقت است، بلکه منظور آنها، این بوده که با پیشنهاد معجزه‌ای به میل خود هر چه زودتر آن را انجام دهد.

آنها چنین می‌پنداشتند که اعجاز امری اختیاری است که هر وقت و هرگونه اراده کند، می‌تواند انجام دهد و علاوه بر این موظف است از این نیروی خود در برابر هر مدعی لجوج و بهانه جو استفاده کند و طبق میل او عمل نماید.

از این رو بلافاصله به پیامبر چنین دستور می‌دهد که به آنها بگو معجزه

۲. سوره یونس، آیه ۲۰.

۱. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۶۷.

مخصوص خداوند مربوط به جهان غیب و ماوراء طبیعت است پس چیزی نیست که در اختیار من باشد و من بر طبق هوس های شما هر روز معجزه تازه ای انجام دهم و بعد هم با معذرت خواهی، از ایمان آوردن خودداری کنید.

در پایان آیه با بیانی تهدید آمیز به آنها می گوید: اکنون که شما از لجاجت دست بر نمی دارید، در انتظار باشید و من هم با شما در انتظارم. شما در انتظار مجازات الهی باشید و من هم در انتظار پیروزی خود و یا اینکه شما در انتظار چنین معجزاتی باشید و من هم در انتظار مجازات شما افراد لجوج هستم.

کلمه غیب، در جمله «إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ» ممکن است اشاره به این باشد که معجزه امری مربوط به عالم غیب و خارج از اختیار است. و با اشاره به این مطلب است که مصالح امور و این که در چه موردی حکمت ایجاب نزول معجزه را می کند جزء اسرار غیب بوده و خداوند هر مورد را که صلاح بداند و طالب معجزه را جویای حقیقت بیند. معجزه را نازل می کند. زیرا که غیب و اسرار نهان مخصوص ذات پاک اوست.^۱

ارتباط آیه با مهدی منتظر

به منظور دریافت مفهوم واقعی آیه و درک ارتباط آن با «حضرت مهدی علیه السلام» به ذکر حدیثی از بیان صادقانه رئیس مذهب شیعه امام جعفر صادق علیه السلام که در تفسیر این آیه شریفه فرموده شده اشاره می کنیم:

عن یحیی بن القاسم قال: سألتُ الصادق علیه السلام من قول الله عزوجل: (الْم

۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۲۵۴-۲۵۵.

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (فقال: المتقون شيعة علي والغيب هو الحجة القائم الغائب و شاهد ذلك: قول الله عزوجل: «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ».

«یحیی بن قاسم گویند: از امام صادق علیه السلام درباره فرموده خدای عزوجل: «الم، این است کتابی که در حقانیت آن هیچ تردیدی نیست و مایه هدایت تقوا پیشگان است.»^۱ پرسیدم امام فرمود: «متقین در این آیه، شیعیان علی هستند و غیب همان حجت قائم است و شاهد بر این مدعا فرموده خدای متعال است. در این آیه که می فرماید: «... و کافران گویند: چرا آیت و نشانه‌ای از پروردگارش بر او نازل نمی شود، پس بگو: همانا غیب مخصوص خداست پس منتظر باشید که من نیز از منتظرانم.»^۲

از آنچه بیان شد، معلوم می شود که اشاراتی به طور غیر مستقیم در قرآن کریم در مورد حضرت مهدی علیه السلام آمده است.

۳- آیه دیگری که به مهدی منتظر و انسان منتظر اشاره می کند و طبق حدیث امام معصوم علیه السلام رازهایی در این زمینه به انسان‌های آگاه تعلیم داده شده است چنین است:

«يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلْ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ»؛

آن روز که آیات و نشانه‌های پروردگارت تحقق پذیرد، کسی که قبلاً ایمان

۱- سوره بقره، آیه ۱-۲.

۲- تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۱، ح ۱۲.

نیاورده/یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی بخشد. بگو: «منتظر باشید که ما هم منتظریم.»^۱

اتمام حجّت بر مشرکان و فرستاده شدن کتاب آسمانی یعنی قرآن، باعث شده، هیچ گونه بهانه‌ای برای توجیه مخالفت‌های آنها وجود نداشته باشد.

آیه مورد بحث به سرسختی افراد لجوج تا آن حد که مانع از اثر پذیری آنان در قبال برنامه روشن الهی است. اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که گویا آنها در انتظار نابودی خویش یا از میان رفتن آخرین فرصت و یا امر محالی هستند و انتظار ندارند که فرشتگان مرگ، سراغشان بیایند یا اینکه پروردگارت به سراغ آنها بیاید و ایمان بیاورند. در حقیقت آنها در انتظار امر محالی هستند.

سپس می‌گوید: یا اینکه بعضی از آیات الهی که در آستانه رستاخیز واقع می‌شود و به دنبال آن درهای توبه بسته شود، انجام گیرد. آن روز ایمان آوردن افراد بی ایمان پذیرفته نخواهد شد؛ زیرا توبه و ایمان صورت اجباری و اضطراری به خود می‌گیرد.^۲

در پایان آیه بالحنی تهدید آمیز به افراد لجوج گفته شده که اکنون که شما چنین انتظاری را دارید، در انتظار خویش بمانید و ما هم در انتظار کیفر دردناک شما خواهیم بود.

ارتباطی که بین آیه مذکور و انتظار منتظران وجود دارد را از حدیثی که ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است، درمی‌یابیم:

«قال جعفر بن محمد الصادق علیه السلام في قول الله عز وجل: ﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا

۲. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۴۵-۴۷.

۱. سوره انعام، آیه ۱۵۸.

خیراً.» یعنی خروج القائم المنتظر منا ثم قال: یا ابابصیر: طوبی لشیعۃ قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبته والمطیعین له فی ظهوره.

اولئك اولیاء الله الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون»؛

ابوبصیر می گوید: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام درباره همین آیه شریفه فرمود:

«منظور از آن روز در این آیه شریفه، روز خروج قائم علیه السلام آن انتظار کشیده شده از ماست.» سپس فرمود: «ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان قائم که در زمان غیبت او منتظر ظهورش باشند و در زمان ظهورش از او اطاعت نمایند که ایشان اولیای خداوند که هیچ ترسی برایشان نیست و حزن و اندوهی نخواهند داشت.»^۱

در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر این آیه آمده است که ایشان فرموده اند: «الایات هم الأئمه والایة المنتظرة القائم علیه السلام فیومئذ لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن آمنّت من قبل قیامه بالسیف و إن آمنّت بمن تقدّمه من آبائه. آیات در این آیه، ائمه علیهم السلام هستند و آن آیت مورد انتظار، قائم علیه السلام است. روزی که قائم علیه السلام با شمشیر قیام کند، ایمان آوردن آن کسان که از پیش به او ایمان نداشته اند، آنان را سودی نخواهد داشت، گرچه آنان به امامان پیش از او، ایمان داشته باشند.»^۲

۴- آیه دیگری که با منتظر موعود مرتبط است آیه مشهور زیر است:

«بَقِیَّةُ اللَّهِ خَیْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ»

باقیمانده خدا، (ذخیره الهی)، اگر مؤمن باشید، برای شما بهتر است.»^۳

«بقیه» به معنی باقی مانده است و مراد از آن سودی است که به فروشنده

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۹، ح ۵۴. و نیز در: تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۰۹، ح ۹۴.

۲. العروی الحویزی، پیشین، ج ۱، ص ۷۸۱، ح ۳۵۶.

۳. سوره هود، آیه ۸۶.

می‌رسند، یعنی آنچه پس از پایان معامله برای انسان باقی ماند و آن را در راه حوائج خود خرج می‌کند. پس مراد آیه این است که منظور سود و ثروتی است که از راه ظلم و استثمار دیگران به دست می‌آید باعث بی‌نیازی شما نیست، بلکه سرمایه‌ی حلالی که برای شما باقی می‌ماند - هر چند کم و اندک باشد - ایمان به خدا و دستورش برای شما بهتر است.

تعبیر «بقیة الله» یا به خاطر آن است که سود حلال و اندک چون به فرمان خداست، «بقیة الله» است و یا اینکه تحصیل حلال باعث دوام نعمت‌های الهی و بقای برکات می‌شود و اشاره به پاداش‌های معنوی است که تا ابد باقی می‌ماند.^۱ در روایات متعددی می‌خوانیم که «بقیة الله» تفسیر به وجود مهدی موعود شده است که به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱- مردی از امام جعفر صادق علیه السلام درباره قائم پرسید که آیا او را می‌توان هنگام سلام دادن، امیرالمؤمنین خطاب کرد؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: نه این اسمی است که خدا به امیرالمؤمنین داده است. پرسیدم: فدایت شوم، به هنگام سلام دادن به او چه بگوییم. امام صادق علیه السلام فرمود: همه باید بگویند: «السلام علیک یا بقیة الله» سپس امام این آیه را تلاوت کرد: «بقیت الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین».^۲

۲- حدیثی در این زمینه از مولی الموحدین حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده

۱- تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۰۴.

۲- تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۹۰، ح ۱۹۰: حدیثی اسحق بن ابراهیم عن ابی عبدالله قال: مسأله الرجل عن القائم یسلیم علیه بأمره المؤمنین؟ قال: لا ذاک اسم سمی الله به امیرالمؤمنین علیه السلام قلت جعلت فداک کیف یسلم؟ قال یقولون السلام علیک یا بقیة الله، ثم قرأ: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین».

امام علی علیه السلام در کلام خویش منظور از بقیة الله را به خوبی روشن نموده‌اند ایشان می‌فرمایند: «بقیة الله یعنی المهدی الذی یأتی عند انقضاء هذه النظرة. فیملاء الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً: بقیة الله یعنی مهدی که پس از گذشتن این دوره خواهد آمد و زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد، همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.»^۱

۳- امام محمد باقر علیه السلام در حدیثی سخن از قائم علیه السلام به میان آورده‌اند، ایشان می‌فرمایند: «اول ما ینطق به القائم علیه السلام حین خرج، هذه الایة: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» ثم یقول أنا بقیة الله و حجته و خلیفته علیکم فلا سلّم علیه یسلّم إلا قال: السلام علیک یا بقیة الله فی أرضه، هنگامی که قائم خروج کند، پس نخستین سخنی که می‌گوید، این آیه است: «بقیت الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» سپس می‌گوید: من باقی مانده خدا و حجّت اویم و خلیفه خدا هستم در میان شما. آن گاه هر مسلمانی که سلام دهد. گوید: السلام علیک یا بقیة الله فی أرضه...»^۲

۴- همچنین در احادیث آمده است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده‌اند:

إِنَّ الْعِلْمَ بکِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ لِيُنْبِتُ فِي قَلْبِ مَهْدِينَا كَمَا يُنْبِتُ الزَّرْعُ عَلَيَّ أَحْسَنَ نَبَاتِهِ، فَمَنْ بَقِيَ مِنْكُمْ حَتَّى يَرَاهُ فَلْيُقَلِّ حِينَ يَرَاهُ السَّلَامَ عَلَيكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنَ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ السَّلَامَ عَلَيكُمْ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.»

علم به کتاب خدا و سنت پیامبر در قلب مهدی ما می‌روید چنان که بهترین و شاداب‌ترین گیاهان می‌رویند هر کس از شما باقی ماند و مهدی را ملاقات کند به

۲. تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۴۸۶.

۱. همان، ج ۲، ص ۳۹۲، ح ۱۹۵.

او این گونه سلام بدهد «درود بر شما ای خاندان رحمت و نبوت» و ای ذخیره گاه‌های علم و ای پایگاه‌های رسالت، درود بر تو ای ذخیره الهی ای بقیه الله»^۱

آیه پنجم، «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» به تحقیق در زبور، از پس ذکر (تورات) نوشته‌ایم که سرانجام زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد»^۲

آیه یاد شده درباره استیلاي خوبی و خوبان بر جهان و حکومت یافتن صالحان سخن می‌گوید.

۱- در حدیثی از امام باقر علیه السلام خوبان چنین معرفی شده‌اند:

«هُمُ اصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، اَيْنَ بَنَدِگَانِ شَائِسْتَه كِه وَاَرْتَانِ زَمِينِ هَسْتَنْد، اصْحَابِ مَهْدِيِّ دَرِ آخِرِ الزَّمَانِ مِي بَاشْتَنْد.»^۳

۲- حدیثی که شیعه و سنی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که بر فرمایش امام

محمد باقر علیه السلام دلالت دارد. نبی مکرم اسلام چنین می‌فرمایند:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا صَالِحًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجورًا.»

اگر از عمر دنیا باقی نماند مگر یک روز خداوند همان یک روز را آن قدر دراز کند تا مردی صالح از اهل بیت من، برانگیزد و او جهان را همان گونه که از جور و ستم لبریز شده باشد، از داد و دادگری لبریز سازد»^۴

علی بن ابراهیم قمی در کتاب خویش در مورد این آیه چنین می‌نویسند:

۱. بحار الانوار، ص ۳۱۷، ح ۱۶.
 ۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.
 ۳. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۲.
 ۴. همان، ج ۷، ص ۱۲۰. و نیز: تفسیر تورات الثقلین، ج ۳، ص ۴۶۴، ح ۱۹۳.

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ، هَمَّةَ كِتَابِ هَايَ آسْمَانِي ذَكَرْنَا مِمَّنْ مَعِدَةً
مِي شُود. (وَ أَنَّ الْاَرْضَ يَرْتُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ). يَعْنِي قَائِمٌ وَ اَصْحَابِ اَوْ»^۱

انتظار ظهور مهدی علیه السلام

در روایات پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام

حضرت مهدی علیه السلام موعود همة ادیان آسمانی و محبوب همة انبیاء و اولیاء
الهی است ظهور ظفر آفرین و پر سرورش را همگان بشارت داده و چشم انتظار
قدوم مبارکش می باشند که این موضوع را از روایات و احادیث متواتری^۲ که
در این زمینه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام به دست رسیده، می توان
دریافت.

بر این اساس، کثرت احادیث و روایات درباره حضرت مهدی علیه السلام، در کتاب ها
و اسناد عالمان مذاهب اسلامی، به حدی است که کمتر به آن اندازه درباره

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ، قَالَ: الْكُتُبُ كُلُّهَا ذَكَرَ
وَ أَنَّ الْاَرْضَ يَرْتُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ، قَالَ: الْقَائِمُ وَ اَصْحَابِهِ.

۲. به منظور شرح اصطلاح حدیثی «متواتر» لازم است معنی لغوی «متواتر» را بدانیم:
متواتر یعنی پی در پی آمده، اسم فاعل از مصدر «تواتر» از باب تفاعل؛ یعنی پی در پی
آمدن. متواتر از اصطلاحات علم الحدیث است بدین معنا که اگر خبر یا حدیثی به
وسیله افراد زیادی، نقل شده که معمولاً هم آهنگی و اتفاق آنان بر دروغ ممکن نیست،
این قسم از خبر را متواتر گویند. بدین گونه می توان «تواتر» را حدیث ثابت و قطعی
نامید که در هر نسل روایی و حدیثی راویان بسیار داشته و در کتب بسیار روایت شده
است و به وسیله محدثان و مشایخ روایت، سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر رسیده
است و ثبوت و صدور آن از پیامبر اکرم و یا ائمه طاهرين علیهم السلام قطعی است. «ر. ک. کاظم
مدیر شانه چینی، علم الحدیث و درایة الحدیث، ج پنجم» (قم: دفتر انتشارات اسلامی،
۱۳۷۲) ص ۳۴-۳۵.

موضوعی دیگر، حدیث رسیده است و فراوانی و گوناگونی روایان آن در طرق روایی اهل شیعه و سنت به خوبی چشمگیر بوده تا آن حد که دانشمندان اهل حدیث به متواتر بودن احادیث مرتبط با «عقیده به حضرت مهدی علیه السلام و انتظار ظهور او» تصریح کرده‌اند.

انتظار از دیدگاه تشیع

وجود عقیده به مصلح جهانی حضرت مهدی علیه السلام به خصوص در میان شیعیان از جمله اعتقادات بنیادی محسوب شده و در میان همه مذاهب اسلامی، شیعیان بیش از همه با این عقیده شناخته شده‌اند حتی برخی از افراد نا آگاه و معاند کوشیده‌اند تا این عقیده را از مذهب شیعه محصور کنند ولی، عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام هرگز مختص شیعه نبوده و نیست و اغلب فرق اسلامی در این عقیده با هم هماهنگ‌اند و مدافع آن نیز می‌باشند.

انتظار از اعتقادات بنیادی و تردیدناپذیر شیعه است؛ زیرا مهدی علیه السلام، فاطمی است؛ یعنی از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام و فرزند یازدهمین امام شیعه - امام حسن عسکری علیه السلام و دوازدهمین وصی است. علاوه بر آن در روایات اسلامی چه در احادیث نبوی و چه در سخنان گرانبهای امامان معصوم علیهم السلام در مورد ظهور او و نیز وصف شخصیتش با اوصاف قرشی، هاشمی، فاطمی، علوی، حسنی، حسینی، سخن گفته شده و نوید ظهور مبارک آن حضرت، سال‌ها پیش از ولادت با سعادت او از زبان پاک آنان برای امت اسلامی بازگو شده است. از نظر تشیع، مسأله پر اهمیت اعتقاد به ظهور حضرت مهدی و انتظار او در ردیف وقوع قیامت و تکذیب

و تصدیقش در ردیف تکذیب و تصدیق رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که در احادیث نقل شده از رسول خدا، به آن اشاره می‌کنیم.

بنابراین شیعیان معتقدند که «مهدی موعود» سرّی از اسرار حق و رازی از رازهای نهفته خدا و آخرین برگزیده الهی است که پس از طی شدن دوران غیبت و عصر انتظار، ظهور می‌نماید و او حجة الله، خلیفة الله و بقیة الله است.

انتظار از دیدگاه اهل سنت

عقیده به ظهور مبارک حضرت مهدی علیه السلام به قدری ریشه دار و با اهمیت است که از دیدگاه اهل سنت نیز مانند شیعه از جمله ضروریات دین مبین اسلام به شمار می‌رود. در این باره ما علاوه بر نقل حدیث از منابع شیعی، احادیثی نیز طبق منابع اهل سنت نقل می‌کنیم.

۱ - پیامبر و انتظار ظهور

تجلی و کاربرد گلوآژه پر مفهوم «انتظار» در کلام رسول خدا، حکایت از عظمت این امر مقدّس دارد. ایشان می‌فرمایند:

«سَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُسْئَلَ. وَأَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ: فَضْلُ اللَّهِ رَأْسُ الْخَوَاصِّ كُنَيْدٌ زَيْرٌ كَمَا أَنَّ خَدَاوَنَدَ دَوَسْتٌ مِي دَارْدُ كَمَا أَنَّ أَوْ مَسْئَلَتُ كُنَيْدٌ وَبِالْأَتْرِينِ (پَر فَضِيلَتِ تَرِينِ) عِبَادَتِ، أَنْتَظَارُ فَرَجِ اسْت.»^۱

در این زمینه در حدیثی دیگر از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «أَفْضَلُ

أعمال أمتي انتظار الفرج: برترین عمل امت من، انتظار فرج است.^۱
علاوه بر «افضل الاعمال» و «افضل العبادة» نامیدن انتظار فرج، تعبیر «عبادة» در مورد آن نیز به کار رفته است آنجا که می‌فرمایند: «انتظار الفرج عبادة: انتظار فرج عبادت است.»^۲

مراد از انتظار هرگز سکوت در برابر ظالمان و حاکمان ستم پیشه نیست بلکه به معنای آمادگی و تهیه مقدمات ظهور به منظور ظلم ستیزی است و با عمل و اقدامات لازم است که انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام می‌باشد. علاوه بر احادیث یاد شده، قبلاً متذکر شده‌ایم که از نظر تشیع، عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و انتظار ایشان در ردیف تصدیق رسول خدا و انکار او، انکار رسول خدا است. به یک نمونه حدیث از رسول خدا در این زمینه اشاره می‌کنیم:

«مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وَوَلَدِي، فَقَدْ أَنْكَرَنِي: هر کس که قائم از فرزندان مرا انکار کند، به راستی که مرا انکار کرده است.»^۳ در این باره علمای اهل سنت، از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ، فَقَدْ كَفَرَ: هر کس مهدی را انکار کند، به راستی کافر است.»^۴

به منظور بیان اهمیت مسأله ظهور حضرت مهدی علیه السلام در بین کتب روایی اهل سنت، به یک حدیث دیگر اشاره می‌کنیم.

امام احمد بن حنبل، در کتاب «مسند» خود، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۲. ۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۲، ح ۳.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ب ۱، ص ۷۳، ح ۲۰.

۴. تحفة الأحرزی، ج ۶، ب ۴۴، ص ۴۰۲، ح ۲۳۳۱.

فرمود: «أبشركم بالمهدى يبعث في أمّتي على اختلاف من الناس وزلازل
فيملاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً يرضى عنه ساكن السماء
وساكن الأرض يقسم المال صحاحاً فقال له الرجل: ماصحاحاً.

قال: بالسوية بين الناس.

قال: ويملاً الله قلوب أمة محمد غنىً ويسعهم عدله حتى يأمر منادياً
فينادى فيقول: من له في مال حاجة. فما يقوم من الناس إلا واحد رجل فيقول
إنا، فيقول انت السدان. يعنى الخازن. فقل له: إن المهدى يأمرك أن تعطيتني
مالاً فيقول له: إحت حتى إذا جعله في حجره وأبرزه تدم فيقول كنت اجشع
أمة محمد نفساً أو عجز غنى ما وسعهم.

فیرده فلا يقبل منه.

فيقال: إنا لا نأخذ شيئاً أعطيتاه.

شما را به ظهور مهدی علیه السلام بشارت می دهم، او در میان امت من برانگیخته می شود،
ظهور او پس از اختلاف زیاد و تزلزل و عدم امنیت خواهد بود. پس از ظهور، زمین را
پراز عدل و داد می کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است. ساکنان زمین
و آسمان از او راضی می شوند و او اموال را به طور صحیح تقسیم می کند.

مردی پرسید، معنی «به طور صحیح» چیست؟

سپس فرمود: خدا دل های پیروان محمد را پراز بی نیازی می کند و عدالت
مهدی، همه جا را فرا می گیرد تا آنجا که دستور می دهد «کسی با صدای بلند اعلام
کند: هر کس نیاز مالی دارد برخیزد» هیچ کس اظهار نیاز نمی کند جز یک نفر، امام
دستور می دهد نزد خزینه دار برود و به او بگوید: مهدی به تو فرمان می دهد که مالی

در اختیار من قرار دهی. او نزد خزینه‌دار می‌رود و می‌گوید: بگیر و دامن او را پیراز پول می‌کند، چون مال در اختیار او قرار می‌گیرد پشیمان می‌شود که چرا آزمند و حریص شده است. لذا مال را بر می‌گرداند ولی خزینه‌دار نمی‌پذیرد و می‌گوید: ما آنچه را که بخشیدیم، پس نمی‌گیریم.^۱

۲ - امام علی علیه السلام و انتظار ظهور

در کلام مولی الموحدين حضرت علی علیه السلام از انتظار، چنین سخن به میان آمده است. حضرتش می‌فرماید: «إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْتَظَارَ الْفَرَجِ، «انتظار فرج داشته باشید و از لطف و رحمت خدا ناامید نباشید که محبوب‌ترین اعمال نزد پروردگار انتظار فرج است.»^۲

در این حدیث مبارک، انتظار نه تنها عمل بلکه دوست داشتنی‌ترین عمل نزد پروردگار شمرده شده است و این بیان نورانی تحلیل درست از انتظار ظهور یعنی عملی بودن آن را نشان می‌دهد نه اینکه فقط به داشتن حالت قلبی انتظار، اکتفا شود. از این روست که چنین اجر والایی برای انسان منتظر در نظر گرفته شده است. این علو مرتبت را در حدیثی دیگر از امام علی علیه السلام می‌توان دریافت:

«الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُشْحَطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: منتظر امر ما، همچون سردار به خون پییده در راه خداست.»^۳

۳ - امام حسین علیه السلام و انتظار ظهور

عن حسین بن علی علیه السلام: «لَهُ غَيْبَةٌ يَرْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَ يُبَيِّتُ عَلَى الدِّينِ آخِرُونَ.

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷، ح ۴۰۸۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۳، ح ۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۳، ح ۷.

فَيُؤَدَّنُ وَيُقَالُ لَهُمْ: مَتَى هَذَا لَوْعَدَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؟ أَمَا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْإِذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ.

حضرت حسین بن علی علیه السلام - در زمینه عصر غیبت و منتظران دوران انتظار چنین می فرمایند: «برای او غیبتی است که گروهی از دین بر می گردند و گروهی ثابت قدم می مانند به ثابت قدمان گفته می شود اگر راست می گویند چه زمانی این وعده تحقق می پذیرد؟ آگاه باشید که بردباران در عصر غیبت در مقابل آزار و تکذیب همانند مجاهدان و جنگجویانی هستند که در حضور رسول خدا شمشیر زده اند.»^۱

طبق حدیث مذکور، ویژگی اصلی منتظران عصر غیبت، ثبات قدم است و اجر بردباران عصر غیبت در قبال ظلم های زمانه، برابر با مجاهدان عصر رسول الله مطرح شده و این تعبیر، نشانه علو مقام افرادی است که در انتظار قدوم امام منتظر خویش می باشند.

۴ - امام سجاد علیه السلام و انتظار ظهور

سخن از «انتظار و منتظران» در حدیث چهارمین امام نیز آمده است. عن علی بن الحسین علیه السلام: إِنْ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ، الْمُتَنْتَرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ، صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقّاً وَشِيعَتُنَا وَالدُّعَاةُ إِلَى اللَّهِ سِرّاً وَجَهراً وَقَالَ: أَنْتَظِرُ الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ.

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۵، ح ۶.

امام سجاد علیه السلام می فرمایند: «آنان که در عصر غیبت زندگی می کنند و عقیده به امامت حضرت مهدی دارند و در انتظار ظهور آن حضرت به سر می برند از مردم هر عصر و روزگاری برتر و بالاترند. زیرا که خداوند به آنها عقل و درک و معرفت به اندازه ای عطا فرموده که عصر غیبت برای آنان مانند عصر حضور امام است. خداوند آنان را در آن زمان مانند مجاهدان صدر اسلام که با شمشیر در رکاب حضرت رسول می جگیدند قرار داده است. آنان در حقیقت برگزیدگان مخلص و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان مردم به سوی خدا در نهان و آشکار هستند و نیز فرمودند انتظار فرج از جمله بزرگترین فرج است.»^۱

علو مقام منتظران عصر غیبت و بهره مندی آنان از عقل تا حدی است که دوران غیبت، همچون عصر حضور ولی زمان است و اجر مجاهدان صدر اسلام را دارد و کلام امام معصوم علیه السلام بهترین مدعاست.

۵- امام باقر علیه السلام و انتظار ظهور

عن الباقر علیه السلام: «ما صَرَّ مَنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِأَمْرِنَا أَلَّا يَمُوتَ فِي وَسْطِ فِسْطَاطِ الْمَهْدِيِّ وَعَسْكَرِهِ»

«کسی که در حال انتظار فرج بمیرد و در میان خیمه حضرت مهدی و جمع لشکریان آن حضرت از دنیا نرود ضرری نکرده است.»^۲

افتخار حضور در خیمه امام مهدی علیه السلام عنایتی است که فقط شامل حال منتظران واقعی امام می شود؛ اما اگر قبل از این که به این افتخار دست یابد از دنیا برود ضرر نکرده است.

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۷، ح ۱، و نیز در: طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۱۸۸.

۲. اصول کافی ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۶.

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام پاداش آنان که دارای سوز انتظارند، این گونه بیان شده است: «إِعْلَمُوا أَنَّ الْمُنْتَظِرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ: بدانید که منتظر ظهور حضرت مهدی پاداشی دارد همانند پاداش کسی که روزها، روزه دار و شبها متعبد و شب زنده دار است.»^۱

تساوی اجر انسان منتظر با روزه دار و شب زنده دار، حکایت از اجر فراوان فرد دلباخته امام عصر علیه السلام دارد.

۶- امام صادق علیه السلام و انتظار ظهور

تشبیه منتظران امام، به افرادی خاص، در کلام صادقانه امام صادق علیه السلام نشان مرتبت والای این افراد وارسته است:

«مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فِئْتَاطِهِ قَالَ: ثُمَّ مَكَثَ هَنِيئَةً ثُمَّ قَالَ: لَا بَلْ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ. ثُمَّ قَالَ: لَا وَاللَّهِ إِلَّا كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ.»

کسانی (از شما) که در انتظار حکومت قائم علیه السلام از دنیا بروند، مانند کسانی اند که در خیمه آن حضرت می باشند پس از لختی فرمود: بلکه چون کسانی هستند که در رکاب آن حضرت شمشیر زده باشند و پس از مکثی دیگر فرمود: نه به خدا قسم بلکه مثل کسانی هستند که در حضور پیامبر به شهادت رسیده اند.»^۲

در حدیثی دیگر از امام علیه السلام چنین آمده است:

«إِنَّ مَنْ أَنْتَظَرَ أَمْرَنَا وَ صَبَرَ عَلَيَّ مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَالْخَوْفِ هُوَ غَدَاً فِي

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۶، ح ۱۸.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۲۲.

زُمرَتنا: هر کس که منتظر باشد و در این راه بر مصائب و آزارها صبر نماید فردای قیامت در صف ما خواهد بود.^۱

طبق فرمایش امام صادق، هم ردیف بودن با امامان معصوم، مستلزم صبور بودن در برابر سختی‌های عصر غیبت است. در جای دیگری، منتظران، اولیاء الهی معرفی شده‌اند: «طوبی لشیعۀ قائمتا المنتظرین لظهوره فی غیبتہ والمطیعین له فی ظهوره اولئک اولیاء الله الذین لا خوف علیهم ولا هم یحزنون».

خوشا به حال شیعیان قائم علیه السلام که منتظر ظهور او در حال غیبت هستند و در هنگام ظهور از او اطاعت می‌کنند. اینان اند اولیاء خدا که خوف و حزنی ندارند.^۲

۷- امام کاظم علیه السلام و انتظار ظهور

عن الکاظم علیه السلام: طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبلنا فی غیبة قائمتنا الثابتین علی موالاتنا والبرائة من أعدائنا. اولئک منا ونحن منهم. وقد رضوا بنا أئمة ورضینا بهم شیعة و طوبی لهم، هم والله معنا فی درجتنا یوم القیامة.

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «خوشا به حال شیعیان ما که در عصر غیبت قائم ما، به ریسمان دوستی ما چنگ می‌زنند و از دشمنان ما یزاری می‌جویند. آنان از مایند و ما از آنان هستیم. آنان از ما به عنوان امامان خویش راضی هستند و ما نیز از آنان به عنوان شیعیان خود راضی می‌باشیم. خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان، به خدا سوگند آنان هم درجه ما در رستخیز هستند.»^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۵۰، ح ۷۶.

۲. همان، ج ۵۱، ب ۷، ص ۱۵۱، ح ۶.

۳. همان.

راضی بودن امامان معصوم از شیعیانی که دوستان واقعی ائمه علیهم السلام و اهل دشمنی ورزیدن با دشمنان آل پیامبرند و نیز رضایت متقابل آنان از امامت چهارده معصوم، باعث رسیدن به چنین درجه‌ای شده است.

۸- امام رضا علیه السلام و انتظار ظهور

عن الرضا علیه السلام: ما أحسن الصبر و انتظار الفرج. أما سمعت قول الله تعالى: وَاذْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ. فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ، فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ يَجِيءُ الْفَرْجُ بَعْدَ الْيَأْسِ فَقَدْ كَانَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ.

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «چه قدر زیباست صبر و انتظار فرج، مگر سخن خدای تعالی را نشنیدید که می‌فرماید: وَاذْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ. فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ، پس صبر پیشه کنید، فرج و گشایش پس از ناامیدی خواهد آمد و گذشتگان شما صبورتر از شما بودند.»^۱

در حدیث یاد شده به همراهی صبر با انتظار فرج و نیز متصف شدن انسان منتظر به صفت برجسته صبر - که رأس ایمان است - اشاره شده است به امید اینکه روزی گشایش نهایی حاصل شود؛ از این رو حتی در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام انتظار فرج، جزئی از فرج و گشایش اصلی شمرده شده است. روایت چنین است:

«عن الحسن بن الجهم قال: سألت ابا الحسن عن شيء من الفرج؟ فقال: أولست تعلم أن انتظار الفرج من الفرج؟ قلت: لا أدري إلا أن تعلمني؟ فقال: نعم، انتظار الفرج من الفرج»؛^۲ «حسن بن جهم گوید: از امام رضا درباره فرج

۱. همان، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۹، ح ۲۳. ۲. همان، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۹، ح ۲۹.

پرسیدم فرمودند: آیا نمی‌دانی که انتظار فرج، جزئی از فرج است؟ گفتم: نمی‌دانم مگر اینکه به من بیاموزی. پس فرمودند: انتظار فرج، جزئی از فرج است.»

۹- امام جواد علیه السلام و انتظار ظهور

در کلام حضرت جواد الائمه علیه السلام، نیز از انتظار، منتظر و منتظر موعود سخن گفته شده است. حدیث چنین است: «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيُطَاعَ فِي ظَهْرِهِ وَهُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي: قَائِمٌ مَا هَمَانَ مَهْدِيُّ اسْتَكْبَاهُ بَابٌ فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ، أَنْتَظَرُ أَوْ رَأَيْتُ وَدَرَزَمَانِ حُضُورِهِ وَظَهْرُهُ مِنْ أَوْ اطَاعَتِهِ نَمُودُ، أَوْ سَوَمِينِ مِنْ أَوْ فَرَزَنْدِ مِنْ اسْتَكْبَاهُ.»^۱

امام جواد علیه السلام در این سخن گرانبهای خود، به ضرورت انتظار کشیدن برای امام غایب و وجوب آن، اشاره نموده‌اند. در واقع شیعه واقعی که به امامت چنین امام غایبی معتقد است باید برای تسریع در ظهور آن حضرت، لحظه شماری کرده و خود را در حالت آماده‌باش کامل قرار دهد.

در ادامه این حدیث از امام جواد علیه السلام به مفهوم واقعی انتظار؛ یعنی عمل (نه حالت) اشاره فرموده و آن را با عنوان برترین اعمال فرد پیرو ائمه نام برده و نتیجه نهایی آن را متذکر شده‌اند. در ادامه فرمودند:

«أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِيعَتِنَا أَنْتَظَارُ الْفُرْجِ. مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِجَ عَنْهُ بِأَنْتَظَارِهِ»؛ «بهترین عمل شیعیان ما، انتظار فرج است هر کس که این مطلب را بداند با همین انتظاری که دارد برای او فرج حاصل می‌شود.»^۲

۱. همان، ج ۵۲، ب ۹، ص ۱۵۶، ح ۱. ۲. همان.

۱۰ - امام هادی علیه السلام و انتظار ظهور

در زمینه انتظار فرج، تعلیم سازنده امام هادی علیه السلام، راهگشای همه منتظران است که به ذکر دو حدیث در این مورد اکتفا می‌کنیم:

امام هادی علیه السلام می‌فرمایند: إِذَا غَابَ صَاحِبُكُمْ عَنِ الدَّارِ الظَّالِمِينَ فَتَوَقَّعُوا الفرج. «هنگامی که صاحب شما از سرای ستمکاران غیبت کرد، در انتظار فرج باشید.»^۱

در فرمایش دیگری از همین امام معصوم علیه السلام، سفارش به انتظار کشیدن مطرح شده است، «إِذَا رُفِعَ عِلْمِكُمْ مِنْ بَيْنِ أَظْهُرِكُمْ فَتَوَقَّعُوا الفرج مِنْ تَحْتِ أَقْدَامِكُمْ، چون امام شما از میان شما برداشته شد، از پیش پاهای خود منتظر فرج باشید.»^۲

۱۱ - امام حسن عسکری علیه السلام و انتظار ظهور

واژه پر امید انتظار را می‌توان در کلام پدر بزرگوار مهدی منتظر علیه السلام حضرت امام حسن عسکری علیه السلام یافت حضرتش می‌فرمایند: «عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَانتظار الفرج، فَإِنَّ النَّبِيَّ قَالَ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انتظار الفرج، بر تو باد به صبر و انتظار فرج. زیرا که حضرت رسول فرمودند: برترین اعمال امت من انتظار فرج است.»^۳

۱۲ - امام مهدی علیه السلام و انتظار ظهور

به منظور تبرک به حدیثی از حضرت مهدی علیه السلام که بی‌ارتباط هم با عصر غیبت و دوران انتظار نیست اشاره می‌کنیم. حضرتش چنین می‌فرمایند: «فَإِنَّا بِحَيْطُ

۱. همان، ج ۵۱، ب ۹، ص ۱۵۹، ح ۲. ۲. همان، ج ۵۱، ب ۳۷، ص ۷۶، ح ۴.

۳. همان، ج ۵۱، ب ۹، ص ۱۵۹، ح ۸.

عِلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ»؛ «ما از اخبار و اوضاع شما کاملاً آگاهیم و هیچ یک از آنها بر ما پوشیده نیست.»^۱

حدیث مذکور، نشان از واقف بودن علم امام به احوال مسلمانان و منتظران است و لازم به ذکر است که پیروان امام در عصر غیبت در هیچ حالی از احوالات آنها و اوضاع (چه عبادات و یا گناهان)، رها نشده‌اند.

حدیث دیگری که از حضرت صاحب الامر علیه السلام، در قالب توقیع و امر ایشان، به دست رسیده است، فرمایش زیر می‌باشد:

«وَ أَكثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»؛ «برای تعجیل در فرج

بسیار دعا کنید، همانا در آن گشایش کار شما هست.»

طبق حدیث و سفارش مذکور، می‌توان تکلیف منتظر را علاوه بر تکالیف

دیگر او، دعا کردن در عصر غیبت دانست.

فصل سوم

تكاليف منتظران

تکالیف منتظران

همان طور که می‌دانیم انتظار، تجلی کامل تربیت‌های مکتب اسلام است که هم شاخص منور ابعاد عقاید حقه از قبیل توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد است و هم تربیت‌های مکتب در آن متبلور شده است.

انتظار جریانی در دوران عمیق غیبت است، این دوران همچون مدتی است که معلم از کلاس خارج شده تا بنگردد که شاگردان، در غیاب او چه می‌کنند و نسبت به تکالیف سپرده شده چه عکس‌العملی دارند؟ حال شاگرد مکتب انبیاء الهی، هم این‌گونه است. او حاضر در کلاس دین الهی است و باید پیوسته مراقب خود باشد تا دست از پا خطا نکند و بداند که هم اکنون موقع خروج معلم از کلاس است که ورودش از جمله احتمالات بوده و امکان دارد، او را در آن حال ببیند، پس منتظر، باید در هر موقعیتی، رضایت خاطر معلم یعنی همان منتظر را فراهم کند.^۱

پس از بیان این تمثیل لازم است که به آداب عصر غیبت و ذکر مقدمه‌ای در این زمینه پردازیم. هنگامی که در تعالیم و تکالیف دین، با بینشی عمیق، صحیح و آگاهانه، غور و تفکر می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که روزگار انتظار، روزگار رهایی، بی‌مسئولیتی یا به عبارتی دیگر دوران بی‌تفاوتی نیست، بلکه دوران حساس تکلیف است، هم تکالیف فردی و هم تکالیف اجتماعی.

در این دوران مسلمانان و منتظران واقعی، باید پاسبان دین حقه الهی و تعالیم

و احکام والای آن باشند و اگر عصر بی تکلیفی بود، باید تکلیف از افراد ساقط می‌شد. در حالی که این گونه نیست، بلکه عصر تمسک جستن به احکام الهی، باید به قوت خود پا برجا باشد، به عبارتی دیگر این جنگ زدن، نباید منفک از عمل به دستورات دینی باشد. از این رو، حضور همه افراد چه در بُعد فردی و چه در بُعد اجتماعی لازمه آن است همچنین همه جوانب دین به ویژه در بُعد فعال آن باید مورد آموزش همگان واقع شود.

بنابراین؛ عصر انتظار، عصر وظیفه و تکلیف است که طبق احادیث معصومین علیهم السلام انتظار در کنار منتظر آورده شده، از این رو، درمی‌یابیم که منتظران برای اثبات انتظار خود تکالیفی دارند که در این فصل به شرح چند تکلیف از وظایف خطیر و دشوار این منتظران می‌پردازیم.

هدف آن است که نوشته‌ای در دسترس محبان و مشتاقان آن حضرت و همه طالبان هدایت قرار گیرد که بتوانند به راحتی با وظایف خود در قبال حضرت حجت علیه السلام و حقوقی که آن حضرت بر آنها دارد، آشنا شده و دست یابند و آنها را سرمشق خود قرار دهند و عمل کنند.

در این عصر که دشمنان دین بیش از گذشته و با حربه‌های گوناگون خود به جنگ با دین و دینداری آمده‌اند، می‌بایست با تحقیق بیشتر در مباحث مربوط به امام زمان علیه السلام که خورشید معنویت و اصل همه معنویات است، خود را آماده مقابله با مکر آنان کنیم.

به همین جهت امیدواریم این فصل از کتاب بتواند به علت پرداختن به مباحث مربوط به حضرت حجت علیه السلام آن هم یکی از مباحث خاص و عملی که همان بحث تکالیف مؤمنان در قبال آن حضرت است - و در تهذیب نفس و تحوّل انسان

و قُرب او به ذات اقدس الهی و نیز تقرُّب به محضر والای حضرت ولی عصر علیه السلام بیشترین نقش و اثر را دارد. در راه رسیدن به این مقصود متمر ثمر بوده و نقش ارزنده و مطلوبی داشته باشد و موجبات خرسندی آن والا مقام را فراهم آورد.

تکالیف ده گانه‌ای که در این فصل آورده شده است، همراه با روایات منقول از چهارده معصوم علیهم السلام ذکر شده که همگی مستند به کتب روایی است. علاقه‌مندان برای آشنایی بیشتر از سایر تکالیف کلی و جزئی که به علت پرهیز از طولانی شدن مباحث به آن پرداخته‌ایم، به کتب نگاشته شده در این زمینه مراجعه کنند.^۱

ان شاء الله که خداوند متعال ما را در ادای حقوق آن عزیز بزرگوار موفق گرداند و ما بتوانیم تکالیف خود را در قبال آن حضرت به درستی و کامل به جا آوریم و مورد توجه و مهر بیش از پیش آن حضرت قرار گیریم.

شناختن حجّت خدا، امام عصر علیه السلام

مهم‌ترین و واجب‌ترین وظیفه هر شیعه منتظر، کسب معرفت نسبت به مقام و وجود مقدس امام زمان علیه السلام است.

حضرت حجّت بن الحسن العسکری علیه السلام ذریه رسول خدا، چهاردهمین معصوم، دوازدهمین امام، ولی حیّ امّت، واسطه فیض الهی، امان زمین و زمان و... است. این جایگاه رفیع و موقعیت ممتاز که دارای برکات وجودی بی شمار است، حقوقی را برای آن حضرت اثبات می‌کند که پیروان صدیق و مخلص برای تنظیم دقیق رابطه خود با مولا و رهبرشان بر اساس ادب دینی باید آن حقوق را شناخته

۱. برای آگاهی بیشتر نسبت به مباحث مربوط به تکالیف شیعیان در عصر غیبت به کتب زیر می‌توان مراجعه کرد: مکینال المکارم، و راه وصال.

و در پی آن وظایفی را که متوجه آنان می شود، به شایستگی انجام دهند.
چند مورد از این حقوق عبارتند از: حق قرابت رسول الله، حق منعم بر متنعّم،
حق پدری بر اُمّت، حقّ معلّم بر متعلّم، حق سیادت بر بنده، حق رهبری و زعامت بر
مردم و.....

ذکر اهمّیت معرفت امام

از بین حقوق یاد شده، حق شناختن حجّت الهی مورد بحث ماست. این موضوع
آن قدر اهمّیت دارد که از امام حسن عسکری علیه السلام چنین روایت شده است: «مَنْ
مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ هر کس بمیرد و امام زمان خویش
را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است.^۱

این حدیث، با تعابیر مختلفی که همگی به یک معنایند، در کتب اصلی حدیث
شیعه و سنی با توافق کامل نقل شده است. و متواتر بودن آن نشانه این است که
دلالت صریح بر ضرورت شناخت امام واقعی توسط هر زن و مرد مسلمان دارد
و به عاقبت تأسف بار مسلمانانی که از شناخت امام محروم بوده اند اشاره کرده که
این سرانجام به هیچ عنوان قابل توجیه نیست.

منظور از امام، همان امام معصوم به عنوان فرد کامل انسانیّت است که اگر بر روی
زمین نباشد خداوند شناخته نمی شود و رابطه بین عالم معنا و ماده، قطع می گردد
زیرا برکات عالم غیب ابتدا باید بر قلب پاک امام بتابد و سپس به وسیله او به دل
انسان های مستعد برسد؛ زیرا او واسطه فیض و نزول برکات الهی است و به یمن

۱. علل الشرایع، ب ۳۱، ص ۱۲۰، ح ۹.

وجود مبارک او عذاب الهی از مردم برداشته می شود.

حضرت صاحب الامر علیه السلام در پاسخ اسحاق بن یعقوب که به وسیله محمد بن

عثمان - نایب دوم حضرت - به این موضوع اشاره کرده و می فرمایند:

«إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ» «همانا من مایه

امنیت اهل زمین هستم، همان طور که ستارگان مایه امنیت اهل آسمانند».^۱

در اهمیت معرفت به امام معصوم که واسطه فیض الهی است - حتی در مفاد

دعاهایی که خواندن آنها در عصر غیبت بسیار تأکید شده است، مطالبی بیان شده که

این امر ما را متوجه اهمیت معرفت حجت الهی می گرداند.

یکی از این ادعیه، دعای معروف و معتبری است که شیخ صدوق علیه السلام آن را از

امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که ایشان خطاب به زراره می فرمایند: «اگر آن زمان

(عصر غیبت) را دریافتی به این دعا مداومت کن: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ

لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ

تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي

حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»

بارالها! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من شناسانی پیغمبرت را

نخواهم شناخت. خدایا پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را شناسانی

حجت تو را نخواهم شناخت. بارالها! حجت خود را به من بشناسان که اگر حجت خود

۱. مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۴۵. بحار الانوار، ج ۷۸، ب ۳۰، ص ۳۸۰، ح ۱. «إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ

الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ».

را به من شناسانی از دین خود گمراه می شوم.»^۱

همان طور که از متن دعا (حدیث مذکور) بر می آید معلوم می گردد که در شناخت حجت الهی البته نه شناخت سطحی بلکه شناخت عمیق و حقیقی که مبنای آن شناخت امام به عنوان مظهر شناخت حق تعالی است، چند مورد تأکید شده است:

اول: مقدمه شناخت حضرت حجت علیه السلام معرفت الهی (معرفه الله) و شناخت رسول خدا صلی الله علیه و آله است، هر چه شناخت ما قرآنی تر؛ یعنی طبق باب معرفت خداوندی (وحی) باشد، بیشتر متوجه تطابق صفات حضرت حجت علیه السلام با صفات حضرت حق خواهیم شد؛ زیرا که اسماء الهی در او متجلی شده است. در فرازی از زیارت آل یس که توقیعی وارده از ناحیه مقدسه است - با این عبارت به محضر امام ابراز ارادت می کنیم.

«السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته.» «سلام بر تو ای دعوت کننده

خلق به سوی خدا و مظهر آیات الهی.»^۲

دوم: شناخت مقام حضرت حجت باعث نجات از ضلالت و گمراهی است. برای شفافیت بحث لازم است بیان شود که شناخت امام درک اضطرار به او و آگاهی به حق ولایت اوست، امام از خود مابه آگاهتر است و آگاهی او شهودی و وجودی و محبتش نیز رؤیوی و محیط است نه غریزی و محدود که او آزاد از همه کشش های نفسانی بوده و از راه های آسمان نسبت به راه های زمین آگاه تر است.

۱. غیبت نعمانی، ب ۱، ص ۲۴۳، ح ۶ و نیز: علل الشرایع، ج ۲، پ ۲۳، ص ۱۸، ح ۲۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۴، ب ۳۱، ص ۱۷۱، ح ۵، و نیز: مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۱۶، توقیعات عن الناحیه المقدسه.

تلفیق این آگاهی و آزادی، عصمت شده و همین امر باعث پذیرش عشق، ولایت، سرپرستی و تسلیم در برابر او می‌باشد. امام محمد باقر علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «إِنَّمَا كُفِّ النَّاسِ ثَلَاثَةٌ، مَعْرِفَةُ الْأَئِمَّةِ وَالتَّسْلِيمُ لَهُمْ فِيهِمَا وَالرَّذِّ إِلَيْهِمْ فِيمَا اختلفوا فيه.»

«مردم به سه تکلیف مکلفند: معرفت امامان، تسلیم در برابر ایشان و واگذاری امور به آنها در مسائلی که اختلاف پیش می‌آید.»^۱

تا آگاهی از حق معرفت و ولایت امام و جهل در تشخیص و مصداق چنین امامی؛ یعنی حاکم عادل، آثار زیان باری همچون چشم پوشی از همه دستاوردهای وحی، مرگ جاهلیت و در نهایت، هلاکت و گمراهی است؛ زیرا که شناخت امام، عین دین و دیانت است و عدم شناخت او عین جاهلیت، یعنی زمانی که اسلام ظهور نکرده است می‌باشد.

مقصود از شناخت امام

حال بنگریم، منظور از معرفت مد نظر ائمه علیهم السلام چیست؟ در این باره مؤلف گرانقدر عالم فقید سید محمد تقی موسوی اصفهانی، مراد از معرفت امام که مورد تأکید است را چنین توضیح می‌دهند:

بدون تردید مقصود از شناختی که امامان ما که درودها و سلام‌های خدا بر ایشان باد، تحصیل آن را نسبت به امام زمانان، امر فرموده‌اند، مقصود شناختن حضرت

۱. وسائل الشیعه، ترجمه محمد رازی، ج ۱۸ کتاب القضاء، ص ۴۵، ح ۳۳۲۰.

است چنان که هست به گونه‌ای که سبب سالم ماندن از شبهه‌های ملحدین و مایه نجاتمان از گمراه ساختن مفتریان گمراه کننده شود و چنین شناختی جز به دو امر حاصل نمی‌شود: یکی شناختن شخص امام علیه السلام به نام و نسب. دوم: شناخت صفات و ویژگی‌های او، و آوردن این دو از اهم واجبات است.^۱

امر دومی که در کلام فقید یاد شد در عصر غیبت، با اهمیت تر است، در واقع این نوع شناخت است که منشأ تحوّل و اثر در زندگی انسان منتظر است؛ زیرا اگر فردی به حقیقت جایگاه امام در عالم بشریت و شدت افتقار و اضطراب خود نسبت به او آگاه گردد، هرگز از یاد او غافل نخواهد گشت.

شناخت امام مهدی علیه السلام از معرفت دیگر ائمه هدی علیهم السلام جدا نیست و هر کس عارف به مقام و مرتبت ائمه معصوم است و خود را در قبال آنها مسئول می‌داند به طور قطع، در مورد امام معصوم به عرفان و شناختی شایسته دست می‌یابد.

راه‌های کسب معرفت

۱ - مطالعه پیرامون حضرت

یکی از راه‌های کسب معرفت، مطالعه و تأمل در کتب پیرامون حضرت است، و از آن جمله مطالعه در ادعیه و زیارات وارده است به ویژه خواندن زیارت جامعه کبیره؛ زیرا تدبیر در اوصاف ائمه معصومین علیهم السلام که در این دعای پر محتوا وارد شده است بر افزایش شناخت ما کمک می‌کند، همچنین می‌توانیم با دعاهای خود از خدا

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۶۹.

طلب معرفت کنیم؛ زیرا این نعمت عظیم الهی، تنها از طریق مطالعه به دست نمی‌آید، بلکه از عنایات خاصه الهی هم هست که شامل حال هر کسی نمی‌شود. بر منتظر واجب است که نسبت به امام خود معرفت کسب کرده و با استحکام مایه‌های فکری-روحی خود، علاوه بر شناخت در مورد شخصیت وجودی امام در مورد علایم ظهور هم شناسایی داشته باشد تا فریب مدعیان دروغین مهدویت را نخورد؛ زیرا او منتظر مهدی موعود است نه مهدی موهوم.

۲- انتظار کشیدن

یکی دیگر از وظایف منتظران، انتظار کشیدن و یا به عبارتی دیگر، شوق دیدار است. و یک حالت و عمل قلبی درونی است که دارای اثرات بیرونی می‌باشد. منتظر واقعی امام بی‌قرار و لحظه شمار ورود منتظر است. او در درون و باطن خود پیوسته به یاد او و همواره منتظر فرارسیدن زمان ملاقات است. و اگر چنین اشتیاقی که از طریق معرفت به وجود می‌آید در انسان پدیدار شود او به خیلی از معارف الهی دست یافته است.

چگونه ممکن است انسان، مدعی محب امام بوده اما مشتاق دیدارش نباشد؟! شیفتگی منتظر و جوش و خروش او نشانگر کمال اشتیاق و انتظار امر فرج و نیز شوق وافر در اثر کثرت محبت است و هر چه شدت عشق بیشتر، به طور مسلم مفارقت او مشکل‌تر خواهد بود و با طولانی شدن زمان فراق، مبدل به جزع و فزع خواهد شد که دعای ندبه، در برگیرنده مضامین بلندی نسبت به همین موضوع است.

دعای ندبه؛ درس شوق

دعای شریف ندبه معارف والایی مربوط به شوق مهدویت را در بردارد. این دعا را از این رو، «ندبه» گذاشته‌اند که گریه‌ای همراه با فریاد خواهی و استغاثه است. عرب به مطلق گریه و ریزش اشک در اثر حزن، «بکاء» می‌گویند، اما به گریه بلند، همراه با استغاثه «ندبه» می‌گویند.^۱

دعای ندبه درس گریه، عشق، بی‌قراری و شیدایی و در یک کلام دوره معارف کامل الهی است درس آن حدیث امام صادق علیه السلام است که: «مشتاق نه به خوراکی میل دارد و نه از نوشیدنی‌ای لذت می‌برد و میل به خواب و استراحت از او بر طرف می‌شود. نه به دوست و مصاحب انس می‌گیرد. نه در آبادی‌ای وطن می‌گزیند و نه در آسایشگاه و آرامگاهی می‌آرامد.»^۲ رایه ما می‌آموزد.

انسان عاشق نه صرف گفتن لفظ، بلکه با سوز و گداز درونی خود، دادخواهی و استغاثه می‌کند و این چنین از دوری و فراق مولانا له می‌کند:

«لیت شعری این استقرت بک النوی»؛

«ای کاش می‌دانستم، کجا و چه وقت دل‌ها به ظهور تو آرام خواهد یافت.»^۳

«عزیز علیّ أن أرى الخلق ولا تُرى».

یا اینکه می‌گویند: «ای آقای من بر من سخت است که همه خلق را بینم اما تو را

نبینم.»^۴

۱. مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۳۰۲.

۲. شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ج ۲، باب شوق، ص ۵۲۹، عن الصادق علیه السلام: «المشتاق لا یشتهی طعاماً ولا یلتذُّ شراباً ولا یستطیب رقاداً ولا یأش حمیماً ولا یأوی داراً ولا یسکن عمراناً ولا یقرُّ قراراً».

۳. اقبال الاعمال، ج ۱ ص ۵۱۰، و نیز مفاتیح الجنان.

۴. همان، ص ۵۱۰.

این/خود درسی است که امام صادق علیه السلام به ما می آموزد، یعنی اینکه نسبت به امام مهدی علیه السلام این گونه عاشق باشید؛ زیرا که این دعا از کلام آن معصوم به ما رسیده است.

عاشق امام در فرازی دیگر، از دعای تدبیه این چنین بیان می دارد: «هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأَطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبِكَاءَ، هَلْ مِنْ جِزَعٍ فَاسَاعِدْ جِزْعَهُ إِذَا خَلَا، هَلْ قَدَّيْتُ عَيْنٌ فَسَاعَدْتَهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى».

«آیا ناله کننده ای هست تا به همراه او گریه و ناله را طول دهم؟ آیا جزع کننده ای هست هنگامی که تنهاست با او مساعدت کنم، آیا چشمی را خاری افتاده که چشم من در اشک با او همراهی کند.»^۱

همه اینها نشان از به یاد محبوب بودن و ناراحتی از دوری اوست. پس دوستان و منتظران باید در فراق از امام خود محزون بوده و هم و غمی برای دیندار داشته باشند که همه اینها دلیل بر اشتیاق و حقیقت انتظار فرد برای ظهور و فرج مولای خود است، از این رو خود را برای ظهور مهیا می کند.

ذکر داستانی در مورد انتظار

فردی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده و پرسید: «یا رسول الله! روز قیامت چه زمانی واقع خواهد شد» و چون این سؤال را در هنگام نماز پرسید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله ابتدا تشریف برده و نماز خواندند و سپس فرمودند: «آن شخصی که این سؤال را پرسید، کجاست؟»

سؤال کننده آمد اما پیامبر اکرم، این گونه جواب ندادند که علمش نزد خداست یا در چه زمانی، بلکه فرمودند: «برای قیامت چه آماده کرده ای؟»^۲

۱. اقبال الاعمال، ص ۵۱۱.

۲. جلال الشرایع، ب ۱۱۷، ص ۱۳۹، ح ۲، عن انس بن مالک: جاء رجل من أهل البادية

مشابه همین، شخصی نزد امام جعفر صادق علیه السلام آمد و سؤال نمود: «گشایش و فرج شما اهل بیت علیهم السلام چه زمانی است، امام علیه السلام فرمود: تو را به فرج چه کار؟ در حالی که از کسانی هستی که دنیا را می خواهی؟»^۱

منظور آن است که دنیاطلبی با فرج سنخیت ندارد، کسی می پرسد فرج چه زمانی است که خود را برای آن مهیا کرده باشد در حالی که فردی که فرج را برای آبادی دنیایش و رفع مشکلات اقتصادی می خواهد، منتظر حقیقی نیست. و اصل مطلب در این موضوع خلاصه می شود که: آنها که از ولی تمنایی دارند در واقع او را تردبان و وسیله خواسته ها و هوسهایشان کرده و واسطه رسیدن به آرزوهایشان نموده اند در حالی که سوختگان عشق امام و منتظران واقعی از معشوق خود به غیر از خود او تمنایی ندارند.

ابعاد عاطفی انتظار منتظر

گواه صادق بر انتظار، شوق و اشتیاق است که از یک سو در غم فراق و از دیگر سو در شوق وصال می باشد. ابعاد عاطفی انتظار، که در حقیقت نقطه اوج انتظار و گرمی و حرارت آن می باشد، اشتیاق است. این عواطف و احساسات در ابعاد زیر تجلی می یابد:

۱- محبت

عشق و محبت به امام که در حقیقت، سر ریز محبت و شفقت امام به شیعیان

سأل الیقینی فقال یا رسول الله متى قیام الساعة فحضرت الصلاة فلما قضی الصلاة قال این السائل عن الساعة. قال أنا قال: فما اعددت لها.

۱. اصول کافی ج ۱، کتاب الحجّة، باب أنه من عرف امامه، ص ۳۷۱، ح ۳: عن ابی بصیر قال: قلت لأبی عبدالله: جعلت فداک متى الفرج، فقال: یا ابابصیر و أنت ممن ترید الدنیا؟

است که در دعای ندبه آمده: «بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخُلْ مَتًّا...: جانم فدای آن امام غایبی باشد که جایش در میان ما خالی نیست...»^۱

۲ - شور طلب

پس از ازدیاد محبت، منتظر کسی است که به دنبال یار می‌گردد، نه آنکه گوشه‌ای بنشیند و صبر پیشه سازد. با شور و شوق همه جا را در طلب او جستجو می‌کند. کسی که گمشده‌ای دارد و مدعی عشق و محبت است، آیا از او پذیرفته است که هیچ‌گاه در طلب گمشده‌اش بر نیامده باشد و زمینه را برای ظهورش فراهم نکند.

۳ - چشم به راه

منتظر واقعی کسی است که برای رسیدن یار، لحظه شماری می‌کند یعنی واقعاً چشم به راه است، به او عشق می‌ورزد، با او سخن می‌گوید، او را طلب می‌کند و با چشم‌های نگران و رمق‌دیده به دور دست می‌نگرد، شاید او را ببیند و بیابد. انتظار در ابعاد عاطفی آن یعنی اشتیاق، محبت، شور طلب و چشم به راه بودن - تهیه مقدمات و آمادگی برای عصر ظهور منتظر - همگی مستلزم نوعی توسل و رابطه قلبی با حضرت است.

بنابراین انتظار کشیدن یکی از خصایل بسیار مهم در نیک شهر منتظران است که از مفهوم روان به مقوله عمل و اهل تلاش سوق یافته و طبق معنای واقعی آن انسان را در هر سه محور یاد شده پرورش می‌دهد.

آراستگی به خوبی‌ها و پیراستگی از بدی‌ها

تکلیف دیگری که بر عهدهٔ یک منتظر راستین است، پیرایش و تهذیب نفس از خصایص ناپسند و زینت بخشیدن آن به اخلاق نیکوست.

در روایتی که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده آمده که ایشان می‌فرمایند: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَتَّظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجَدُوا وَانْتَظَرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعَصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ»؛

«هر کس از اینکه جزء یاران قائم علیه السلام باشد شاد و خوشحال می‌شود، باید منتظر باشد و با حال انتظار به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند، پس اگر (در چنین حالی) از دنیا برود و حضرت قائم علیه السلام پس از او ظهور فرمایند، پاداشی همچون پاداش کسانی که ایشان را درک کرده‌اند خواهد داشت، پس بکوشید و در انتظار باشید، گوارایتان باد ای گروه مورد رحمت قرار گرفته.»^۱

عرب، به حریم زمین زراعی و کاشته شده «تقوا» می‌گوید و به چندین متر دورتر از مرز آن زمین که مراقبت کرده تا گوسفندی وارد آن نشود برای اینکه مبادا کم‌کم وارد اصل زمین گردد، «ورع» گوید؛ چوپانی که گوسفندان را در مرز می‌چراند باید ملتفت باشد که گوسفندان وارد زمین دیگران نشوند از این رو مراقب است، تا مانع ورود آنها شود. و به طور مسلم می‌داند که به محض تکان دادن سر و کمی بی‌توجهی، آنها وارد زمین دیگری شده، پس بهتر است که حیواناتش را در فاصلهٔ پنجاه

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۹۲، ح ۱۶، و نیز در: بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

متری از زمین مردم که به آن قُرُق گاه گویند، نگه داشته تا با یک اشاره آنها را بر گرداند.^۱ پس از بیان این تمثیل به این نتیجه می‌رسیم که در دین مبین اسلام یک منطقه ممنوعه داریم و یک منطقه قُرُق. منطقه ممنوع «گناه» است و منطقه قُرُق شده مکروهات و شبهات هستند. دوری از گناه، تقوا و دوری از مکروهات و شبهات را ورع گویند.^۲ برای حفظ خودمان باید به رعایت مستحبات که بازوی واجبات است، پرداخته و به ترک مکروهات، که به دوری از گناه و حرام کمک می‌کند، پردازیم پس هر کس می‌خواهد از یاران امام مهدی علیه السلام باشد علاوه بر ترک گناه می‌بایست از شبهات هم دوری کند.

ترک شبهات عقلی، عرفی (نه برخاسته از وسوسه) بین انسان و امام زمان علیه السلام سنخیت و تشابه ایجاد می‌کند، البته مقامات حضرت بی‌نهایت است و این امر یک درجه از آن است، امام دریای وَرَع و تقواست و ما باید خود را همچون قطره به دریا پیوند دهیم؛ زیرا با این کار رفتار و مکتب امام را الگوی عملی خود قرار داده‌ایم و با امام خود، هم سنخی روحی - رفتاری خواهیم داشت.

نکته دیگری که در این حدیث یافت می‌شود آن است که فرموده‌اند: «وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَع»؛ یعنی اهل ورع، اهل عمل، حرکت و تلاش اند نه اهل در خانه نشستن و با جامعه کاری نداشتن. یاران امام ورع را در همه اعمال خود حتی در محل کارشان هم به همراه دارند.

ویژگی دیگر انسان منتظر - طبق این حدیث - داشتن محاسن اخلاق است؛ یعنی داشتن اخلاق کریمانه‌ای که فطرت بر خوبی آن، شهادت می‌دهد و مورد تمجید

۱. آماده باش یاران امام زمان علیه السلام ص ۷۲، ۷۳.

۲. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۵۴، ح ۲۱۶۱.

انتظار از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام □

ائمه معصوم علیهم السلام بوده است و همه اینها باید در منتظر امام زمان علیه السلام نمودار باشد؛ مثل سه صفتی که در این روایت شریف آمده است که امام جعفر صادق علیه السلام فرموده اند: «سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَةٌ: إِنْصَافُ النَّاسِ... وَمَوَاسَاتِكِ الْأَخ... وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»؛ «سرور خلق های نیکو سه خصلت است: اهل انصاف بودن...، مواسات با برادران دینی و همواره به یاد خدا بودن.»^۱

اولین سید اعمال، انصاف در همه موارد است، چه در گفتار، رفتار، معاملات، روزه روشن شدن با مردم حتی در نگاه کردن در بین افراد اهل انصاف بودن. دومین عمل؛ مواسات با برادران دینی است یعنی؛ رفع گرفتاری های آنان، کمک رساندن به آنها در همه امور.

سومین عمل برجسته، یاد خدا در خلوت و جلوت است؛ یاد باطنی و قلبی خدا در همه حال. اگر این سه خلق بزرگ را در خود به وجود آوردیم، حتماً با امام مرتبط شده و نام ما در زمره یاران و منتظران او ثبت خواهد گشت.^۲ و در همدوشی و همراهی انتظار و ورع، خوش خلقی نیز به عنوان عاملی تعیین کننده در کسب افتخار یاوری قائم علیه السلام به شمار می آید.

امام زمان علیه السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور، همه شیعیان را به انجام اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند در عصر غیبت فرامی خواند و می فرماید: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرَبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَلِيَسْجَنِبُ مَا يَدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَسَخَطِنَا فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتَهُ فُجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمَ عَلَي حَوْبَةٍ».

۱. بخارا الانوار، ج ۶۹، ب ۳۸، ص ۳۸۱، ح ۴۲.

۲. آماده باش یاران امام زمان، ص ۷۵.

«پس هر یک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می شود پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم و ناخشنودی ما می گردد دوری گیرند؛ زیرا فرمان ما به یکباره و ناگهانی فرامی رسد و در آن زمان، توبه و بازگشت سودی ندارد و پشیمانی از گناه، کسی را از کیفر نجات نمی بخشد.»^۱

انسان منتظر که نظر خود را از غیر منتظر برداشته و عشق و مودت امام را در قلب خود جایگزین نموده، همواره در پی کسب رضایت خاطر او و دوری نمودن از حالات و رفتارهایی است که باعث مکدر و آزرده خاطر نمودن او می شود، و باید محبت قلبیش را در عمل و رفتار خود جلوه داده تا مصداق یار واقعی امام و منتظر حقیقی او باشد.

اهمیت تهذیب نفس در فرمایش امام زمان علیه السلام

موضوع تهذیب نفس و دوری از گناهان، به عنوان یکی از وظایف منتظران، آن قدر مهم است که در توفیق^۲ شریفی که از ناحیه مقدسه امام مهدی علیه السلام به مرحوم شیخ مفید رحمته الله صادر شده بی توجهی به این امر را، از جمله اسباب یا تنها سبب

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ب ۳۱، ص ۱۷۶، ح ۷. و نیز: مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۵۹.
 ۲. توفیق در لغت به معنی نشانه گذاردن، امضاء کردن حاکم برنامه و فرمان راه جواب مختصری که کاتب در نوشته به پرسش ها می دهد. دست خط فرمانروا. در اصطلاح علم حدیث معنای پاسخ پرسش ها یا اطلاعاتی است که به صورت کتبی از طرف امام برای آگاهی شیعیان فرستاده شده است چنانکه توضیحاتی از حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است. اما معمولاً توفیق به نامه های حضرت حجت بن الحسن امام زمان علیه السلام گفته می شود که توسط ۴ تن از نابیان خاص ایشان به دست شیعیان می رسد. برگرفته از لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۲۶۵.

طولانی شدن غیبت بر شمرده شده است: «فَمَا يَحِيسَتَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ. پس تنها عاملی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده می‌دارد همانا اعمال ناخوشایندی است که از ایشان به ما می‌رسد و از آنان انتظار نمی‌رود.»^۱

پس فردی که منتظر امام عدالت گستر است باید خود عادل باشد، عدل مقابل ظلم است و از آنجا که ارتکاب معصیت ظلم به نفس است فرد گناهکار برای هر گونه ظلم اجتماعی مستعد و دارای آمادگی روانی است؛ زیرا معمولاً کسی که به حقوق خود احترام نمی‌گذارد، حقوق افراد دیگر هم برایش محترم نیست. اگر حس صیانت نفس، جلودار خوی تجاوزگری انسان نباشد، اهرم‌های کنترل تعدی طلبی نسبت به دیگران کارساز نخواهد بود و چون عدالت فردی و عدالت اجتماعی با هم رابطه تنگاتنگ دارند و نیز عدل فردی مقدمه عدل اجتماعی است پس فردی که در میان قوای نفسانی خود ارکان حیات اخلاق را به وجود آورده آن‌گاه در عصر ظهور؛ یعنی عصر عدل ناب مطلق خود را با شرایط نوین فرهنگ توحیدی مهدوی هماهنگ می‌کند اما در غیر این صورت نمی‌تواند فرهنگ عدالت محور دولت کریمه امام را تحمل کند.^۲

بنابراین، آنکه می‌خواهد در شمار منتظران واقعی باشد، باید عادل، پارسا و متخلق به مکارم اخلاق گردد.

الف) آراستگی به دیانت

منتظر باید متدین بوده و در عصر غیبت با مراقبت‌های بیشتری به این امر اهتمام

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ب ۳۱، ص ۱۷۷، ح ۸ و نیز: مجمع البیان، ج ۲، ص ۶۳، ح ۳۶.

۲. در انتظار ققنوس، ص ۲۷۹.

ورزد و با دوری از انحرافات و لغزش‌ها خود را در خط صحیح تدبیر قرار دهد. امام صادق علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدًا وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ»؛ همانا برای صاحب امر غیبتی طولانی است که در این دوران هر کس باید تقوا پیشه سازد و چنگ در دین خود زند.^۱

در عصر غیبت، علاوه بر رعایت تقوا - که هرگز منفک از عمل به احکام دین نیست - دینداری باید مد نظر منتظر قرار گیرد.

از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است که ایشان می‌فرمایند:

طُوبَى لِّشِيعَتِنَا الْمَتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، الثَّابِتِينَ عَلَيَّ مُوَالَاتِنَا وَالْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا أَوْلَاكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أُمَّةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً وَ طُوبَى لَهُمْ هُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

خوشا به حال شیعیان ما که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان ما چنگ می‌زنند و بر دوستی ما و دشمنی دشمنان ما ثابت می‌مانند، ایشان از ما و ما از ایشان هستیم آنان به امامت ما خشنود و ما به پیروی کردن آنان از ما خرسندیم. خوشا به احوالشان. به خدا سوگند آنان در روز قیامت در مرتبه ما و با ما خواهند بود.^۲

این جایگاه رفیع و مقام بی‌بدیل که حتی فرشتگان هم به آن غبطه می‌خورند مربوط به منتظران واقعی است که چنگ در دین خدا و ولایت ائمه معصوم علیهم السلام زده و در عصر غیبت بر صراط مستقیم ثابت قدم‌اند. بر این اساس می‌توان بیان کرد:

از آنجایی که دوستِ دوست، دوست است و دشمنِ دوست، دشمن و یا

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۳۵، ح ۳۹.

۲. علل الشرائع، ج ۲، ب ۲۳، ص ۴۴، ح ۵.

دوست دشمن، دشمن است و دشمن دشمن، دوست انسان محسوب می‌شود، ولایت و دوستی با دوستان و موالیان امام زمان و عداوت و دشمنی نسبت به دشمنان و مخالفان او یک تکلیف است و یک شیعه منتظر باید دوست مولایش را دوست دارد اگر چه دوست خودش به حساب نیاید و باید از دشمن امامش بی‌زاری جوید گر چه دشمن خودش محسوب نگردد.

یک منتظر حقیقی باید، با بیگانه‌ترین اشخاص، احساس دوستی کند، آنجا که او را در خط امام خود سر نهاده به فرمان او می‌بیند و باید از آشناترین کسان خود، دوری جوید و احساس تنفر نماید. آن زمانی که آنها با امام خود در ستیزند؛ که اگر فردی این اصل مهم را رعایت کرد، افتخار رفاقت با پیامبر را درک می‌کند. چنان که خود آن بزرگوار فرموده‌اند:

طوبی لمن أدرك قائم اهل بیتی و هو یأتم به فی غیبتہ قبل قیامه و یتولی اولیائه و یُعادی أعدائه ذاک من رفقائی و ذوی مودّتی و اکرم امتی علی یوم القیامه، خوشا به حال آن کس که قائم اهل بیت علیهم السلام را درک نماید در حالی که قبل از قیام او در زمان غیبتش پیرو او بوده و دوستانش را دوست داشته و با دشمنانش به دشمنی برخاسته باشد چنین شخصی از رفیقان و همراهان من و مورد محبت و مودت من است و روز قیامت در زمره گرامی‌ترین افراد من محشور می‌شود.^۱

طبق آنچه در حدیث آمده می‌توان فهمید که رعایت اصل ولایت و برائت در اصل دینداری نهفته است و به آراستگی هر چه بیشتر نیکی‌ها در وجود انسان منتظر می‌افزاید.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ب ۱، ص ۷۲، ح ۱۴. و نیز در: علل الشرایع، ج ۱، ب ۲۵، ص ۵۳۵.

ب) آراستگی به بردباری و پایداری

انسان منتظر باید صبور، حلیم و با استقامت باشد؛ زیرا شبهه‌های تردید آفرین، مشکلات فراوان و فشارهای گوناگونی که از سوی مخالفین ولایت بر شیعیان چشم انتظار وارد می‌آید باعث می‌شود خیرت و بی‌پناهی آنها چنان طاقت فرسا و شکننده شود که در این حال برای منحرف شدن، ناامید نگشتن و از انتظار دست برنداشتن، استقامتی همچون کوه و صبری همچون صبر ایوب در وجود منتظر لازم و ضروری است.

لغزیدن و از راه منحرف گشتن، مأیوس شدن و از صف منتظران بیرون رفتن، از مبارزه دست کشیدن و به خیل بی تفاوتان پیوستن، بر ظهور دیده فرو بستن، سرنوشت محتوم غیر صابرين است.^۱

بی‌جهت نیست که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «طوبی للصّابرين فی غیبتہ طوبی للمقیمین علی محبتهم»؛ «خوشا به حال صبرکنندگان در دوران غیبت مهدی خوشا به حال پابرجایان در مقام محبت او».^۲

رسول الله در جای دیگر، دست به دعا برداشته عرض کردند: «اللّٰهُمَّ لَقِّنِي أَخَوَانِي»؛ پروردگارا برادرانم را به من بنمایان. یکی از یاران پیامبر که در جمع حاضر بود گفت: «أَمَا أَخَوَانِكُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟» آیا ما برادران شما نیستیم، ای رسول الله! آن حضرت فرمود: «لا، إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَأَخَوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَلَمْ يَرَوْنِي»، نه، شما اصحاب من هستید و برادران من قومی در آخر الزمان هستید که به من ندیده، ایمان آورند».

۱. انتظار بهار و بازان، ص ۸۵-۸۶ ۲. منابع المودّة، ج ۳، ب ۷۶، ص ۲۵، ح ۲.

سپس سرّ این همه تکریم و تعلیم را در استقامت و صبر منتظران بیان فرموده‌اند: «لأحدهم اشدّ بقية علي دينة من خرط القتاد في الليلة الظلماء أو كالأقباض على جمر الغضا أولئك مصابيح الدجى ينجيهم الله من كل فتنة غيراء مظلمه».

«سختی استقامت هر یک از آنان بر دین خود، بیشتر از سختی کسی است که در شبی ظلمانی بخواهد خاری را با دست خود از جا بکند، یا کسی که بخواهد آتش سوزان چوب درخت را در کف دست نگه دارد، به راستی که آنان چراغ‌های هدایت در شب‌های ظلمانی‌اند.»^۱

دینداری در عصر غیبت همچون نگهداشتن آتش در کف دست است و این امر مستلزم داشتن استقامتی است که کوچکترین لغزشی در آن راه ندارد و چه زیبا حضرت رسول صلی الله علیه و آله، اجر چنین مردمانی را بر شمرده آن‌گاه که خطاب به اصحابش چنین فرموده‌اند: «سیأتی قوم من بعدکم الرجل الواحد منهم له أجر خمسين معکم.»
قالوا: یا رسول الله نحن کنا معک پیدرٍ و احد و حنین و نزل فینا القرآن.
فقال: «انکم لو تحمّلوا لیا حملوا لم تصبروا صبرهم»؛

«پس از شما، کسانی می‌آیند که به هر یک از آنان اجر پنجاه نفر از شما را خواهند داد اصحاب پرسیدند: ای رسول خدا! ما در غزوات بدر، احد، حنین با هم بودیم و درباره ما آیاتی از قرآن کریم نازل شده است، پس چرا به آنان، پنجاه برابر ما ثواب داده می‌شود؟»

حضرت در پاسخ فرمودند: آنان در شرایطی بس دشوار خواهند بود که اگر شما

در آن شرایط به سر برید تحمل و استقامت آنان را نخواهید داشت.»^۱

طبق احادیث یاد شده، حفظ ایمان چه ایمان اعتقادی و چه ایمان عملی در روزگار غیبت و آخرالزمان مشکل است. طولانی شدن عصر غیبت و افزون بر آن فراوانی فتنه‌های آخرالزمان ممکن است شبهه‌هایی در ذهن برخی ایجاد کند و یا شیاطین آشکار و پنهان به سست کردن پایه‌های اعتقادی افراد برخیزند، پس باید در برابر این شبهات مقاوم بود.

وظیفه حوزه‌های دینی در نگهبانی از ایمان

حوزه‌ها و مراکز دینی و علمی، همه باید در برابر تهاجمات و گرفتاری‌های عصر غیبت، پایداری کرده و به رفع آنها بپردازند. این همه تأکید که در احادیث در مورد حفظ ایام آل محمد علیهم‌السلام وارد شده قسمتی از آن، ناظر به بُعد اعتقادی معنوی و تربیتی‌اند و حفظ آنها، حفظ اعتقاد و تربیت دینی است که بر عهده پاسداران مرزهای دین؛ یعنی عالمان و حافظ دین می‌باشد.

اینجاست که نگهبانی از ایمان به نحو احسن انجام خواهد شد؛ زیرا حفظ و گسترش عقاید دینی و بینش صحیح (اعتقادی - عملی) که وسیله تشخیص حق و باطل از هم است، در روزگار نزدیک به ظهور، لازم تر بوده و آنان که دارای عقیده خالص و عمل صالح هستند، در لابلای حوادث پیش از ظهور گم نشده، ذره‌ای تردید و غفلت به خود راه نداده تا اینکه در عصر ظهور همین معتقدان ثابت قدم، جزء یاران امام خواهند بود.^۲

فرد منتظر باید این گونه به حفظ دین و ایمان خود بپردازد تا ستایش امام

۲. خورشید مغرب، ص ۲۷۸.

۱. همان، ب ۲۲، ص ۱۳۰، ح ۲۶.

صادق علیه السلام در زمینه اعتقاد، اخلاص و خردمندی یاران امام مهدی علیه السلام در مورد او نیز صادق باشد آنجا که در کلام صادقانه این امام معصوم علیه السلام دل مؤمن منتظر این گونه وصف شده است.

«رجالٌ كأنَّ قلوبهم زُبُرُ الحديد، لا يشوبها شكٌ في ذاتِ الله أشدُّ من الحَجَرِ لو حَمَلوا على الجبالِ لأزالوها لا يقصدون براياتهم بلدَّةً إلا خربوها كأنَّ على خيولهم العقبان يتمسحون بسرجِ الامام يطلبون بذلك البركة ويحقون به»؛ یاران مهدی، مردانی اند پولاد دل و همه وجودشان یقین به خدا است، سخت تر از صخره‌ها که اگر به کوه‌ها روی آورند، آنها را از جای برکنند، درفش پیروزگر آنها به هر شهر و پایتختی روی نهد آنجا را به سقوط وادار سازد. گویی آن مردان، عقابان تیز چنگال‌اند که بر مرکبها، سوار شده‌اند. این شیر مردان پیروز و عقابان تیز چنگ برای تبرک و فرخندگی دست خویش به زین اسب امام می‌کشند و بدین سان، تبرک می‌طلبند.»^۱

بنابراین، استقامت، مقاومت، اعتقاد قوی و راسخ، وجود یقین، از جمله صفات و وظایف انسان منتظر است که زینت بخش جان و روح والای اوست.

پیوند یا تجدید عهد با مقام ولایت

یکی از وظایف مهمی که هر شیعه منتظر بر عهده دارد، حفظ، تقویت و تعمیق پیوند عاطفی و تجدید عهد و پیمان خود با امام عصر علیه السلام است.

تجدید بیعت با آن حضرت پس از هر نماز (فرائض پنج‌گانه)، در هر روز یا در هر جمعه به تقویت رابطه قلبی انسان منتظر با امام زمان علیه السلام کمک می‌کند، گاهی

۱. بحار الانوار، ج ۵، سوم، ب ۲۶، ص ۳۰۸، ح ۸۲.

اوقات بیعت به معنی هم عهدی و عقد بستن با یکدیگر به کار می‌رود. بیعت کننده ملتزم شده که عهد محکمی با امام بسته او را با جان و مال خود یاری نموده و از یاری و نصرت او دریغ نکند و جان و مال خود را در راه او نثار نماید. بیعت از طریق دوره محقق می‌شود:

راه اول: تصمیم قلبی محکم بر اطاعت امر امام علیه السلام و یاری نمودن او با نثار جان و مال؛ یعنی بدون هیچ تعللی، آنچه را که بدان دل بسته، فدا کند.

راه دوم: ابراز کردن آنچه قصد نموده و دل بر آن نهاده به وسیله زبان است؛ زیرا بیعت و معاهده این گونه انجام می‌شود و اصل ایمان، التزام با دل و زبان به اطاعت فرمان پیغمبر و امام و تسلیم بودن در برابر آنها و یاری نمودنشان می‌باشد.^۱

فرد منتظر باید در این دوران تکلیف خود را نسبت به امام بداند و بیش از پیش متوجه مسئولیت خود شود این موضوع در بسیاری از روایات مورد تأکید است که به ذکر یک نمونه از آن می‌پردازیم:

در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آن حضرت در تفسیر کلام خدای متعال که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.»^۲

می‌فرمایند: «اصبروا علی اداء الفرائض و صابروا عدوکم و رابطوا امامکم المنتظر»؛ «بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنان خود پایداری نمایید و پیوند خود را با امام منتظران مستحکم نمایید.»^۳

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۲-۳۲۵. ۲. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۳. بحار الانوار، ج ۲۴، سوم، ب ۵۷، ص ۲۱۹، ح ۱۴ و نیز: غیبت نعمانی، ب ۱۱، ص ۲۹۰.

پس هر انسان منتظری باید با منتظر خود، رابطه‌ای پایدار داشته و در عین حال از انجام تکالیف شرعی خود، باز نماند.

یکی از راه‌های ایجاد ارتباط دائمی شیعه با مقام عظمای ولایت آن است که هر روز به منظور تجدید عهد و میثاق دعای عهد بخوانند.

حدیثی از امام صادق علیه السلام در این زمینه نقل شده است که ایشان فرموده‌اند: «مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا وَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ وَأَعْطَاهُ بِكُلِّ أَلْفٍ حَسَنَةً وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ»؛ «هر کس چهل بامداد خدا را با این عهد بخواند، از یاوران قائم مآئمه خواهد بود پس اگر پیش از ظهور او از دنیا برود، خدای تعالی او را از قبرش خارج ساخته تا قائم را یاری دهد و خواه به شماره هر کلمه از آن هزار حسنه به او عطا کند و هزار بدی را از او برطرف می‌کند.»^۱

بخشی از این دعا که به عهد با امام مربوط می‌شود عبارت است از:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي لِأَحْوَالِ عَنَّا وَلَا أَزُولُ أَبَداً. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ فِي قِضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَمْرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»؛ «بار خدایا من در بامداد این روز و تمام زندگیم، عهد و عقد و بیعتی را که از آن حضرت برگردن من است با او تجدید می‌کنم که هرگز از آن عهد و بیعت برنگردم

۱. مهج الدعوات ص ۴۵۵. بحار الانوار، ج ۸۶، ب ۴۵، ص ۳۸، ح ۴۷.

و بر آن پایدار بمانم. خدایا مرا از یاران آن حضرت و مدافعان حریم مقدّس او و شتاب کنندگان به سوی او و اطاعت کنندگان از دستورات و نواهی او و از حمایت کنندگان از او و پیشی گیران در انجام اراده او و از شهیدان در رکاب او قرار ده.»^۱

این فراز از دعا نشانگر پیوند ناگسستنی با امام است و اینکه تا پای جان، انسان منتظر مخلصانه به اوامر و نواهی او عمل می‌کند و هرگز تن به معصیت و ذلت نخواهد داد.

اگر همه در جامعه با همدلی و همراهی دست یاری به سوی امام و مولای خود دراز کنند و بر عهد و پیمان خود با ولی خدا ثابت قدم بمانند دیری نخواهد پایید که فرج مولایشان را درک خواهند کرد. در توفیق تشریحی که از امام به دست رسیده چنین آمده است.

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهَمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصَدَقَهَا مِنْهُمْ بِنَا»؛ «اگر شیعیان ما که خدا آنان را در اطاعت خود یاری دهد، در وفای پیمانی که از ایشان گرفته یکدل و مصمم باشند، نعمت لقای ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت و دیدار ما برای آنها با معرفت کامل و راستین نسبت به ما، شامل حال آنان خواهد شد.»^۲

چشم انتظاران و منتظران حقیقی حضرت صاحب الزمان (عجل الله فرجه) علاوه بر دعای عهد، می‌توانند از راه‌های دیگر با امام ارتباطی قلبی معنوی داشته و بیشتر با آن حضرت مانوس باشند از آن جمله دعای ندبه، دعای فرج، اهدای قرائت قرآن به

۱. همان، ص ۴۵۶.

۲. الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۹۰۳؛ بحار الانوار، ج ۵۳، پ ۳۱، ص ۱۷۷، ح ۸.

آن حضرت، زیارت آل یس، نماز امام زمان، زیارت روز جمعه، هدیه ثواب نماز به آن حضرت، استغاثه به آن امام، توسل و طلب شفاعت از خدا به وسیله آن حضرت، حضور در مسجد جمکران، مسجد سهله و...

بصیرت و فهم دینی

منتظر باید تلقی صحیحی از دین اسلام داشته باشد؛ زیرا که دین شناسی در عصر غیبت، بیشتر معنا یافته و انسان به علت کثرت نظریات در مورد دین پژوهی و افزایش روند برداشت‌های ناصواب از دین، باید اسلام ناب را از سر چشمه‌ها و منابع اصلی‌اش دریافت کند.

مطالعه در تاریخ ادیان گذشته نشان می‌دهد که پس از گذشت مدتی این ادیان از خلوص نخستین خود فاصله گرفته و دچار تأویل، تفسیر، حذف و اضافه، تحریف و... شده‌اند. گرچه هرگز تحریف لفظی در مورد قرآن وارد نشده است اما تحریف معنوی همچون کج اندیشی‌ها، تفسیر به رأی‌ها، جعل حدیث، نفوذ فرهنگ‌های بیگانه، تک بعدی دیدن دین، مهجور شدن وحی از زندگی‌ها و... همگی باعث تهدید خلوص اسلام‌اند.

امام مهدی علیه السلام نه تنها یک رهبر عدالت گستر است بلکه یک مصلح بزرگ دینی است که بساط همه بدعت گذاران و دین فروشان را بر هم خواهد پیچید. همچون رسول خدا صلی الله علیه و آله که در آغاز بعثت، مردم بابت‌های سنگی خود رو به روی رسول الله صلی الله علیه و آله ایستادند، در زمان ظهور امام علیه السلام هم عده‌ای با تمسک به آیات الهی، با حضرت مقابله می‌کنند حضرت نیز آنها را درهم خواهد کوبید.^۱

علت اینکه این مقدّس نمایان در برابر حضرت می ایستند به هوا پرستی و عدم تربیت و معرفت اسلامی آنها بر می گردد که در عصر امام علی علیه السلام با عنوان گروه مارقین، ناکثین، قاسطین و خوارج مطرح بودند.

این گروه افراد، در زمان حاکمیت امام زمان علیه السلام، بر حضرت تیغ می کشند؛ زیرا که نه فهم جامع و ژرفی از دین داشته و نه ادب دینی بر خورد با حجت الهی را دارند. امام با دو جبهه داخلی و خارجی وارد جنگ می شود در جبهه داخلی با منتظرانی که می پنداشته اند، امام موعود آن کسی است که آرزوهایشان را برآورده می کند و یا دین پذیرفته شده توسط خودشان را اجرا می کند و در جبهه خارجی با نظام استکبار جهانی مبارزه می کند.

پس بر منتظران واقعی، لازم است که با شناخت نظری - عملی خود به وظیفه خود عمل کنند؛ زیرا که شناخت صحیح عقاید و افکار، موضع گیری ها و اعمال در عصر غیبت از کوشش در عبادات افضل است.^۱

دختر رشید هجری، شیعه معروف می گویند: به پدرم گفتم: ای پدر چه بسیار در عبادت خدا رنج می بری و کوشش می کنی؟ در پاسخ گفت:

دخترم پس از ما مردمی می آیند که بصیرت و شناخت آنها از دین از این رنج ها افضل است.^۲ بنابراین بصیرت و شناخت باعث استقامت و پایداری بیشتر و نیز پیروی همه جانبه از خط ممتد رهبری امام شده و این گونه انسان در حوزه ولایت خدا و امام وارد خواهد شد؛ زیرا که ائمه معصوم علیهم السلام تأکید کرده اند که در روزگار غیبت به آداب و احکام مکتب دینی اسلام عمل کرده تا سرانجام پیشوای نهان گشته ظهور کند. امام جعفر صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «إِذَا كَانَ ذَلِكَ (الزمان)

۱. همان، ص ۲۸۵.

۲. الاختصاص، ص ۷۸.

فتمسکوا بالامر الاول حتى يتبين لكم الاخر اذا اصبحت و أمسيّت يوم لا تری فيه اماماً من آل محمد فأحبّ من كنت تحبّ و أبغض من كنت تبغض و وائل من كنت توالی و انتظروا الفرج صباحاً و مساءً...»؛ «هرگاه زمان غیبت فرارسید به دستورات امامان پیشین جنگ زدید تا امام آخرین شما ظهور کند هرگاه روزی رسید که امامی از آل محمد علیهم السلام در میان خود نداشتید همین امامانی را که دوست می داشتید دوست بدارید و همان کسان (خط باطلی) که دشمن می داشتید، دشمن بدارید، همواره در خط رهبری و ولایت حقه جای داشته باشید و صبح و شام در حالت انتظار (آمادگی) به سر برید.»^۱

پس منتظر راستینی که با اعتقاد، تقید و فهم صحیح از احکام و تعالیم دینی، لحظه به لحظه منتظر ظهور مصلح است شایسته ستایش و وصف زیبای امام زین العابدین علیه السلام خواهد بود، آنجا که می فرمایند: «إنّ اهل زمان غیبت، والقائلون بامامته، والمنتظرون لظهوره أفضل من اهل كل زمان لأنّ الله تعالى ذكره أعطاهم من العقول والافهام والمعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة وجعلهم في ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله بالسيف اولئك المخلصون حقاً وشيعتنا صدقاً والدّعاة الى دين الله سرّاً و جهراً»؛ «مردمانی که در روزگار غیبت به سر می برند و معتقدند و منتظر امام هستند از مردمان همه زمانها افضل اند؛ زیرا که خدای متعال به آنان خرد، فهم و معرفتی داده است که غیبت امام برای آنان مانند حضور است (یعنی با اینکه در عصر غیبت به سر می برند و امام را نمی بینند، از نظر ایمان، تقوی و پایداری، گویی در زمان ظهور به سر می برند و امام خود را می بینند) خدا این مردم را مانند سربازان

پیکارگر اسلام قرار داده است، همانا که در رکاب پیامبر شمشیر می زدند و پیکار می کردند آنانند اخلاص پیشگان حقیقی و شیعیان واقعی که در نهان و عیان مردم را به دین خدا دعوت می کنند»^۱

اصلاح طلبی یا امر به معروف و نهی از منکر

یکی دیگر از تکالیف فرد منتظر گام برداشتن در جهت امر به معروف و نهی از منکر و نیز اصلاح جامعه است؛ زیرا که او منتظر مصلح جهانی است پس باید مصلح باشد یعنی اهل مبارزه با هر گونه فساد سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و... که این امر در قالب قانون امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده است. نتیجه مستقیم انجام این فریضه «اصلاح و اجرا کننده آن «مصلح» گفته می شود و آن قدر، امر به معروف و نهی از منکر که جزء فروع دین یک مسلمان است اهمیت دارد که در آیات قرآن و احادیث ائمه معصومین علیهم السلام از آن یاد شده است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ: شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید، به کار نیکو فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به خدا ایمان دارید.»^۲

امام باقر علیه السلام فرموده اند: «إن الأمر بالمعروف والنهي من المنكر سبيل الانبياء ومنهاج الصالحاء فریضة عظيمة بها تقام الفرائض وتأمين المذاهب وتجل المکاسب وترد المظالم وتعمر الارض وينتصف من الاعداء ويستقيم الامر: بی تردید امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و طریقه صالحان

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۱. همان، ب، ۲۲، ص ۱۲۲، ح ۴.

است امر به معروف و نهی از منکر وظیفه خطیری است که سایر واجبات دینی به واسطه آن انجام می پذیرد، راه‌ها به وسیله آن امنیت می یابد و درآمدها بوسیله آن حلال و مشروع می گردند و مظالم دفع می گردد و زمین آباد می شود و از دشمنان انتقام گرفته می شود و امور سامان می یابد.^۱

امر به معروف و نهی از منکر مانع از نزول عذاب الهی شده و از تسلط اشرار بر جامعه جلوگیری می کند، این اصل مهم در روزگار غیبت دارای دو خصوصیت است:

۱- در سطح فردی: هر انقلابی پس از پیروزی به وجود نیروهای متخصص و قابل اعتماد نیاز دارد. منتظران باید در دوران انتظار عملیات بنیادین کادرسازی که شکل‌های سیاسی هم این کار را می کنند را به منظور استفاده از نیروی عظیم انسانی، برای انقلاب جهانی در درون خود ایجاد کنند که مؤلفه اصلی افراد این کادر پارسایی و آراستگی به مکارم اخلاق است و آنها داعیان به سوی خیر و مانعان ایجاد شر هستند.

۲- در سطح حکومتی: منتظران موظفند با منکرات کلان حکومتی، برخوردی جدی داشته باشند زیرا که اثرات منکرات دستگاه‌های رسمی به مراتب مخرب تر است.

یکی از اساسی‌ترین رسالت‌های منجی موعود علیه السلام برچیدن بساط ظلم و حق‌کشی، و هرگونه حاکمیت غیر الهی است. به پاخواستن مستضعفان در رکاب امام و مواجهه شدن با دشمنان اسلام نیازمند پیش زمینه روانی مساعد است که اگر آنان عمری را در پذیرش سلطه جابران و حزب شیطان سپری کرده باشند، این ضعف

۱. فروع کافی، ج ۵، ص ۵۶، ج ۱.

روحي/در برابر امواج خطرناك آنها را سست می‌کند از این رو، امر و نهی حاکمان و سرمداران دولت‌ها یکی از با ارزش‌ترین عمل فرد مسلمان است.^۱ در این باره پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «أفضل الجهاد كلمة عدل عند امام جائر؛ برترین جهاد، سخن عادلانه‌ای است که در برابر حاکم ستمگری بر زبان جاری شود.»^۲

به نظر می‌رسد سخن عادلانه؛ یعنی گفتاری که بوی امر به معروف و نهی از منکر بدهد، به عنوان برترین جهاد، شمرده شده است که جزء تکالیف منتظر حقیقی که آرزومند ظهور مصلح عدالت‌گستر است می‌باشد. امام باقر علیه السلام نیز در فرمایشی اجر آمران به معروف و ناهیان از منکر را چنین بر شمرده‌اند که: «مَنْ مَشَى إِلَى سُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَمَرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَوَعظَهُ وَخَوَّفَهُ كَأَنَّ لَهُ مِثْلَ أَجْرِ الثَّقَلَيْنِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِثْلَ أَعْمَالِهِمْ: هُرَّكَسٌ بِسُورِ حَاكِمٍ سَتْمَكِرِي رُودًا وَأُورَا بِهٖ تَقْوَايَ إِلَهِي أَمْرٌ نَمُودَةٌ وَمُوعِظَةٌ أَشْ كُنْدٌ وَبِتُرْسَانِدِ خَدَا مَانِدٌ أَجْرُ جِنِّ وَإِنْسٍ وَعِبَادَاتِ إِيْشَانِ رَا بِهٖ وِي عَطَا كُنْد.»^۳

بنابراین، منتظران واقعی که زمینه‌سازان ظهور مصلح بزرگ‌اند، با اقتدا به امامشان که حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد؛ یعنی کسی که صلحایی در اختیار دارد و بزرگترین مصلح به شمار می‌رود اقتدا کرده و مشی مبارزاتی او را علیه جبّاران پیشه خود ساخته‌اند، چرا که آنان مصداق حدیث پیامبرند که می‌فرمایند:

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ مُقْتَدٍ بِهٖ قَبْلَ قِيَامِهِ: خُوشَا بِهٖ حَالِ آن

۱. در انتظار ققنوس، ص ۲۸۶.

۲. اصول کافی ج ۵، ص ۶۰، ح ۱۶ و نیز: کنز العمال، ج ۳، ص ۷۸، ح ۵۵۷۶.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۶۱، و نیز: بحار الانوار، ج ۷۵، ب ۸۲، ص ۳۷۵، ح ۳۰.

کس که قیام کننده اهل بیت من را درک کند و قبل از قیامش به او اقتدا نماید.^۱
شاخص مهم این اقتدا همین امر به معروف و نهی از منکر کردن و تلاش برای
اقامة احکام الهی است.

آماده باش کامل

یکی دیگر از تکالیف واجب بر دوش انسان منتظر، کسب آمادگی است که به
بیانی زیباتر می توان گفت؛ این امری طبیعی است که اگر انسان منتظر مهمان عزیزی
است سعی می کند، فضا و مکان و استقبال کنندگان را در حد امکان با مقام فرد
منتظر، کاملاً همانند و هماهنگ کند و از این رو به منظور زمینه سازی، برای
حکومت مصلح جهانی چند نوع آمادگی لازم است.

۱ - آمادگی فکری: یعنی سطح افکار مردم جهان، آن چنان بالا رود که بدانند
مسأله نژاد یا مناطق مختلف جغرافیایی، مسأله قابل توجهی در زندگی بشر نیست
و تفاوت رنگها، زبانها، سرزمینها، نمی تواند بشر را از هم جدا سازد.

۲ - آمادگی اجتماعی: مردم جهان باید از ظلم و ستم نظامات موجود، خسته
شده و تلخی این زندگی مادی و تک بعدی را احساس کنند و حتی از اینکه ادامه
این راه تک بعدی مشکلات افزون تری را ایجاد نماید مأیوس شده و همه هماهنگ
با هم در رفع نابسامانی ها تلاش نموده تا آمادگی برای یک انقلاب همه جانبه بر
اساس ارزش های واقعی، به وجود آید.^۲

۳ - آمادگی علمی: برخلاف آنچه بعضی می پندارند که رسیدن به مرحله

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۹، ح ۲۵.

۲. حکومت جهانی مهدی، ص ۸۰-۸۳.

تکامل اجتماعی و رسیدن به جهانی آکنده از صلح و عدالت تنها با نابودی تکنولوژی جدید امکان پذیر است و باید گفت، وجود این صنایع پیشرفته نه تنها مزاحم یک حکومت عادلانه جهانی نیست، بلکه شاید بدون آن وصول به چنین هدفی محال باشد. برای ایجاد و کنترل یک نظام جهانی، یک سلسله وسایل مافوق مدرن لازم است نه اینکه باید معجزه‌های بشود، معجزه استثنایی است منطقی، برای اثبات حقانیت یک آیین آسمانی نه برای اداره همیشگی نظام جامعه، بلکه این کار بر محور قوانین طبیعی صورت می‌گیرد.

۴ - آمادگی فردی: حکومت جهانی قبل از هر چیز نیازمند عناصر و افراد آماده و ارزشمند است تا بتواند، بار سنگین اصلاحات وسیع را به دوش بکشد. این امر در درجه اول به بالاترین سطح آگاهی و آمادگی روحی، فکری افراد برای اجرای برنامه عظیم، نیازمند است. منتظر واقعی هرگز درباره چنین برنامه مهمی نقش تماشاگر ندارد.

اگر از یک سو، آمادگی شرط حضور و ظهور باشد و از طرفی دیگر این آمادگی به دست خود انسان صورت گیرد، طبیعی است که انسان می‌تواند در تعجیل فرج و ظهور نقش داشته باشد.

۵ - آمادگی نظامی: یکی دیگر از آمادگی‌های بسیار مهم، آمادگی نظامی است؛ زیرا که منتظر قیام و انقلاب عظیم جهانی، بدون هیچ گونه آمادگی نظامی نمی‌تواند به کمک این انقلاب بشتابد.^۱

منتظر برای حضور فعال در صف پیکارگران حضرت مهدی علیه السلام و قرار گرفتن در بین یاران رکابی امام عصر علیه السلام لازم است دارای آمادگی نظامی و نیروی

سلحشوری باشد، تا به نصرت فرمانده اش بشتابد.

تعلیم و دستوری تابنده از امام صادق علیه السلام در این زمینه برای افرادی که طالب حضور در رکاب حضرت مهدی علیه السلام هستند وارد شده که تکلیفی دیگر برای منتظران محسوب می شود امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند:

«لِیَعْدَنَ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيَّةٍ رَجَوْتَ لَانَ يَنْسِيءُ فِي عَمْرِهِ حَتَّى يَدْرِكَهُ [فَيَكُونُ مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ]؛ هر یک از شما، می بایست برای خروج امام قائم علیه السلام، اسلحه تهیه کند اگرچه یک نیزه، چون وقتی خدا ببیند کسی به تیت یاری مهدی علیه السلام اسلحه تهیه کرده است عمرش را طولانی کند تا ظهور او را درک نماید و از یاران مهدی علیه السلام باشد یا برای این آمادگی به ثواب درک حضور برسد»^۱.

پس باید شیعیان متوجه این امر بوده و بدین وسیله آماده ظهور عدالت گستر و خوار سازنده مستکبران باشند و در هیچ زمانی این امر نباید مورد غفلت واقع شود و آن گونه که از حدیث بر می آید. یاران حضرت مهدی و پیروان صدیق آن حضرت به تهیه اسلحه، امر شده اند و این سفارش آن قدر مهم است که از بین سلاح های مافوق مدرن اگر در دسترس فرد نبود، از تهیه یک نیزه کوچک هم به منظور یاری امام دریغ نکنند؛ چون قصد یاری امام را دارند. پاداش همیاری به آنها داده خواهد شد یا اینکه برای این آمادگی، به پاداش درک حضور برسد. در روایت دیگری که مرحوم کلینی رحمه الله از امام موسی کاظم علیه السلام نقل کرده، چنین آمده است:

«مَنْ أَرْتَبَطَ دَابَّةً مَتَوَقَّعًا بِه أَمْرِنَا وَيَغِيظُ بِه عَدُوَّنَا وَهُوَ مَنْسُوبٌ إِلَيْنَا أَدْرَاهُ اللَّهُ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۷، ص ۳۶۶ و نیز: غیبت نعمانی، ب ۲۱، ص ۴۵۵.

رزقه / و شرح صدره و بلغه امله و کان عوننا علی حوائجه: هر کس اسبی را به انتظار امر ما، نگه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که او منسوب ماست، خدا روزیش را فراخ گرداند و به او شرح صدر عطا کند و او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته هایش یاری کند.^۱

در حدیث فوق از نگه داشتن اسب به منظور یاری امام و برائت و دشمنی با دشمنان دین و به عنوان نمادی از تمهیدات نظامی یاد شده و چون قصد و اراده فرد در جهت خیر و مورد رضای ائمه علیهم السلام است، در قبال آن پاداش الهی شامل حال او شده و خدا او را در دستیابی به خواسته ها یاری می کند و اینکه سخن از خواسته ها گفته شده، منظور همان خواسته های به حق فرد منتظر است که با این قصد و نیت نیکو در نصرت دین الهی گام بر می دارد.

مرحوم کلینی رحمه الله از ابو عبد الله جعفری نقل می کند: حضرت امام باقر علیه السلام به من فرمودند: «کم الرِّباط عندکم؟ قلت، اربعون، قال: لکن رباطنا، رباط الدَّهر و من ارتبط فینا دابة کان له وزنها و وزن و زنها ما کانت عنده و من ارتبط فینا سلاحاً کان له وزنه ما کان عنده» منتهای زمان مرابطه [مرزرداری] نزد شما چند روز است؟ عرضه داشتیم: «چهل روز»

فرمودند: «ولی مرابطه ما، مرابطه ای است که همیشه هست و هر کس درباره ما اسبی را مهیا کند به مقدار دو وزن آن تا مادامی که آن را نگه داشته، برایش ثواب خواهد بود و هر کس سلاحی را برای یاری ما نزد خود مهیا سازد، مادامی که نزد او هست به مقدار وزن آن برایش ثواب خواهد بود.»^۲

۱. اصول کافی ج ۶، ص ۵۲۵ ح ۱. ۲. روضه کافی، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۵۷۶.

مرحوم مجلسی رحمته الله در شرح کلام امام که فرموده‌اند «مراپطة ما مراپطة ای است که همیشه هست» گویند: «يجبُ على الشيعة أن يربطوا أنفسهم على طاعة الامام الحق و انتظار فرجه و تهيؤا دائماً لِتُصْرَتِهِ»؛ «یعنی بر شیعیان واجب است که خود را بر اطاعت امام بر حق و انتظار فرج او آماده کرده و دائماً برای یاری نمودن او مهیا باشند.»^۱ و در شرح فرمایش امام علیه السلام که فرموده‌اند: «به مقدار دو وزن آن...» گویند: «یعنی ثواب صدقه دادن، دو برابر وزن آن، طلا و نقره، هر روز برایش خواهد بود و احتمال دارد که از باب تشبیه معقول به محسوس باشد یعنی؛ برای او دو چندان وزن آن اسب، ثواب خواهد بود.»^۲ در قرآن کریم نیز آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا کنید امید است که رستگار شوید.»^۳

معنای مراپطة

از طریق آشنایی با معنای مراپطة و فضیلت آن، می‌توان هر چه بهتر به شناسایی معارف مربوط به مباحث مهدویت و تکالیف عصر انتظار، پرداخت: معنای آن بدین قرار است.

«مراپطة از «ربط» به معنی «بستن» است و در اصطلاح فقهی یعنی اینکه؛ شخص

۱. روضه کافی، ص ۳۸۲. مجلسی فی کتابه.

۲. روضه کافی، ص ۳۸۲، هذا من قبیل تشبیه المعقول بالمحسوس ای له من الثواب

۳. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰. کمثلی وزن الدابة».

مؤمن در یکی از مراکز نفوذ دشمن، اسب [مركب] خود را نگه داشته، برای حفظ بلاد اسلام و جلوگیری از یورش کفار، که اگر بر مسلمین هجوم کنند، آنها را دفع نماید.^۱

فضیلت مقام مرابطه کننده

در فضیلت مقام و مرتبت مرابطه کننده در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که: «رباط لیلۃ فی سبیل الله خیر من صیام شهر و قیامه و ان مات جری علیه عمله الذی کان یعمله و أجرى علیه رزقه:

یک شب مرابطه کردن [اسب مهیا داشتن] در راه خدا، از اینکه شخص یک ماه، روزها روزه باشد و شبها به عبادت قیام کند، ثوابش بیشتر است، پس هرگاه بمیرد عملی که انجام می داده، بر او جریان خواهد یافت. و روزش بر او جاری، خواهد شد.^۲ [شاید منظور، عالم برزخ باشد.]

بنابراین در می یابیم که یکی از وظایف حتمی منتظران، علاوه بر آمادگی قلبی، آماده باش نظامی است که در احادیث گوهر بار ائمه معصومین علیهم السلام به این امر تصریح شده و علمای شیعه، فقیهان و محدثان در ذیل احادیث پیرامون «مرباطه» بیاناتی میدول داشته اند که به نظریات چند نفر از آنها - در حد گنجایش این کتاب - اشاره می کنیم.

نظر علمای شیعه پیرامون «مرباطه»

شیخ محمد حسن نجفی، در شرح روایت مربوط به «مرباطه» این گونه نظر

۱. اصول کافی ج ۸، ص ۵۸۵.

۲. عوالی اللتالی العزیزیه، ج ۳، باب الجهاد، ص ۱۸۳، و نیز در: الجامع الصحیح، ج ۶، باب فضل الرباط فی سبیل الله، ص ۵۱، و در: جواهر الکلام، ج ۲۱، کتاب الجهاد، ص ۴۰.

داده‌اند: «مربطه» در این روایت به معنای اراده انتظار فرج در تمام ساعات شبانه روز است همچنان که در بعضی از روایات نیز به این معنا، اشاره شده است نه مربوطه مصطلح در فقه.^۱

شاید بتوان گفت که کلام صاحب «جواهر» در نهایت به همان کلام علامه مجلسی بر می‌گردد که فرمود: «مربطه در روایت مزبور به معنای آمادگی و مهیّا بودن برای یاری امام منتظر است. رمز اینکه شیعه باید، هر لحظه آماده یاری امام خود باشد این است که زمان ظهور برای ما مشخص نیست و هر وقت که اراده خدا تعلق گیرد، ممکن است ظهور واقع شود.»^۲

پس بر هر شیعه منتظر، واجب است که هر لحظه مهیای ظهور باشد و نکته جالبی که باید مد نظر باشد، اینکه نحوه آمادگی برای ظهور بستگی به شرایط زمان و مکان دارد و اگر در بعضی از روایات سخن از اسب، نیزه، شمشیر و ... است، بدین معنا نیست که اینها موضوعیت دارند بلکه ذکر اینها به عنوان تمثیل و لزوم آمادگی رزمی برای یاری امام است.

بنابراین تکلیف هر شیعه است که با فرا گرفتن فنون نظامی و رزمی و مسلح نمودن خود به تسلیحات روز، آمادگی خود را برای مقابله با دشمنان آل محمد علیهم السلام ابراز کند.

۱. نجفی، همان، ج ۲۱، کتاب الجهاد، ص ۴۳. «و هو محمول علی ارادة ترقب الفرج ساعة بعد ساعة كما جانت به النصوص لا الرباط المصطلح كما هو واضح».

۲. بحار الانوار، ج ۵۸، ب ۱، ص ۲۶، الرباط: المواظبة علی الأمر و ملازمة شعر العذو و كالمربطة و المربطة أن یربط كل من الفریقین خیولهم فی ثغره و كل معد لصاحبه فسمی المقام فی الشعر رباطاً و عنه قوله تعالی «و صابروا و رابطوا».

الحمد لله در کشور ما به خاطر وجود حاکمیت ولی فقیه جامع شرایط و داشتن دولت و ملت شیعی، این وظیفه خطیر در درجه اول به عهده حکومت اسلامی است، که قوای مسلح کشور آن چنان مجهز و مهیا باشد که هر آن با فرارسیدن امام علیه السلام جزء لشکریان صاحب الزمان قرار گیرند.

ارتباط با مراجع تقلید و فقها

همه ما در عصر غیبت موظفیم که به احکام اسلام، عمل کنیم اما باید بدانیم در زمان خاص خودمان، برای فراگرفتن مستقیم احکام دین و دسترسی نداشتن به امام معصوم تکلیف ما چیست؟ آیا بی مسئولیت و بی تفاوت باشیم یا اینکه با احتیاط عمل کنیم؟

پاسخ به این پرسش مطرح شده، نشانگر وظیفه هر مسلمان به ویژه مشخص شدن تکلیف منتظران است که طبق فرمایش ائمه معصوم علیهم السلام باید به فقیهان جامع شرایط مراجعه کنیم.

امام حسن عسکری علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام، وظیفه منتظران را در عصر غیبت، این چنین ترمیم کرده اند:

«اما هر یک از فقها که نفس خود را بازدارند و دین خود را نگهدارند و هوای نفس خود را پس زنند و اوامر مولای خود را اطاعت کنند، بر مردم لازم است که از او پیروی کنند و تنها بعضی از فقهای شیعه اند که دارای این صفات اند نه همه آنها.»^۱

۱. عاملی، پیشین، ج ۲۷، ب ۱۰، ص ۱۳۱، ح ۲۰: «و اما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً على هواه، مطيعاً لامر مولاه، فللعوام أن يقلدوه و ذلك لا يكون

دین مبین اسلام آن قدر احکام خود را ظریفانه، دقیق و با منطق وضع کرده است که شیعیان را در روزگار غیبت امام معصوم هم رها ننموده، زیرا که با مشخص کردن راه کمال و تداوم آن، اطاعت از هر عالمی را جایز نمی داند بلکه آن عالم عاملی که به تربیت و تهذیب نفس خود پرداخته و در یک کلام عادل است را شایسته تبعیت دانسته است.

غیر از حدیث مذکور، وجود مقدس امام عصر علیه السلام، در یکی از توقیعات شریف خود در پاسخ به اسحاق بن یعقوب این چنین می فرمایند:

«و أمّا الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا فإنهم حجتي عليكم وأنا حجة الله عليهم، واما در رویدادهایی که در آینده پیش می آید به روایان حدیث مراجع کنید زیرا آنها، حجت بر شما هستند و من حجت خدایم بر ایشان.»^۱

البته اینکه ما باید به روایان احادیث اهل بیت علیهم السلام رجوع کنیم، منظور همان فقهای جامع شرایط زمان غیبت هستند و بر هر شیعه منتظر، تکلیف است در این دوران که از دسترسی به امام معصوم، محروم است، مراجع عظام تقلید یعنی مجتهدان جامع شرایط دینی و در رأس آنها ولی مطلقه فقیه را اطاعت کند.

نکوداشت یاد و نام امام عصر علیه السلام

بر انسان مومن لازم است که به تکریم، تعظیم و یاد ائمه علیهم السلام بپردازد، به ویژه امام مهدی علیه السلام که جایگاه و منزلت خاصی دارند، بنابراین لازم است که نسبت به

۱. علل الشرایع، ج ۲، ب ۴۵، ص ۲۳۸، ح ۴. لایبعض فقهاء الشيعة لا كلهم».

تعظیم و یاد ایشان نهایت تلاش و کوشش را به کار گیریم. علل این امر، عبارت است از:

- ۱- امام مهدی علیه السلام، امام عصر ما و حجت حقی و حاضر و ناظر خدایند.
- ۲- آن حضرت، وارث تمام فضایلی اند که در آل محمد علیهم السلام وجود دارد.
- ۳- ایشان احیاگر مکتب اهل بیت علیهم السلام و احیاکننده دین در کل جهان اند.
- ۴- حضرت مهدی علیه السلام دارای جایگاه ویژه‌ای در بین امامان علیهم السلام هستند تا آنجا که امام صادق علیه السلام در پاسخ به کسی که از ایشان می‌پرسند: آیا قائم علیه السلام متولد شده است؟ می‌فرمایند: «لا، ولو ادرکته لخدمته ایتام حیاتی: خیر، اما اگر او را در می‌یافتیم حتماً همه ایتام زندگی ام، به او خدمت می‌کردم.»^۱ به یاد حضرت بودن، که متعاقب بیعت و عهد با امام است، مصادیق مختلفی دارد که به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱- تلاش برای محبوبیت امام: آن که اهل احسان نمودن است محبتش واجب و نیکوست و سزاوار است او را محبوب کرد.
- امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «رحم الله عبداً اجترأ مودة الناس إلینا، فحدثهم بما يعرفون و ترک ما ینکرون: خدا رحمت کند بنده‌ای را که مودت مردم را به سوی ما بکشد و آنان را به معروف قراخواند و آنچه را منکرند، واگذارد.»^۲
- یاد کردن حضرت در جمع مردم، علاوه بر ایجاد رابطه عاطفی و ایجاد محبوبیت به افزایش رابطه‌های معنوی کمک می‌کند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ب ۶، ص ۱۴۸، ح ۲۲، و نیز: غیبت نعمانی، ب ۱۲، ص ۳۵۴، ح ۴۶.
 ۲. الامالی، ص ۱۵۹، ح ۷.

۲- ذکر مناقب و فضایل حضرت: بر شمردن صفات عالی انسانی و کمالات والای امام در محفل مؤمنان، برای اهل زمین و آسمان فخر آور و برای ابلیس عذاب آور است. این مطلب را از فرمایش امام موسی بن جعفر علیه السلام در می یابیم ایشان می فرمایند:

ليس شي انكى لا بليس و جنوده من زيارة الاخوان في الله بعضهم لبعض.
قال: وان المؤمنين يلتقيان فيذكران الله ثم يذكران فضلنا اهل البيت فلا يبقى
على وجه ابليس مضغة لحم إلا تخذد حتى أن روحه لتستغيث من شده ما
يجد من الألم فتحس ملاكة السماء و خزائن الجنان فيلعنونه حتى لا يبقى ملك
مقرب إلا لعنه فيقع خاسئاً حسيراً مدحوراً.

هیچ چیز بر ابلیس و لشکریانش دشوارتر نیست از اینکه برادران ایمانی با یکدیگر دیدار کنند و همانا دو مؤمن با یکدیگر دیدار می کنند، پس خدا را یاد کنند و سپس فضایل ما را یاد آوری نمایند، در این حال گوشت سالمی بر صورت ابلیس باقی نمی ماند. تا جایی که روح پلیدش به التماس می افتد از فرط اینکه درد می کشد. پس فرشتگان آسمان و گنجوران بهشت متوجه می شوند، او را لعنت می کنند تا اینکه هیچ فرشته مقرّبی باقی نماند، مگر اینکه او را لعنت کند، پس زبون و با حسرت می افتد.^۱

پس بر مؤمنان به ویژه بر منتظران حضرت، واجب است که خدا و ائمه را نزد مردم یاد کرده و باعث توجه خلق خدا به کرامات و عنایات ولی نعمت خود کنند؛ زیرا که این امر، به ابراز و اثبات عشق عاشقان ساحت مقدّس آن معصوم نزدیک تر است و حقّ آن حضرت بهتر ادا می شود.

۱. اصول کافی ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، ص ۹۸۸، ح ۷.

۳- اندوهگین بودن از فراق یار: عاشق منتظر امام به خاطر شدت محبت و دوستی با آن ولی خدا، در فراق او محزون بوده و تردیدی نیست که این امر، از مهمترین علل اندوه یاران امام است.

۴- دعوت مردم به سوی حضرت: این امر، جزء واجب‌ترین عبادات بوده و فضیلت آن همچون فضیلت امر به معروف و نهی از منکر بوده که در واقع برابر با هدایت و ارشاد مردم به راه حق است.

بهترین خلاق، پس از ایشان، کسی است که آنان را دوست بدارد و مردم را به سوی ایشان، دعوت کند. پس وظیفه منتظر است که از این امر غافل نشود، در این صورت پاداش کار او این گونه است که در روایت آمده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «لولا من یبقی بعد غیبة قائمکم علیه السلام من العلماء الداعین الیه والدالین علیه، والدائین عن دینه بحجج الله والمنقذین لضعفاء عبادالله من شباک ابلیس ومردته ومن فحاح النواصب لما بقی احد عن دین الله عزوجل ولکنهم الذین یمسکون أزمّة قلوب الضعفاء الشیعة، کما یمسک صاحب السفینة سکنانها، أولئک هم الأفضلون عندالله عزوجل؛ اگر نبودند کسانی از علماء که پس از غیبت قائم علیه السلام به او دعوت کنند و بر او دلالت نمایند و از دین او با دلایل خداوند، دفاع کنند و بندگان ضعیف خدا را، از دام‌های ابلیس، رها سازند و از شبکه‌های ناصین، خلاص نمایند. اگر اینان نبودند، هیچ کس نمی‌ماند مگر اینکه از دین خدا، بر می‌گشت. ولی ایشان هستند که زمام دل‌های شیعیان ضعیف را به دست می‌گیرند همچنان که ناخدای کشتی، سگان آن را در دست دارد. آنان برترین کسان نزد خدای عزوجل اند.»^۱

۱. بحارالانوار، ج ۲، ب ۱۸، ص ۶، ح ۱۲، و نیز: مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۱۵، ح ۱۱.

۵- نکوداشت روزهای منسوب به امام: شیعیان باید در روزهایی مثل اعیاد اسلامی؛ عید فطر، عید قربان، عید غدیر و روز جمعه، شب و روز نیمه شعبان، به طرز ویژه‌ای به یاد امام باشند و با خواندن زیارت آن امام و قرائت ادعیه فرج، عهد، ندبه و... به تجدید پیمان خود با امام عصر علیه السلام پردازند.

دعا برای سلامت و تعجیل در فرج امام عصر علیه السلام

یکی دیگر از وظایفی که بنا بر تصریح حضرت صاحب الامر علیه السلام بر عهده منتظران و عاشقان آن حضرت، نهاده شده دعا برای تعجیل فرج است. و از آن جایی که دعا، عملی عبادی و نوعی خواستن است، برخاسته از مفهوم واقعی انتظار است به همین دلیل جزء تکالیف منتظران می‌باشد.

امام عصر علیه السلام در توقیعی که خطاب به اسحاق بن یعقوب علیه السلام صادر شده می‌فرمایند: «وَأَكثِرُوا الدَّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛ برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید، همانا در آن، گشایش کار شما هست.»^۱

دعا کردن، شرط رهایی از فتنه‌های عصر غیبت و اتمام هرگونه ظلم و فساد است، در این باب به حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام اشاره می‌کنیم که ایشان می‌فرمایند: «وَاللَّهِ لَيُعَيِّنَنَّ غِيْبَةً لَا يَنْجُوا فِيهَا مِنَ التَّهْلُكَةِ، إِلَّا مَنْ يُتَّيَّبَهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَقْفِهِ لِدَعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ»؛

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، باب من توقیعانه، ص ۱۸۸، ح ۱۰، و نیز: مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۴۵، ح ۳۴۴، و نیز: علی یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۲، پنجم، ص ۴۴۱.
- الغیبة طوسی، ص ۲۹۳، ح ۲۴۷، و نیز: غلل الشرایع، ج ۲، باب ۴۵، ص ۲۳۹، ح ۴.

«به خدا سوگند، او غیبی خواهد داشت که در آن، تنها کسانی از هلاکت نجات می‌یابند که خدا آنها را بر قول به امامتش ثابت قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرج موفق نموده است.»^۱

دعا برای تعجیل در فرج

بر منتظران و پیروان صدیق امام فرض است که در دعا کردن کوتاهی نکنند، ممکن است برای برخی این سؤال مطرح شود که امام، از مردم بی‌نیاز و مستغنی است، پس چه نیازی به دعا کردن دارد؟ در پاسخ به این پرسش موارد زیر را می‌توان برشمرد:

- ۱- دعای ما برای آن حضرت، تقدیم هدیه‌ای از شخص فقیر به رادمردی بزرگوار است که نشانگر نیاز شخص فقیر به بخشش آن کریم بزرگوار است؛ در حقیقت این عمل، شیوه‌بندگان نسبت به مولا و اربابشان می‌باشد.
- ۲- از آنجایی که وقت ظهور امام زمان علیه السلام از امور بداییه است - که امکان پس و پیش افتادنش هست - شاید جلو افتادن آن مشروط به جدیت مؤمنان در دعا برای تعجیل فرج آن حضرت باشد.
- ۳- امام علیه السلام نیز در معرض خطرات و غم‌ها قرار دارد که وسایل دفع آنها، از اهل ایمان ساخته است و از مهم‌ترین وسایل دفع گرفتاری‌ها مداومت در دعا کردن و از خدا خواستن است. در روایت آمده است که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «إِنَّ الدَّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ يَنْقُضُهُ كَمَا يَنْقُضُ السَّلَكُ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا؛ به درستی که دعا، قضاء را

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۱۸، ص ۲۴، ح ۱۶.

برمی گرداند و پیچیدگی آن را باز می کند، چنان که رشته نخ اگر چه به سختی تنبیده شده باشد از هم باز شود.^۱

بنابراین، هرگاه مؤمن احتمال دهد امامش او را از جان خود عزیزتر و گرامی تر می داند به گرفتاری، بیماری و... مبتلا شده، کوشش می کند که به وسیله دعا، آن را از او دور کند، همان طور که با وسایل از او دفاع می کند.

۴- فرج و ظهور امام، هدف ارزنده ای است که همواره با موانع فراوانی روبروست و بر ما واجب است که در دفع آنها، همت کنیم و چون این موانع از جانب خود ماست، از طریق دعا کردن، بر طرف نمودن آنها را از خدا می خواهیم.

۵- بی حد و مرز بودن فضل و رحمت الهی از طرفی و نیز ظرفیت پذیرش فیض الهی در وجود امام از طرف دیگر، باعث می شود که هیچ مانعی نباشد تا دعای مؤمنین و لطف و عنایت مخصوص، به حضرت صاحب الزمان علیه السلام برسد؛ زیرا امامان در عین حال که واسطه فیض و هدف آفرینش هستند، از ویژگی های بشری برخوردار بوده و مثل همه مردم برای زندگی ظاهری از عوامل زمین استفاده می کنند.^۲

بنابراین نتیجه دعا کردن و درود فرستادن، هم به خود درود فرستادگان برگشته و هم به درود فرستاده شدگان می رسد، البته نه به خاطر نیاز آنها، بلکه به خاطر وجود قابلیت و شایستگی در وجود آنها؛ زیرا فیض کامل خداوندی به آنها ارزانی شده که مستمر بودن این فیوضات از جمله لوازم قدرت همگانی الهی است.

۶- اگرین فرمان به دعا برای تعجیل فرج و احادیث مربوط به نهی از تعجیل در ظهور، تناقضی احساس شود، علت آن درک نادرست مفهوم شتابی است که از آن

۱. اصول کافی ج ۲، ص ۴۹۶، ح ۱. ۲. مکیال المکارم، ص ۳۴۸-۳۴۹.

نهی نموده است، این شتاب مذموم دو گونه می باشد:

۱- آن شتابی که باعث ناامیدی از ظهور شود؛ زیرا فرد از روی کم صبری می گوید: اگر ظهور شدنی بود، هم اکنون واقع می شد و در صورت افراط در این کار، منکر صاحب الزمان می شود.

۲- آن شتابی که با رضا به حکم الهی منافات دارد، و این گونه درخواست شتاب برای ظهور به گونه ای است که اگر ظهور به عقب افتد، فرد به سمت انکار حکمت آفریدگار، کشیده می شود.

بنابراین آنچه از تعجیل در فرج امام فهمیده می شود، عجله ای ممدوح است که شخص در اولین فرصت امکان، تحقق یافتن امری را بخواهد.

شرایط دعا

دعا کردن به منظور امتثال امر امام، شرایطی دارد که از جمله آنها عبارتند از:

۱- پاکی درون (توبه و رفع موانع استجابت):

وجود مبارک امام زمان علیه السلام نعمت عظمای الهی بر بندگان هستند که به یمن وجود مبارک ایشان و بوسیله محبت و معرفت حضرتش، فیوضات دنیوی و اخروی، به همه عطا می شود، علاوه بر این اداء شکر، وجود پر برکت ایشان، به عنوان ولی نعمت، بر همگان فرض و لازم است.^۱

از طرف دیگر، سلب هر نعمتی به خاطر انجام گناهان است که از طریق توبه

۱. شیوه های یاری امام زمان علیه السلام ص ۱۸۳.

واقعی، آن نعمت به انسان بر می‌گردد، در قرآن آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خدایا، حال قومی را تغییر نمی‌دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند.»^۱

بر این اساس اگر بندگان با استغفار، حال خود را تغییر دهند، عاقبت عمل آنها این است که نعمت عظمای الهی که فرج کلی آل محمد علیهم السلام است، به آنها عطا خواهد شد.

بنابراین، توبه و انقلاب درونی و نیز دوری از اعمال ناپسند که عاملی جهت رفع موانع استجاب دعاست، نقشی اساسی در فرج و ظهور امام دارد، این موضوع را از توفیق مبارک حضرت صاحب الامر می‌فهمیم که حضرتش فرمودند: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَّهِمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ عَلَىٰ اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَا، بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ بِلِقَائِنَا وَلِتَعْجَلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمَشَاهِدَتِنَا عَلَىٰ حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصَدَقَهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نَوْثَرُهُ مِنْهُمْ؛ اگر شیعیان ما که خدا آنها را در اطاعت خود یاری دهد - به عهد و پیمانی که بر عهده آنهاست [یعنی یاری و موالات ما اهل بیت] وفا کنند، به زودی سعادت ملاقات ما با معرفت کامل و راستین روزی آنها خواهد شد و ما را از آنان مستور و پنهان نداشته، جز اعمالی از آنها که نزد ما مکروه است و راضی به آن نیستیم.»^۲

پس معلوم می‌شود که سبب اصلی غیبت آن حضرت، بدی اعمال بندگان بوده و ترک توبه و دعا نکردن برای فرج سبب طولانی شدن زمان غیبت و تأخیر/درامر

۱. سوره رعد، آیه ۱۱.

۲. مجمع البیان، ج ۲، ح ۶۰۲، ج ۳۶۰: بیجار الانوار، ج ۵۲، سوم، پ ۳۱، ص ۱۷، ح ۸.

فرج می‌شود و قوی‌ترین شاهد در این زمینه کلام حضرت مهدی علیه السلام در توفیق شریفشان است که ذکر شد.

۲ - دعای با جماعت: هرگاه همه بندگان خدا هم عهد شده که به درگاه حضرت احدیت توبه و تضرع نموده و تعجیل در فرج آن حضرت را طلب کنند، پس در آن تعجیل خواهد شد و اگر چنین نکنند، در آن تأخیر خواهد گشت؛ زیرا که تعجیل فرج و تأخیر آن جزء امور بدائی^۱ است.

توبه کنندگان از گناه، امیدوار به فضل الهی اند که دعای آنها مقبول و به واسطه آن، زمان فرج یک مرتبه نزدیک شود یا آنکه در زمان طول تأخیر، تخفیف شود به عنوان مثال: اگر در واقع تا صد سال است، پنجاه سال کمتر شود.

پس دعاء عموم مؤمنین، یک وسیله فرج است که به مستجاب شدن دعاهایشان فراهم خواهد شد، شاهدی که در این زمینه از کلام امام معصوم علیه السلام، وجود دارد روایتی است که از زبان امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرتش فرمودند: «هكذا أنتم لو فعلتم لفرج الله عنا فأما إذ لم تكونوا فإن الأمر ينتهي إلى مُنتهاه؛ اگر شماها مانند بنی اسرائیل بر دعا و توبه برای فرج ما اجتماع نکنید، غیبت به طول خواهد انجامید.»^۲

۳ - سایر موارد: علاوه بر موارد یاد شده، عوامل و شرایط دیگری که برای دعاء نمودن جهت تعجیل در فرج امام، نقش دارند به اختصار عبارتند از: دعای برخاسته از دل نه فقط اکتفا کردن به لفظ، خلوص نیت، خشوع قلب و...

۱. امور بدایی اموری است که امکان پس و پیش افتادن در آن است و دعاء باعث وقوع آن در زمان نزدیک‌تر می‌شود.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۳۱، ح ۳۴.

شرایط تسریع در تأثیر دعای فرج

از جمله شرایط تکمیل و سرعت در تأثیر دعای فرج و توبه - چه به صورت دسته جمعی واقع شود یا به صورت انفرادی، و چه دعا و توبه را هر فردی از جانب خود انجام دهد یا از جانب همه مؤمنین - عمل به واجبات و ترک بعضی گناهان به خاطر شدت حرمت آنهاست، علاوه بر توبه، کفاره هم دارد، مانند افطار روزه ماه مبارک رمضان، یا قتل نفس محترمه.

همچنین، در مورد دو معصیت بزرگ که یکی واقعه کربلا و دیگری، زندانی شدن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است. این امر مصداق دارد، زیرا وقوع این دو معصیت عظیم، سبب تأخیر فرج اهل بیت علیهم السلام شد.

بر این اساس بر مؤمنان لازم است که علاوه بر توبه، کفاره هم بدهند، یعنی نسبت به شأن جلیل آن دو امام عالی قدر، آنچه سزاوار است، انجام دهند که کفاره آن، نصرت و یاری این دو عزیز بزرگوار - در آن جهتی که به مصیبت آنها مربوط می شود - می باشد.^۱

بنابراین انسان باید در مقام توبه و دعا برای تعجیل در فرج و نیز نصرت آن دو

بزرگوار به آنها متوسل گردد، که توسل از طریق این سه امر محقق می شود:

اول: زیارت قبور منورشان چه از نزدیک یا از دور.

دوم: اقامه عزای آن دو بزرگوار.

سوم: لعن بر قاتلان و دشمنان آن دو بزرگوار و دشمنی کردن با دشمنان امام.

۱. شیوه های یاری قائم آل محمد، ص ۱۹۰-۱۸۹.

کیفیت دعا برای تعجیل فرج

دعا کردن برای تعجیل فرج می‌بایست با بینش و کیفیت شایسته‌ای همراه باشد. برخی از مواردی که چگونگی دعا کردن را به ما آموزش می‌دهد و از تعالیم اسلامی، بهره‌مند می‌کند عبارتند از:

اول: اینکه انسان با صراحت این امر را از خدای متعال مسألت نماید حال به هر دعایی که در این مورد باشد اشکالی ندارد. به طور مثال: این گونه دعا کند: «اللهم عجل فرج مولانا صاحب الزمان»^۱ و یا «عجل الله تعالی فرجه و ظهوره»^۲

همچنین در قسمتی از دعای عهد از خداوند، تعجیل در فرج امام را این گونه طلب می‌کنیم: «اللهم أرني الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة واكحل ناظري بنظرة مني إليه وعجل فرجه وسهل مخرجه؛ خدایا به من آن چهره زیبا و ارجمند و پیشانی درخشان و نورانی را بنما و سرمه وصال دیدارش را به یک نگاه دیده‌ام بکش و شتاب کن در فرجش و ظهورش را آسان گردان.»^۳

منتظران امام در فراز دیگری از این دعای پر فیض با عبارتی دیگر این خواسته را از خدا طلب می‌کند:

«اللهم عجل لنا ظهوره؛ خدایا تعجیل نما برای ما در ظهورش»^۴.

دعا کردن بر وجه کلی؛ که خدا در فرج آل محمد علیهم‌السلام تعجیل فرماید، به خصوص با ضمیمه صلوات به این نحو: «اللهم صل علی محمد و آل محمد

۱. بار خدایا فرج مولای ما صاحب الزمان را زودتر برسان.

۲. و خدای متعال، که در فرج و ظهور آن حضرت را تعجیل فرما.

۳. مهج الدعوات، ص ۴۵۵، و نیز در: بحار الانوار، ج ۸۶، ب ۴۵، ص ۳۸۵، ح ۴۷.

۴. مفاتیح الجنان.

و عجل فرجهم»^۱ فضیلت مخصوصی دارد که علامه مجلسی در این زمینه حدیثی را روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «من قال بعد صلاة الفجر و بعد صلاة الظهر: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم، لم یمت حتی یدرک القائم من آل محمد؛ هر کس پس از نماز صبح و ظهر این صلوات را بخواند، نمیرد تا قائم آل محمد علیهم السلام را ملازمت کند.»^۲

دوم: اینکه از خدا بخواهد که فرج و گشایش آل محمد علیهم السلام را تعجیل فرماید؛ زیرا گشایش آل محمد علیهم السلام ظهور فرج اوست.

در واقع، آن کسی که برای تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام دعا می کند، مصداق کسی است که به ائمه علیهم السلام ایمان آورده و منتظر دولت و حکومت آنها می باشد. علاوه بر آن والاترین و برترین مرتبه انتظار این است که انسان، فرج امام عصر علیه السلام را به خاطر خود ایشان از خداوند طلب می کند و در انتظار رفع گرفتاری از خود امام می باشد. زیرا هیچ کسی را مستضعف تر و مظلوم تر از اهل بیت علیهم السلام و در این زمان، امام مهدی علیه السلام نمی توان یافت.

در واقع می توان گفت: بزرگی هر ظلمی متناسب با میزان حقی که از مظلوم پایمال می شود، سنجیده می شود هر قدر حق بیشتر و بزرگتری از فرد ضایع شود، ظلم بیشتر و بزرگ تر است. پس آنکه در انتظار فرج مستضعفان است باید متوجه باشد که در رأس همه آنها وجود مقدس امام زمان علیه السلام بوده و اگر فرج ایشان از ناحیه خدا برسد، فرج همه مستضعفان عالم، رسیده است.

۱. خدایا بر محمد در آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

۲. بحار الانوار، ج ۸۶، ب ۳۹، ص ۷۷، ح ۱۱.

بنابراین منتظر فرج امام عصر با توجه به علاقه و محبت شدیدی که به حضرتش دارد، پیش از آنکه به فکر فرج خودش و دیگران باشد، فرج مولایش را انتظار می‌کشد و ظهور ایشان را بیش از هر چیز دیگری به خاطر خلاصی خود ایشان از گرفتاری‌ها و سختی‌های زمان غیبت طلب می‌کند، با اینکه می‌داند، فرج ایشان در حقیقت فرج خود او و همه مؤمنان، بلکه همه انسان‌های مظلوم و بالاترین فرج همه عالم است.^۱

در اهمیت دعا برای تعجیل فرج آل محمد علیهم‌السلام می‌توان به دعایی اشاره کرد که از وجود مقدس حضرت مهدی علیه‌السلام و در تعجیل فرج خودشان نقل شده در این دعا چنین آمده است: «یا نور النور یا مدبّر الأمور... اجعل لی ولشیعتی من الضیق فرجاً و من الهم مخرجاً و أوسع لنا المنهج و أطلق لنا من عندک ما یُفرج و افعَل بنا ما انت اهلُه یا کریم»؛ «ای نور روشنایی و ای تدبیر کننده امور... برای من و شیعیانم گشایشی از تنگناها و راه نجاتی از ناراحتی‌ها قرار بده و راه پیروزی را برای ما وسیع گردان و از جانب خود آنچه فرج ما را برساند بر ما ارزانی دار و در مورد ما انجام ده آنچه را که خود اهل آن هستی ای کریم».^۲

تعبیر «ضیق» به معنای «تنگنا» که در این دعا به کار رفته است، به خوبی، حال امام علیه‌السلام را نشان می‌دهد، به خصوص که ایشان برای خود و شیعیانش از خداوند، خروج از تنگناها و خلاصی از غم و غصه‌ها را خواسته‌اند و این هم اشاره‌ای است به این حقیقت که پدر مهربان امت در گرفتاری‌ها و رنج‌های فرزندان خویش، مغموم و گرفتار می‌شوند.

۱. سلوک منتظران، ص ۱۲۴-۱۲۵. ۲. المصباح، ج ۱، ص ۳۴۹.

سوم: دعاکننده، گشایش امر تمام مؤمنین و اولیاء خدا را بخواهد؛ زیرا گشایش امر امام، فرج اولیای الهی نیز هست.

از آن جایی که امام سرور مؤمنین هستند، با دعا کردن در حق ایشان، نه فقط برای حضرتش خیرخواهی می‌کنیم بلکه برای سایر مؤمنین هم طلب خیر می‌کنیم؛ زیرا با حصول فرج، عامه مردم و نیز اولیای الهی از گرفتاری نجات یافته و برای آنها هم گشایش حاصل خواهد گشت.^۱

در فرازی از زیارت حضرت صاحب الزمان علیه السلام در روز جمعه، به محضر مبارک ایشان چنین عرض ارادت و سلام می‌نماییم: «السلام علیک یا نورالله الذی یهدی به المهتدون و یفرج به عن المؤمنین؛ سلام بر توای نور خدا که هدایت می‌شوند به آن هدایت خواهان و به وسیله او از کار مؤمنان گشایش می‌شود.» یا در فرازی دیگر از این حدیث عشق، چنین آمده است:

«وَالْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ يَدِيكُ؛ گشایش در روز جمعه برای مؤمنین بر دو دست تو است.»^۲

در زیارت (دعای) یاد شده، به طور صریح، از امر فرج و ظهور امام علیه السلام به گشایش امر مؤمنین تعبیر شده است، علاوه بر آن منتظران در دعای مشهور غیبت حضرت مهدی علیه السلام - که به خواندن و مداومت بر آن بسیار تأکید شده - از درگاه باری تعالی این چنین طلب گشایش و رفع اندوه می‌کنند: «اللهم فَأَفْرِجْ ذَلِكْ عَنَّا بِفَتْحِ مَنْكَ تُعَجِّلُهُ وَنَصْرِ مَنْكَ تَعَزُّهُ وَ إِمَامِ عَدْلِ تَظْهِرُهُ؛ خدایا پس بگشا از ما این

۱. در گلستان دعا با باغیان، ص ۲۹۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ب ۹، ص ۲۱۵ و نیز: جمال الأسبوع، ص ۳۷.

اندوه را، به گشایشی از طرف خود که زود بفرستی یاوری از خودت که عزتت دهی و به امام عادل که آشکارش کنی.»^۱

طبق این دعا رفع اندوه و حصول گشایش، با ظهور امام مهدی علیه السلام محقق خواهد شد و به تبع آن، رفع گرفتاری از تمام مؤمنین در سایه سار حکومت عدل حضرت صاحب الزمان، خواهد بود. دعای دیگری که به وسیله آن می توان از خداوند این حاجت را مسألت نمود، دعایی است که امام صادق علیه السلام در صبح روز بیست و یکم ماه رمضان پس از ادای قریضه صبح در سجده خواندند، در این دعا آمده است: «أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَأَنْ تَأْذِنَ لِفَرَجِ مَنْ يُفْرَجُهُ فَرَجٌ أَوْلِيَاءِكَ وَأَصْفِيَاءِكَ مِنْ خَلْقِكَ؛ خدایا از تو می خواهم تا بر محمد و اهل بیت ایشان درود فرستی و اجازه فرمایی برای فرج آنکه فرج همه اولیاء و برگزیدگان تو از آفریدگانت فرج اوست.»^۲

از این حدیث هم می توان استفاده کرد که فرج همه مؤمنان در طول تاریخ نه فقط عصر غیبت امام زمان، به فرج خود امام که با اذن الهی به ظهور ایشان، انجام می شود محقق می گردد.

چهارم: بر دعای معصومین که برای تعجیل فرج ذکر شده است، آمین بگویند؛ زیرا آمین، یعنی مستجاب کن، به این نحو که از خداوند، تعجیل در استجاب آن دعاها را طلب کند به این معنا که خداوند متعال در ظاهر کردن اثر آن دعاها، تعجیل فرماید و معنای آمین هم، در واقع به همین مضمون است.

در حدیث وارد شده است که «الدَّاعِي وَالْمُؤْمِنُ، فِي الْأَجْرِ شَرِيكَانِ، «آمین

۱. مفاتیح الجنان.

۲. بخارا لانوار، ج ۹۸، ب ۷، ص ۱۵۱.

گوینده با دعاکننده، شریک است.»^۱ و واضح است که شرکت در دعاهای جلیله اولیاء الله اگر برای کسی میسر شود مشمول «فذلك فضل الله يؤتیه من یشاء»^۲ خواهد بود.

پنجم: از خدا بخواهد دعای هر کسی که دعای گوی تعجیل فرج است را مستجاب گرداند؛ در اینکه فرد دعا می‌کند تا خداوند دعای آنهایی را که سعی در دعا گویی آن حضرت و ظهورش می‌کنند مستجاب کرده و از خدا بخواهد که آنها را یاری فرموده و در این امر موفق شوند؛ چون یاری اهل صلاح است و یاری و اعانت به حضرت هم خواهد بود و هر عملی از اعمال خوب و حسنات انجام دهند، به این وسیله شریک در عمل آنها و از اهل آن عمل محسوب خواهد شد.^۳

ششم: درخواست از خدا به منظور آماده شدن مقدمات ظهور و رفع موانع آن، این نوع درخواست را با عبارات میثاق نامه بسیار زیبا و دلنشین دعای عهد که منقول از امام صادق علیه السلام است - می‌توان از حضرت احدیت، طلب نمود. در فرازی از آن آمده است: «اللهم - عجل فرجه و سهل مخرجه و أوسع منهجه و اسلك بی محجته و أنفذ أمره و اشدد أزره و اعمر اللهم به بلادک و أحي به عبادک؛ خدایا در فرجش شتاب کن و ظهورش را آسان گردان و راهش را توسعه ده و مرا به راه او سلوک ده و امر او را نافذ و پشت او را محکم گردان و به وسیله او شهرها را آباد

۱. مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۴۰، ح ۵۷۷۵. عن علی علیه السلام قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «الداعی والمؤمن، فی الأجر شریکان».

۲. سوره مائده، آیه ۵۴: «این فضل خداست آن را به هر که بخواهد می‌دهد».

۳. شیوه‌های یاری قائم آل محمد، ص ۸۰.

ساز و بندگانت را به او زنده کن»^۱.

هفتم: دعا برای رفع موانع ظهور: برای درخواست این حاجت از محضر ربوبی می‌توان با دعای زیبایی که در مفاتیح الجنان با عنوان «دعا برای امام زمان» آمده آن را از خدا طلب نمود. فرازی از آن چنین است: «اللهم اشعب به الصدع وارثق به الفتق وأمت به الجور وأظهر به العدل... وانصره بالرعب و... ودمدم من نصب له ودمر من غشه واقتل به جبابرة الكفر وعمده ودعائمه واقصم به رؤس الضلالة وشارعة البدع وممیتة السنه ومقویة الباطل وذلّل به الجبارین وأبر به الكافرین؛ خدایا تفرقه و پریشانی را بر طرف ساز و جدایی‌ها و رخنه‌ها را به ظهور او التیام بخش و ستم را به او بمیران و عدل را به او آشکار کن... و با رعب و ترس [در دل دشمنانش] یاریش فرما... و هر که با او ستیزد به هلاکت رسان و هر کس با او دورنگی نماید نابود کن، و به [دست قدرتمند] او جباران کفر پیشه و استوانه‌ها و سران و پایه‌های آنها را بکش و سران گمراهی و بدعت‌گذاران و میراندگان سنت به باطل را در هم شکن و ستمگران جبار را ذلیل گردان و کافران را برانداز.»^۲

در این دعا، رفع موانع ظهور از خداوند خواسته شده و در قالب این جملات آن موانعی که با ظهور امام زمان مرتفع می‌شود، نام برده شده است.

هشتم: دعا برای آمرزش گناهان: برای توضیح این مورد، می‌توان به دعای پر

۱. مهج الدعوات، ص ۴۵۵ و نیز: بحار الانوار، ج ۸۶، ب ۴۵، ص ۳۸۵، ح ۱۷.
 ۲. بحار الانوار، ج ۹۵، ب ۱۵، ص ۳۳۱، ح ۴، و نیز مصباح المتهجد، ص ۲۶۷ و نیز: جمال الاسبوع، ص ۳۰۸.

سوز و گداز ندبه اشاره کرد، منتظر در فرازی از آن از خدا می‌خواهد: «اللهم وأقم به الحق... وذنوبنا به مغفوره وُدُعَاءَنَا به مستجابا، خدایا به پادار به وسیله او حق را و... به واسطه او گناهان ما را آمرزیده و دعای ما را مستجاب ساز.»^۱

نهم: دعا برای رفع عقوبت و اثر متأخر گناهان: هرگاه مؤمنی برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام دعا کند، همین امر سبب می‌شود، تا بلا و عقوبت از اهل زمین دفع شود و شاهد این مطلب احادیث متعددی است که به یک مورد اشاره می‌شود: امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «یاتی علی الناس زمانٌ یغیب عنهم إمامهم فیاطوبی للثابتین علی أمرنا فی ذلک الزمان، إنَّ أدنی ما یكون لهم من الثواب أن ینادیهم الباری، جلّ جلاله، فیقول عبادی وإمائی آمنتم بسری و صدقتم بغیبی فأبشروا بحسن الثواب منی، فأنتم عبادی وإمائی حقاً، منکم أتقبل و عنکم أعفو و لکم أغفر و بکم أسقی عبادی الغیث و أرفع عنهم البلاء و لو لاکم لأنزلت علیهم عذابی؛ زمانی بر مردم خواهد رسید که امام آنها از ایشان غایب است ای خوشا به حال آنان که بر امر ما پایدار بمانند، در آن زمان کمترین چیزی از ثواب که به آنها رسد، این است که خدای متعال به آنها ندا کند، بندگان من و کنیزان من به سر من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید پس بشارت باد شما را به ثواب نیک از من، شما بندگان و کنیزان حقیقی که از شما قبول می‌کنم و از شما در می‌گذرم و شما را می‌آمرزم و شما بندگانم را از باران سیراب می‌گردانم و بلا را از آنها دفع می‌نمایم. اگر شما نبودید بلا را بر آنها نازل می‌کردم.»^۲

۱. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۱۰.

۲. بخارا الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵. و نیز: علل الشرایع، ج ۱، ب ۲۲، ص ۶۰۲.

دهم: دعا برای نابودی دشمنان حضرت: این خواسته را می توان با عبارات زیبای «دعا در زمان غیبت امام زمان» - که طبق سفارش سید بن طاووس خواندن این دعا را در عصر غیبت نباید مهمل گذاشت - می توان از خدا طلب نمود. در قرآزی از این دعای پر عظمت، چنین آمده است: «اللهم عجل فرجه و أیده بالنصر و النصر ناصریه و اخذل خاذلیه و دمدم علی من نصب له و کذب به و أظهر به الحق و أمیت به الجور؛ بار خدایا فرجش را زودتر برسان و به یاریت او را تأیید فرمای و یارانش را یاری ده و مخالفانش را خوار و ذلیل گردان و کسانی که با او به ستیز برخیزند و تکذیبش کنند نابود گردان و حق را به او آشکار کن و جور و ظلم را به دست او نابود ساز.»^۱

امام عصر علیه السلام برای تعجیل فرج خودشان، در یکی از دعاها ی قنوت نماز خود از دل آتشین و سوز انتظار خود، این گونه حکایت کرده و این چنین از خداوند نابودی دشمنان را طلب می کند: «اللهم... قلت: «فلما آسفونا انتقمنا منهم.» و إنَّ الغایة عندنا قد تناهت و إنا لفضیک غاضبون و إنا علی نصر الحق متعاصبون و إلی ورود أمرک مشتاقون و لأنجاز و عدک مُرتقبون و لحلول و عیدک بأعدائک متوقعون؛ خدایا تو فرمودی: پس آن گاه که ما را آسناک ساختند، ما از ایشان انتقام گرفتیم.^۲ به راستی که مهلت و فرصت (برای ظالمان و جباران) نزد ما به سر آمده و ما برای خشم تو خشمگین هستیم و ما بر یاری حق هم عقیده هستیم و به صدور فرمانت مشتاقیم و در انتظار تحقق وعدهات هستیم و چشم به راه فرارسیدن تهدیدهایت نسبت به دشمنانت هستیم.»^۳

۱. غیبت نعمانی، ب ۱۰، ص ۲۴۳، ح ۶، و نیز: تفسیر قمی، ج ۲، ب ۳۳، ص ۱۸، ح ۲۴،

و نیز: مهج الدعوات، ص ۳۱۷، ۲. سوره زخرف، آیه ۵۵.

۳. مهج الدعوات، ص ۶۹.

اینکه حضرت در دعا عرضه داشته‌اند که مهلت ظالمان از نظر ایشان پایان یافته، معنایش این نیست که خدای نا کرده خواسته باشد در کار خدا پیش از صدور فرمان او، شتاب بورزند یا اینکه از قضای الهی در مورد غیبت خویش اعلام عدم رضایت کند، هیچ مؤمنی چنین اشتباه بزرگی را مرتکب نمی‌شود چه رسد به امامی که مظهر ایمان کامل و بنده بی نظیر خدا می‌باشد؛ زیرا که ایشان بیشترین و کامل‌ترین درجه تسلیم و رضا را نسبت به خواست خدا و امر او دارند.^۱

این جمله حضرت در حقیقت حال خود ایشان و زبان شکایت - البته همراه با رضایت - از دردهایی است که ایشان در این زمان دارند، وقتی به خدای خویش عرضه می‌دارند که فرصت از نظر ما تمام شده است، می‌خواهند ناراحتی خود - البته به خاطر خدا و رضای او بیان کنند. در ادامه عرضه داشته‌اند که: خشم ایشان، خشم خداست و در عین حال، مشتاقانه منتظر صدور فرمان الهی برای ظهور خود هستند؛ زیرا که با ظهور ایشان دشمنان اسلام نابود شده و انتقام الهی از آنان گرفته خواهد شد. یازدهم: دعا برای کوتاهی دست ستمگران، در دعای شریف ندبه، از مهدی منتظر علیه السلام به عنوان ریشه کن کننده ستمگران نام برده شده است. البته در آن فرازی از دعا که منتظر عاشق و دلسوخته امام به محضر مولایش استغاثه می‌کند و او را این چنین خطاب می‌کند: «أین المنتظر لإقامة الأمة والعوج، أین المرتجى لإزالة الجور والعدوان... أین قاصم شوكة المعتدين، أین هادم أبنية الشرك والنفاق، أین مبيد أهل الفسوق والطغيان، أین حاصد فروع الغي والشقاق... أین مبيد العتادة والمردة، أین مستأصل أهل العناد والتضليل والإلحاد»؛ «کجاست آن

منتظر برای راست کردن کجی و نادرستی؟ کجاست آن جایگاه امید برای برانداختن ستم و بیدادگری؟ کجاست درهم شکننده شوکت متجاوزین و ستمکاران؟ کجاست ویران کننده بنیادهای شرک و نفاق؟ کجاست نابود کننده اهل فسق و گناه و سرکشان و ظالمان؟ کجاست درو کننده شاخه‌های گمراهی و نهال دشمنی؟ کجاست نابود کننده سرکشان و مستمرّان؟ کجاست برکننده ریشه اهل عناد و گمراه کنندگان و بی‌دینان؟»^۱

داعی در این فقره از دعای ندبه علت گریه‌های خویش را بیان کرده از همان ابتدای کلام با استفاده از کلمه استفهامی «این... به معنای کجاست - که در قالب ندبه می‌باشد، مقصود و منظور خود را مطرح کرده و گریه او گریه‌ای است بر فقدان این عزیز بزرگوار، علاوه بر آن خشم و نفرت خود را علیه ستمگران و غاصبان و تجاوزگران به حقوق ائمه بزرگوار نشان می‌دهد.

دعا کننده در این فقرات، به دنبال گم شده اصلی خود - که موضوع اصلی دعای ندبه است می‌باشد، منتظر روزی است که او به امر الهی ظهور نموده و ریشه ستمکاری را برکند و تعجیل فرج او را از خدا درخواست می‌کند.

دوازدهم: دعا برای گسترش عدالت، دعا برای تعجیل فرج امام عادل که مصلح کل جهان هستی است و آرزوی عدالت گستری به دست او در ذهن همه منتظران پرورانده می‌شود. در زیارت حضرت صاحب الامر از امام مهدی علیه السلام به عنوان ظاهر کننده عدل یاد شده و فرج هر چه سریع‌تر او را از خدا طلب می‌کنیم:

«اللهم... واملأ به الارض عدلاً وأظهر به دين نبيك؛ خدایا پرکن به وسیله او زمین را از عدل و آشکار نما به وسیله او دین پیغمبرت را».^۱

«اللهم وأمت به الجور وأظهر به العدل؛ خدایا به وسیله او بیدادگری را از میان بردار و عدالت را به او پدید آور».^۲

«اللهم و... حتى تُتبر بعذله ظلم و الجور و تطفى نيران الكفر و توضح به معاهد الحق و مجهول العدل»؛ «خداوند... و تا این که به وسیله عدلش بیدادگری را از بین ببری و آتش کفر را خاموش گردانی و به وسیله او مشکلات حق و مجهولات عدالت را روشن ساز».^۳

سیزدهم: دعا به منظور حصول خوشی در عصر ظهور: با فرج و ظهور امام زمان علیه السلام دولت کریمانه آن حضرت بر کل جهان تسلط می یابد و از این روزمینه تمام خوشی ها فراهم می گردد. در دعای پرفیض افتتاح که در شب های ماه مبارک رمضان از نفس پاک روزه داران به محضر الهی صاعد می شود، رغبت و انتظار برای این دولت کریمه در جملات این دعا مطرح شده و این دولت با ویژگی های مخصوص خودش از خداوند طلب می شود. در فرازی از این دعا آمده:

«اللهم إنا نرغبُ إليك في دولةٍ كريمه تُعزُّ بها الإسلام وأهله وتذلُّ بها النفاقَ وأهله وتجعلنا فيها من الدعاة إلى طاعته والقادة إلى سبيلك وترزُقنا بها كرامة الدنيا والآخرة»؛ خدایا به راستی ما آرزو مندیم به سویت در دولت جوانمردانه، که گرانبمایه گردانی به وسیله آن اسلام و مردم مسلمان را و بدان

۲. مصباح المجتهد، ص ۴۰۹.

۱. مصباح المجتهد، ص ۴۰۶.

۳. مصباح المجتهد، ص ۴۱۰.

نفاق و اهلش را خوار گردانی و ما را در آن از دعوت کنندگان به سوی فرمانبریت و راهبرانی به سوی دینت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را بدان روزی ماکن».^۱

چهاردهم: دعاکننده از خدا بخواهد، اجر عباداتش را تعجیل در ظهور قرار دهد، به عبارتی دیگر آن کسی که آرزومند قرار گرفتن در زمره یاران امام زمان علیه السلام است و در انتظار حکومت صالحانه او به سر می برد با تمام رفتار و اعمال صالح خود سعی می کند تا مدد رسان مصلح عدالت گستر باشد؛ زیرا با این کار خود، به ظهور هر چه سریع تر امام یاری می رساند.

پانزدهم: توفیق دعا کردن همه برای تعجیل فرج، دعاکننده باید از خداوند مسئلت نماید که به جمیع مؤمنین، توفیق این دعا (و حتی توبه کردن) را مرحمت فرماید که از دعاگویی آن حضرت، غفلت نمایند؛ این امر به نوعی یاری و نصرت امام است. منتظران و عاشقان امام، در فرازی از دعای ندبه از محضر الهی درخواست خود را این گونه مطرح می کنند: «اللهم... وأعننا علی تأدیة حقوقه إلیه والاجتهاد فی طاعته»؛ «خدایا... یاری کن ما را بر ادا کردن حقوقش به سوی آن و کوشش در اطاعت کردنش».^۲

یکی از مصادیق اطاعت کردن امام، امتثال و فرمانبری از ایشان در جهت کثرت دعا برای تعجیل فرجشان می باشد. یعنی عمل کردن به فرمایش امام که فرموده اند: «واکثروا الدعاء بتعجیل الفرج، برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید».^۳

از آن جایی که دعاهای مستجاب، دعای مؤمن در حق برادران ایمانی است که در غیاب آنها برای آنان دعا نماید پس این دعا در حق آنها، حتماً مستجاب است، به

۲. تفسیر قمی، ص ۸۹۰

۱. مصباح المجتهد، ص ۵۸۱.

۳. کمال الدین، ص ۴۸۵.

دلیل آنکه مؤمن دعاکننده، زبانش را به منزله زبان سایر مؤمنان قرار می‌دهد که در حق آنها از گناه پاک است.

پس هر مؤمنی که توفیق دعا نمودن همگان برای تعجیل فرج را از خدا بخواهد، علاوه بر اینکه دعای او مستجاب است، خود را در زمره یاران و منتظران واقعی حضرت مهدی علیه السلام قرار داده است.

شانزدهم: دعا برای پیروزی دین حق، دعا کردن به این منظور، در بسیاری از دعاها با الفاظ و عبارات تقریباً مشابهی آمده است که از آن جمله، دعای افتتاح است: «اللهم أظهر به دینک و سنّة نبیک حتی لا یتخفی بشیء من الحقّ مخافة احد من الخلق؛ خدایا آشکار کن به وسیله او دینت را و آیین و روش پیامبرت را تا اینکه پوشیده نماند چیزی از حق از ترس یکی از آفریدگانت.»^۱

دیگر آنکه در صلوات بر ولی امر منتظر این گونه آمده است: «اللهم وانصره و انتصر به لدینک و انصر به اولیائک و اولیائه و شیعتہ و انصاره؛ خدایا او را یاری کن و به وسیله او دینت را یاری نما و به وسیله او دوستانت و دوستان او را و شیعیان و یاورانش را یاری کن.»^۲

هفدهم: دعا به منظور انتقام گرفتن خدا از دشمنان و ظالمان آل محمد علیهم السلام یکی از اهداف و غرض‌های اشتیاق به فرج حضرت و انتظار ظهور، علاوه بر ظهور دین مبین الهی و غلبه آن بر همه ادیان، ظهور امر اولیاء معصومین علیهم السلام و خذلان جمیع دشمنان و انتقام از ظالمین آنها می‌باشد.

در دعای مشهور زمان غیبت امام زمان آمده است: «اللهم إنا نستلک أن تأذن

۱. تفسیر قمی، ص ۲۹۵.

۲. همان، ص ۹۲۸.

لولیکم فی اظهار عدلک فی عبادک و قتل أعدائک فی بلادک... و ازمهم یا رب
 بحجرک الدامغ و اضربهم بسیفک القاطع و بأسک الذی لاتردّه عن القوم
 المجرمین؛ خدایا از تو می خواهیم که اجازه دهی به ولایت برای آشکار کردن عدالت
 در میان بتدگانت و کشتن دشمنانت در شهرهای خودت و سنگ بارانشان کن به سنگ
 کوبندهات و بزنی آنها را با شمشیر برآنت و با کیفر و انتقام سخت که آن را از مردم
 بدکار، بازمان نگردانی».^۱

هجدهم: درخواست از خدا که درود و رحمت و بیژة خودش را بر آن حضرت
 بفرستد که با آن فرج آسان و زودتر شود. در دعای ندبه علاوه بر درود فرستان به آن
 حضرت از خداوند ظهورش و اقامه حق را می طلبیم: اللهم... وصلّ علیه صلوة
 لاغایة لعددها و لانهایة لمددها و لانفاد لأمدھا، خدایا درود فرست بر او درودی
 که شماره اش بی حد و مدتش بی نهایت و تمام نشدنی باشد.

«اللهم و اقم به الحق و ادحض به الباطل، خدایا به وسیله آن حضرت حق را
 به پادار و باطل را به او نابود گردان.»^۲

نوزدهم: دعا برای تعجیل در رفع محنت از چهره امام و دوری هم و غم از قلب
 آن حضرت ﷺ: «أنت یا ربّ الذی تکشف الضّرّ و تجیب المضرّ إذا دعاک
 و تنجی من الكرب العظیم، فاکشف الضّرّ عن ولیک؛ تو ای پروردگار من، کسی
 هستی که مصیبت و بد حالی را رفع می کنی و انسان به اضطرار رسیده را آن گاه که تو
 را بخواند اجابت می کنی و از گرفتاری و اندوه رهایی می بخشی پس ناراحتی
 و پریشان حالی را از ولی خودت رفع کن.»^۳

۲. تفسیر قمی، ص ۸۹۰

۱. تفسیر قمی، ص ۹۷۹

۳. تفسیر قمی، ص ۹۸۰

«ضر» در زبان عربی به مصیبت و بد حالی بدنی و روحی اطلاق شده و هر گونه زیان و خسارت روحی و پریشان حالی مصداق آن است. در این دعا از خدا می‌خواهیم که این «سوء حالی» را از امام زمان دور گرداند و ایشان را با اذن ظهورشان خوشحال فرماید.

این آموزه‌ای است که اهل معرفت را به بالاترین سطح انتظار فرج امامشان می‌رساند، در واقع کسی که امامش را از خودش بیشتر دوست دارد، پیش از آنکه انتظار رفع گرفتاری‌های خود را داشته باشد، چشم انتظار فرج ایشان است و در گرفتاری‌ها از اینکه امامش ناراحت می‌شود رنج می‌برد.

بر همین اساس، دوستدار واقعی امام زمان علیه السلام در گرفتاری‌های شخصی‌اش بیشتر به خاطر مولایش ناراحت می‌شود. تا برای خودش. برای او تحمل رنج امام در گرفتاری‌های شیعیان، از رنجی که خودش در گرفتاری‌هایش می‌برد، سخت‌تر و سنگین‌تر است پس در همه مصیبت‌ها چه آنکه مربوط به خودش است و چه آنکه به سایر مؤمنان و حتی سایر مخلوقات مربوط می‌شود، بیش از هر چیز، غم و غصه‌های امام زمانش او را غمگین و ناراحت می‌کند و از همین جهت، انتظار فرج و گشایش امامش از انتظار فرج دیگران، برایش مهم‌تر است و هم و غم خود را مصروف به این مطلب می‌گرداند، البته فرج ایشان فرج همه عالمیان است اما نیت انتظار فرجش بالاترین و خالص‌ترین نیتهاست. از این رو، دعاگوی امام بوده و از محضر الهی، تعجیل فرج را درخواست می‌کند.

بیستم: دعا برای خونخواهی امام حسین علیه السلام با تعجیل در فرج، در روز عاشورا

که روز خروج حضرت صاحب الامر علیه السلام برای جهاد و قتل دشمنان به ویژه برای

خونخواهی حضرت اباعبدالله علیه السلام و همه مظلومان کربلاست و این دعای مخصوص با فضیلت، بسیار وارد شده که در آن روز خوانده شود که جملات زیادی از فقرات شریفه آن مشتمل است بر دعا و طلب فرج اهل بیت اطهار علیهم السلام و طلب هلاک و خذلان دشمنانشان بر آن وجهی که در وقت ظهور قائمشان، وعده داده شده، بلکه همه آن دعای شریف مبتنی بر همین مطلب است.

پس لازم است که شیعیان در آن روز، کمال اهتمام را در حال جزع و حزن و ندبه در مصیبت حضرت اباعبدالله علیه السلام داشته و فرج اهل بیت اطهار علیهم السلام را با ظهور حضرت قائم علیه السلام طلب نمایند، از طریق به این دعا یا ادعیه دیگری که برای فرج وارد شده یا به مضمون آنها، که به زبان خود دعاکننده، جاری شود که این دعای شریف به خصوص در چنین روزی، علاوه بر فضایل فراوان، نصرت و یاری نسبت به امام حسین علیه السلام خواهد بود. در فرازی از دعای مذکور، چنین آمده است: «اللهم فرج عن اهل محمد صلی الله علیه و آله أجمعین و استنقذهم من أیدی المنافقین و الکفار.» : خدایا در اهل بیت محمد فرج حاصل نما و همه آل او را از دست منافقان و کافران نجات بده...»

در فرازی دیگر آمده: «اللهم... اهدنا لایمان و عجل فرجنا بالقائم.»
 خدایا ما را به سوی ایمان هدایت کن و فرج ما را با تعجیل در ظهور قائم برسان.»
 علاوه بر این دعا، زیارت عاشورا به عنوان پر فضیلت ترین اقسام دعا است به وسیله آن به حضرت حسین بن علی علیه السلام می توان متوسل شد و با یادآوری احوال مظلومی حضرتش در حال تضرع از خدا، خواسته ای که مرتبط با ظهور حضرت

مهدی علیه السلام است می توان از محضر ربوبی طلب کرد؛ زیرا که از این طریق (ظهور امام زمان) انتقام سالار شهیدان و شهدای کربلا گرفته می شود.

«أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلْبَ ثَارِي كَمْ مَعَ إِمَامٍ هَدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ؛ از خدا می خواهم که خونخواهی شما با امام مهدی، رهبر و راهنمای ظاهر و گویای به حق که از خاندان شماست، روزی ام کند».^۱

پس از بیان تمام این موارد و ادعیه گنجانده شده در آنها می توان با تلاوت سایر دعاها و دعاها مربوط به امام زمان در زمره یاران حضرت محسوب شده و به فیض کامل نصرت و یاری ایشان فائز شویم. بر همه منتظران لازم است در طول شبانه روز و در اوقات نماز و زمان های سفارش شده، دعا برای تعجیل فرج را فراموش نکرده حتی آن را مقدم بر حوائج و دعاها و شخصی خود بدانند.

نتایج دعا برای تعجیل فرج

دعا کردن برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام دارای فواید و نتایجی است که ابتدا به اختصار به چندین مورد اشاره کرده سپس به شرح چند مورد خاص می پردازیم. این نتایج عبارتند از: اطاعت از فرمایش حضرت ولی عصر، اظهار محبت قلبی، نشانه انتظار، اداء اجر رسالت زودتر واقع شدن امر فرج، رفع عقوبت از اهل زمین، برخورداری از ثواب احسان به حضرت صاحب الزمان، ثواب شهید شدن در زیر پرچم حضرت مهدی علیه السلام، دفع بلا، دعای حضرت مهدی در حق دعا

۱. تفسیر قمی، ص ۷۵۲.

کنند، برتری دعای هنگام غیبت بر دعای هنگام ظهور، رستگاری به شفاعت حضرت زهرا علیها السلام و نیز سایر موارد که نویسنده کتاب مکیال المکارم آن موارد را تا نود مورد نام برده است.^۱

۱- اطاعت از فرمایش حضرت ولی عصر علیه السلام.

در توفیق شریفی که از آن حضرت روایت شده چنین آمده است: «واكثر والدعاء بتعجيل الفرج فإن ذلك فرجکم؛ و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که همان فرج شما است.»^۲

با دقت در این فرمایش، تردیدی نمی ماند که منظور از فرج، فرج آن حضرت است این که فرج خود مردم در جمله همان فرج است. یکی از چند احتمال، مد نظر می باشد.

احتمال اول: اینکه منظور؛ فرج خود حضرت می باشد و علت امر به دعا کردن برای فرج این است، حضرت تأکید می کنند فرج شماها بستگی به ظهور من دارد. نزدیک بودن اسم اشاره (ذکر = همان) به کلمه فرج مؤید این احتمال است، دیگر اینکه روایاتی داریم که بیانگر این نکته است که فرج آن حضرت برای اولیاء خدا، با فرج حاصل می گردد.

احتمال دوم: علت اینکه منظور از فرج آن حضرت است اینکه فرمودند: بسیار دعا کنید.

احتمال سوم: اینکه کلمه همان «یعنی آن دعا، فرج شما است؛ یعنی با دعا کردن برای تعجیل فرج و ظهور من، فرج شما حاصل می شود.»^۳

۱. مکیال المکارم، ص ۳۸۴-۳۵۱. ۲. بخارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰.

۳. مکیال المکارم، ص ۳۵۶.

احتمال چهارم: اینکه منظور، بیان اثر بسیار دعا کردن است، یعنی با بسیار دعا کردن برای تعجیل فرج و ظهور من فرج شما حاصل می‌گردد. آنچه تا کنون مطرح شد احتمالاتی است که از این حدیث فهمیده می‌شود، سایر حقایق و واقعیت‌های این امر که به نحوی با این حدیث مرتبط است، نیز وجود دارد که از گنجایش بحث ما خارج است.

معنای حاصل شدن فرج برای دعا کننده

حاصل شدن فرج برای دعا کننده، به یکی از این چند جهت است.

- ۱- اینکه به آرزوهای دنیایی و خواسته‌های مختلفی که در راه آنها تلاش می‌کند، به برکت این دعا خواهد رسید، زیرا این دعا، وسیله هر گونه خیر و صلاح است.
- ۲- دیگر اینکه خدا به برکت این دعا به جای امیدی که دارد، از او هم و غم را دور می‌سازد و حاجتش را بر می‌آورد؛ زیرا کمک به مظلوم سبب یاری خدا به کمک کننده است. در واقع، خداوند متعال، صبر و استقامت در سختی‌ها و محنت‌ها را به او عنایت فرموده و در ترسیدن به مقصد شکیبایی را به او عطا کرده و دشواری‌ها را برای او آسان می‌گرداند. همان طوری که آهن را برای داوود نرم کرد.^۱

تمام این حرف‌ها بر فرض آن است که حکمت الهی بر آن نباشد که فرج کلی واقع شود و حضرت صاحب الامر ظهور کند، که اگر آن فرج واقع شود، مقصود نهایی و منظور اصلی تحقق یافته است.

تعجیل در امر فرج صاحب الزمان علیه السلام

مداومت در دعا برای تعجیل فرج حضرت ولی عصر علیه السلام با شرایط آن، به قدر امکان، سبب می شود که این امر زودتر واقع شود و ظهور زودتر تحقق یابد. حدیثی که به این موضوع اشاره می کند، فرمایش امام صادق علیه السلام است که فرموده اند: «قال ابی عبدالله: فلما طال علی بنی اسرائیل العذاب ضجّوا و بکوا إلی الله أربعین صباحاً فأوحی الله إلی موسی و هارون یخلصهم من فرعون. فحطّ عنهم سبعین و مائة سنة. فقال: ابو عبدالله: هكذا أنتم لو فعلتم لفرّج الله عنا فأما إذ لم تكونوا فإن الأمر ینتهی إلی منتهاه.»

«هنگامی که فشارها و شکنجه ها بر بنی اسرائیل طول کشید چهل صبح به درگاه خدا، ضجه و گریه کردند، خدا به موسی و هارون وحی فرمود که آنها را از فرعون خلاص نمایند، پس صد و هفتاد سال را از آنها برداشت. هم چنین شما اگر انجام دهید هر آینه، خدا بر ما فرج خواهد داد، ولی اگر چنین نباشید، البته این امر تا آخرین مرحله را طی خواهد کرد.»^۱

ظهور، قابل تقدیم و تأخیر است

ظهور حضرت مهدی علیه السلام از اموری می باشد که قابل تقدیم و تأخیر است یعنی به سبب بعضی از اسباب، پیش یا پس می شود. یکی از این اسباب که زمینه جلو افتادنش را فراهم می سازد، اهتمام مؤمنین در دعا برای تعجیل ظهور و فرج است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۳۱، ح ۳۴.

چه بسا، کسی که علم کافی نسبت به این موضوع ندارد، این امر را قبول نکنند و از اینکه به سبب اهتمام در دعا، ظهور و فرج حاصل می شود، تعجب کند و این طور به نظرش رسد که اگر چنین بود، می بایست تا کنون فرج واقع می شد، چون اهل ایمان در هر زمان و مکان برای این امر بسیار دعا کرده و می کنند.

نظر یاد شده قابل قبول نبوده و هیچ بعید نیست که برای ظهور آن حضرت در علم خداوند، دو وقت باشد که یکی نزدیک تر از دیگری است و ظهور آن حضرت در وقت نزدیکتر به اهتمام مؤمنین در امر دعا بستگی دارد. در واقع معنای بدائیه بودن امر ظهور، همین است که قابلیت جلو و عقب شدن را دارد. و آن وقت نزدیک تر تا کنون نرسیده پس انکار تأثیر دعا، خیلی مردود است که هم قرآن به طور صریح بر آن دلالت دارد و هم در احادیث اهل بیت علیهم السلام به این موضوع اشاره شده است.

ثواب شهادت در رکاب رسول خدا

ویا زیر پرچم حضرت قائم علیه السلام

دلیل این دو مکرمت یاد شده دو روایتی است که از امام جعفر صادق علیه السلام منقول

است ایشان می فرمایند:

۱- «مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ:

ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً. ثُمَّ قَالَ: لَا بَلَّ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ ثُمَّ قَالَ: لَا وَاللَّهِ إِلَّا كَمَنْ

استشهد مع رسول الله، آنکه از شما بمیرد و او منتظر امر فرج باشد، مانند کسی است

که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه اش باشد، سپس لحظه ای مکث کردند و فرمودند: نه بلکه همچون کسی است که در رکاب او با شمشیرش بجنگد. سپس فرمودند: نه به خدا قسم مثل کسی است که در رکاب رسول خدا شهید شده باشد.^۱

حدیث یاد شده حکایت از مقام منتظر و رسیدن به مراتب والا دارد که یکی از آن این است که منتظر حقیقی آن قدر ارج و قرب نزد ولی عصر علیه السلام پیدا می کند که جایگاهش در خیمه اختصاصی امام خواهد بود. و همان طور که از این روایت بر می آید، حتی مثل شهید در رکاب رسول خداست. در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام علو مرتبت منتظر واقعی چنین مطرح شده است:

«مَنْ آمَنَ بِنَا وَ صَدَّقَ حَدِيثَنَا وَ انْتَظَرَنَا كَمَا كَمَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَايَةِ الْقَائِمِ بِلِ وَاللَّهِ تَحْتَ رَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ؛ هر که به ما ایمان آورد و حدیث ما را تصدیق کرد و به انتظار دوران ما نشست، مانند کسی است که زیر پرچم قائم علیه السلام کشته شود، بلکه به خدا سوگند، زیر پرچم رسول الله.»^۲

براین اساس اگر فردی با نیت پاک برای تعجیل در ظهور مولا حضرت ولی عصر علیه السلام دعا کند و نصرت حضرتش را بر دشمنان خواستار باشد و نیز علاوه بر آن از اقدامات لازم در این زمینه غافل نشود، مصداق عناوین یاد شده است؛ به این معنا که او در حال آماده باش کامل است تا دستور فرمانده صادر شده را اطاعت کند و خود را از فیض شهادت در رکاب رسول خدا و یا زیر پرچم رسول الله و یا پرچم حضرت قائم علیه السلام محروم نکند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۶، ح ۱۸۱.

۲. همان، ج ۲۷، ب ۳، ص ۱۳۸، ح ۱۴۱.

حسن ختام

همه مواردی که با عنوان تکالیف منتظران بر سطور این کتاب نقش بست، تنها شمه‌ای از وظیفه ما در قبال آن منتظر موعود است به عبارتی دیگر کسی که دلباخته آن وجود نازنین است در پی اداء حقوق محضر عزیز و بزرگوارش می‌باشد و با رعایت کردن تمام تکالیف، ثبات قدم خود را در راه و آیین امام و مقتدایش ثابت کرده تا در نهایت در زمره شهیدان در رکاب امام قرار گیرد.

سرانجام انتظار

یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان غم‌مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان، غم‌مخور^۱

سرانجام، دوران انتظار و نهان بودن آخرین منجی، به سر می‌رسد و به زودی سپیدی صبح بر سیاهی شب چیره خواهد گشت و آن زمان دور نیست. این انسان است که با انتخاب خود و فراهم آوردن زمینه ظهور با تلاش مستمر و رفتارهای شایسته‌ی خود، می‌تواند بر پا مانده و خود را با این حرکت منظم هستی هماهنگ کرده و در فرجام نیک آفرینش سهیم باشد.

پیروزی حتمی سپیدی بر سیاهی

این درس قرآن است که «اگر حق آمد، باطل نابود شدنی است»^۲ در واقع، باطل

۱. حافظ.

۲. سوره اسراء، آیه ۸۱.

زمینه‌های فساد و نابودی را در نهان خود دارد. به این دلیل که اگر کسی خلاف قوانین و سنت‌های حاکم بر هستی پیش برود، ناچار در معرض زوال است.

«جمله زیر» جای تأمل و تدبّر فراوان دارد:

«چه قدر امروز به سپیده فردا نزدیک است.»^۱

این جمله امیدبخش، از زبان مهربانی در تاریخ ثبت شده که رنج نسل‌ها را از گذشته‌های دور دیده، برای آن برنامه ریزی کرده، و در نگاه و عمل، همه آنها را منظور داشته است، آن نگاه مهربان علی علیه السلام است که چنین زیبا، پایان تاریخ را به تصویر می‌کشد. سرچشمه عشق علی علیه السلام محبت خالق هستی است.

بنابراین، تسلط نهایی با حاکمیت حق و عدالت است زیرا که فطرت آدمی بر اساس حق پرستی سرشته شده و از طریق ظلم ستیزی، دولت پایدار امام مهدی علیه السلام در عالم فراگیر شده و در نهایت سپیدی بر سیاهی پیروز می‌گردد. به امید آن روز.

۱. تهج البلاغه، پیشین، خ ۱۵۰، ص ۲۷۴: «ما أقرب الیوم من تباشیر غد»

نتیجه

راهکارها و پیشنهادهای

پس از مباحث انتظار و مفهوم راستین آن، در این مبحث لازم است به منظور ترویج فرهنگ مهدویت، به ارائه راهکارهایی که برخاسته از بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای موجود جامعه و جهان و نیز اتخاذ راهبردهای مناسب در این زمینه است بپردازیم:

۱- ایجاد مرکزی آموزشی، پژوهشی و تبلیغی با مدیریتی واحد و شورایی متشکل از نماینده مقام معظم رهبری، نخبگان و فرهیختگان، برخی از مدیران نظام که به گونه‌ای با این موضوع مرتبط‌اند (وزارت ارشاد، حوزه عملیه، سازمان تبلیغات، صدا و سیما، نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها، امور مساجد، عقیدتی سپاه و ارتش و...)؛ که همه این مؤسسات می‌توانند با مرکزیت واحد و همکاری همدیگر در جهت گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در داخل و خارج کشور، تلاش کنند. علاوه بر آن بهتر است این موارد در رأس اقدامات دستگاه‌های زیربند قرار گیرد:

الف- بسیج افراد و نهادهای جامعه و استفاده از تمامی ظرفیتهای امکانات، ابزارهای موجود (سخنرانی، مداحی، کتب، مطبوعات، ادبیات، هنر و مسابقه و پروژه‌های تحقیقاتی جهت تبیین فرهنگ مهدویت و انتظار راستین).

ب - پاسخ به نیازهای فکری و اعتقادی گروه‌های مختلف جامعه به ویژه نسل جوان و دانشگاهیان.

ج - پاسخگویی به شبهات و مقابله با افکار و تبلیغات انحرافی و خرافاتی درباره مهدویت و انتظار.

د - تربیت متخصصان و مبلغان ورزیده به منظور تصحیح و تقویت پایه‌های فکری و عقیدتی جامعه.

ه - شناسایی، سازماندهی و اطلاع‌رسانی نهادها و افرادی که در مقوله مهدویت، تلاش می‌کنند.

۲ - ایجاد دانشکده‌های مستقل با گرایش‌های تخصصی مباحث مهدویت در برخی از رشته‌های مناسب دانشگاهی و تأسیس مراکز آموزشی تخصصی در حوزه‌های خواهران و برادران.

۳ - جذب و تربیت مربیان مهدویت از میان طلاب، دانشجویان و معلمان در دوره‌های آموزشی ویژه یا بلند مدت جهت اداره جلسات محلی و سخنرانی در سطح دبیرستانها، مساجد و مهدیه‌های مراکز مورد نیاز.

۴ - فعال کردن صدا و سیما در رابطه با فرهنگ مهدویت و تهیه برنامه‌های آموزشی علمی (به صورت مستمر با استفاده از اساتید با نحوه بیان عالی، گیرا و جذاب) و در سطح هنری (فیلم، نمایش نامه) جهت پخش در سطح داخل و خارج.

۵ - اولویت بخشیدن به کارهای فرهنگی ویژه حضرت در تمامی مراکز و نهادهای فرهنگی و اماکنی که متعلق به آن حضرت است.

۶ - تشویق و حمایت از کارهای ادبی و هنری ویژه حضرت (داستان، شعر، فیلم داستانی و مستند، نمایش نامه، طراحی، نقاشی و سرود).

۷- راه اندازی شبکه‌های اینترنتی فعال و فراوان و مرتبط با مؤسسات علمی پژوهشی ویژه حضرت در داخل و خارج.

۸- برپایی همایش‌ها و نشست‌های علمی در سطح داخلی و خارجی.

۹- حمایت از تشکل‌های مردمی که در جهت گسترش فرهنگ مهدویت تلاش

می‌کنند.

۱۰- ترویج و احیای هر چه بیشتر دعای تدبیه، در مساجد و مهدیه‌ها به شکل مناسب.

۱۱- بررسی کارشناسانه کتب درسی، حوزوی، دانشگاهی و اصلاح آنها در

زمینه فرهنگ مهدویت و عصر انتظار.

۱۲- برقراری جلسات هفتگی یا ماهیانه در سطح شهرها و محله‌ها به وسیله

مربیان و مبلغان ویژه آن حضرت.

۱۳- تهیه مجلات و کتب ویژه حضرت برای سطوح مختلف به خصوص نسل جوان.

۱۴- ترجمه کتب و مقالات مناسب در فرهنگ مهدویت از فارسی به عربی.

۱۵- برگزاری همایش‌های برترین‌های مهدویت (کتاب، مجله، مقاله، فیلم،

نمایش نامه، طراحی، نقاشی، خطاطی، سرود و...).

۱۶- ایجاد کتابخانه‌های مستقل فرهنگ مهدویت یا اختصاص بخشی از

کتابخانه‌ها به کتاب‌های ویژه آن حضرت.

۱۷- ایجاد مرکزی جهت پاسخگویی به سؤالات و شبهات مهدویت و انتظار

(مکتوب و شفاهی).

۱۸- غنی سازی و جهت دهی به اشعار و مداحی در مورد آن حضرت.

- ۱۹- به اقتراح گذاشتن برخی مباحث مهم و اساسی در مقوله مهدویت در سطح خارجی و داخلی و اعطای جوایز ویژه.
- ۲۰- برگزاری مسابقات کتابخوانی در سطوح مختلف جامعه.
- ۲۱- ایجاد کانون‌هایی با نام پیشنهادی «انتظار» در حوزه‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس، مساجد و مراکز عقیدتی، علاوه بر تمام این راهکارهای مطرح شده، در عرصه‌های دیگری هم می‌توان عمل کرد:

عرصه‌های پژوهش:

الف) کلامی - اعتقادی:

- ۱- ولایت (مفهوم، مبنا و اقسام و...) و امامت (اهمیت، دلایل عقلی و نقلی، مبانی، ویژگیها، شئون راه انتخاب، شبهات و...) به عنوان یکی از مهم‌ترین مبانی اعتقادی در مقوله مهدویت.
- ۲- اصالت مهدویت و انتظار. (ادیان و مهدویت).
- ۳- مهدویت از نگاه آیات و روایات.
- ۴- بررسی تفاوت دیدگاه اهل تشیع و تسنن در مقوله مهدویت (مهدی نوعی یا شخصی و اثبات دیدگاه تشیع).
- ۵- ویژگی‌ها و امتیازات امام مهدی علیه السلام نسبت به سایر معصومین علیهم السلام.
- ۶- علت و حکمت غیبت امام مهدی و فلسفه وجود دوران انتظار.
- ۷- آثار و فواید وجودی حکومت در عصر غیبت (بررسی دیدگاه‌های فلسفی، عرفانی و روایی و فعالیت‌ها و نوع رابطه و برکات و عنایات حضرت.

- ۸- امکان رؤیت حضرت (آیا بر درخواست رؤیت حضرت مستندی هست).
 - ۹- وظایف و مسئولیت‌های شیعیان منتظر در عصر انتظار یا دوران غیبت.
 - ۱۰- انتظار (مفهوم، ریشه‌ها، آثار، آداب).
 - ۱۱- زمینه‌ها، علایم و شرایط حضور.
 - ۱۲- آینده جهان و فرجام انسان.
 - ۱۳- آداب توسل، زیارت و ارتباط معنوی با حضرت.
 - ۱۴- مهدویت و مسائل کلامی نوظهور (قرائت‌های مختلف از دین، سکولاریسم، پلورالیسم، انتظار از دین، مدرنیته).
- (ب) تاریخی (تحلیلی، نقلی):
- ۱- شخصیت حضرت (ولایت، امامت، غیبت صغری، غیبت کبری).
 - ۲- بررسی اقدام منتظر (قبل و بعد از ظهور منتظر از منظر تاریخ و قرآن به همراه درس‌ها و عبرت‌ها: (یهود در انتظار موسی و پیامبر اسلام).
 - ۳- بررسی مقوله انتظار و مهدویت از نگاه فلسفه تاریخ.
 - ۴- بررسی اماکن و مقام‌های زیارتی منتسب به مهدی منتظر در ایران و سایر جاهای دیگر.
 - ۵- کرامات حضرت مهدی علیه السلام در عصر انتظار و یا در دوران گذشته.
- (ج) روان‌شناختی، تربیتی و اخلاقی اعتقاد به مهدی علیه السلام:
- ۱- بررسی آثار روان‌شناختی، تربیتی و اخلاقی اعتقاد به امام زنده (با آن اوصاف و شئون مخصوص) که بر رفتار انسان‌ها و جوامع نظارت دارد و نجوا و ارتباط قلبی، توسل، استغاثه و معاشقه به آن حضرت در همه جا ممکن است.

- ۲- مبانی تربیتی و اخلاقی در حکومت حضرت مهدی علیه السلام.
- ۳- نقش انتظار در روان، تربیت و انسان منتظر.
- ۴- بررسی نقش و وظایف نهادهای تربیتی (خانواده، مدرسه، دانشگاه) درباره حضرت و انتظار ایشان.
- ۵- سیمای منتظران و ترسیم الگوی انسان منتظر.
- ۶- ویژگی‌ها و صفات یاران امام مهدی علیه السلام و راه رسیدن به آنها.
- ۷- آسیب‌شناسی روان‌شناختی، تربیتی و اخلاقی مهدویت و نیز انتظار مهدی موعود بر اساس دیدگاه‌های نادرست.
- ۸- آسیب‌شناسی تربیت دینی در عصر غیبت.
- ۹- بررسی روش‌های مناسب جهت ایجاد انس و علاقه در کودکان، نوجوانان و جوانان نسبت به ساحت مقدس حضرت.
- ۱۰- تبیین معنا و مفهوم درست و صحیح از انتظار (مبنی بر امید، تلاش، اهل عمل بودن و...)

(د) سیاسی، اجتماعی:

- الف) طرح مباحثی در مورد غیبت همچون سیره حضرت در عصر غیبت:
- ۱- مسئولیت‌های امام، شیعیان و مسئولین جهان در تحقق حکومت عدل جهانی امام مهدی علیه السلام.
- ۲- نقش حضرت در حراست از شیعیان (نامه به شیخ مفید، شیعیان بحرین، حمایت از انقلاب اسلامی ایران).
- ۳- حکومت حضرت، احتیاج به چه زمینه‌ها و یاران و تشکیلات و مراحل دارد.

که باید در عصر انتظار و یا به عبارتی دیگر در دوران غیبت فراهم شود؟ این نیازها چگونه و به وسیله چه کسانی باید فراهم شود؟

۴- وضعیت شیعه در عصر انتظار.

۵- ولایت فقیه، زمینه ساز حکومت جهانی مهدی.

۶- بررسی نقش و وظایف نهادهای اجتماعی و حکومتی پیرامون مقوله انتظار و مهدویت.

۷- نقش انتظار در اندیشه سیاسی شیعه پس از غیبت و به حرکت و داشتن و رهایی ملت مسلمان از یوغ ستمگران.

۸- ابعاد و شیوه‌های مبارزاتی دشمنان در رابطه با مقوله مهدویت و انتظار ایشان در عصر معاصر.

۹- حکم قیام و انقلاب پیش از ظهور.

۱۰- روش‌های مبارزاتی شیعیان در جوامع.

۱۱- رسالت انقلاب اسلامی ایران در فراهم ساختن زمینه‌های ظهور.

۱۲- نقش ایرانیان، مصری‌ها، لبنانی‌ها و عراقی‌ها در ظهور حضرت (از منظر روایات).

۱۳- ترسیم حقیقت جامعه منتظر و مؤلفه‌های آن و تبیین شرایط رشد و گسترش آن.

۱۴- نقش جوانان و بانوان در ظهور حضرت از منظر روایات.

۱۵- نوع رابطه تشکیلاتی در عصر غیبت.

۱۶- موانع قیام حضرت در عصر غیبت.

۱۷- شناسایی زمینه‌های ظهور حضرت در جهان معاصر.

- ۱۸- بررسی ویژگی‌های حکومت مهدوی و صفات کارگزاران او جهت الگو دهی به کارگزاران حکومت‌های دینی در عصر غیبت.
- ۱۹- حکومت حضرت، الگوی حکومت‌های دینی در عصر غیبت.
- ۲۰- ارتباط عاشورا و انتظار امام حسین و امام مهدی علیهم السلام.
- ۲۱- دشواری‌های حفظ دین از منظر روایات و آسیب‌شناسی آن در عصر غیبت.
- ۲۲- روش‌های تبلیغ فرهنگ مهدویت و انتظار در جامعه و جهان معاصر.
- ۲۳- معرفی، نقد و بررسی عملکرد گروه‌ها و اشخاص فعال در رابطه با حضرت مهدی علیهم السلام (انجمن حجّتیہ و...).

ب) عصر ظهور:

- مباحثی مربوط به دوران ظهور حضرت است که طرح آنها به عنوان راهکار، پیشنهاد می‌شود:
- ۱- حکومت جهانی حضرت (ضرورت، امکان، شکل، ساختار، مبانی، ویژگی‌ها و...).
- ۲- ترسیمی روشن از حکومت جهانی حضرت.
- ۳- نقش دین و قوانین الهی در حکومت جهانی مهدوی.
- ۴- علل و عوامل پیروزی حضرت و فروپاشی قدرت‌های استکباری در هنگام قیام امام مهدی علیهم السلام.
- ۵- جایگاه حکومت حضرت در دهکده جهانی، نظام نوین، و دنیای ارتباطات.
- ۶- توسعه و مشارکت سیاسی، تمرکز قوا، قدرت، جامعه مدنی، خشونت و مدارا و... در نظام سیاسی مهدوی.

۷- شاخصه‌ها و صفات مدیران و کارگزاران در حکومت حضرت.

۸- تفاوت مدینه فاضله اسلامی با دیگر مدینه‌های فاضله.

۹- نوع رابطه تشکیلاتی و ولایی عصر ظهور.

۱۰- مسیح و مهدی علیه السلام.

۱۱- مهدی علیه السلام و یهود.

۱۲- بررسی علل و عوامل مخالفت و روی گردانی برخی از کسانی که خود را

منتظر حضرت مهدی علیه السلام معرفی می‌نمودند در هنگام ظهور.

۱۳- سیره حضرت در عصر ظهور (تربیتی، فکری، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی،

اقتصادی، مدیریتی، حقوقی، قضایی و جزایی).

ه) اقتصادی:

۱- مؤلفه‌های اقتصادی در عصر ظهور.

۲- نظام اقتصادی حکومت امام زمان علیه السلام الگوی حکومت دینی در عصر انتظار.

۳- توزیع ثروت و فقرزدایی در عصر ظهور: الگوی حکومت دینی در عصر

غیبت و دوران انتظار حضرت.

۴- رشد تکنولوژی، صنعت و فن آوری در عصر ظهور.

۵- الگوی مصرف در عصر ظهور.

۶- توسعه اقتصادی در عصر ظهور.

۷- منابع مالی حکومت مهدوی.

و) ادبی - هنری:

۱- تعریف، نقش، جایگاه و ویژگی‌های رسالت هنر و هنرمند در عصر انتظار

و ظهور.

۲- تدوین زندگی نامه منتظران واقعی و حکایات انتظار و تشرّفات حقیقی در عصر غیبت.

۳- تدوین فیلم نامه‌ها و نمایشنامه‌ها در مقوله مهدویت (حقیقت و آثار انتظار، زندگی برخی تشرّفات حقیقی).

۴- سرودن اشعاری حکمت آمیز درباره حضرت و نیز انتظار راستین ایشان.

۵- نقاشی و طراحی در مقوله مهدویت (انتظار و قیام و انقلاب اسلامی ایران زمینه ساز انقلاب جهانی حضرت، پیوند بعثت، غدیر و کربلا با انتظار و...).

۶- بررسی عناصر داستانی با محوریت انتظار، نقد و بررسی داستانهایی که درباره آن حضرت نوشته شده است.

۷- تهیه داستان‌ها و اشعار مناسب (بر اساس معیارهای داستان نویسی، روان شناختی و تربیتی در مقوله مهدویت و انتظار موعود برای گروه‌های سنی کودک، نوجوان و جوان).

۸- روش‌های گسترش و تبلیغ و تبیین فرهنگ مهدویت و انتظار با بهره‌گیری از ادبیات و هنر.

۹- انتظار منجی موعود در ادبیات و هنر جهانی.

۱۰- امام مهدی و انتظار حضرت در آثار شاعران و ادیبان شیعی و سنی.

(ز) سؤالات و شبهات:

ریشه‌یابی، طبقه‌بندی و پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات قدیم و جدید در مقوله مهدویت و انتظار؛ (آیات و روایات تولد امام زمان، ظهور ایشان، وجود عصر غیبت، امتحان شدن مردم در دوران انتظار، مشکل بودن دینداری در عصر

انتظار آیا دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام سند دارد؟ آیا مهدی منتظر نوعی است یا شخصی؟ نقش امام غایب در عصر انتظار چیست و اساساً آیا وجود امام غایب در عصر غیبت به مردم فایده‌ای می‌رساند؟

ح) فرقه‌های انحرافی

معرفی، نقد و بررسی نظر آنها در مورد مهدی منتظر و عصر غیبت.

ط) احادیث، ادعیه، زیارات.

۱- بررسی احادیث مهدویت.

۲- بررسی شرح و تفسیر دعاها و زیارات ائمه علیهم السلام در مورد آن حضرت و انتظار

ایشان.

۳- گردآوری، شرح و تفسیر آثار امام مهدی از یاران، ادعیه، توقیعات و سخنان.

ی) منابع

۱- تصحیح و گردآوری مناسب منابع روایی.

۲- باب‌بندی و تدوین جدیدی از روایات مربوط به انتظار مهدویت براساس

یک سیر منطقی با نیازهای روز.

۳- تدوین و تحلیل موضوعی روایات.

ک) کتاب‌شناسی

۱- فهرست نویسی کتب مهدویت و انتظار (همه کتاب‌ها به همه زبان‌ها).

۲- کتاب‌شناسی تفصیلی مهدویت.

۳- کتاب‌شناسی موضوعی مهدویت.

فهرست کتاب‌های انتشارات مسجد مقدس جمکران

قرآن

قیمت	نام کتاب	قیمت	نام کتاب
۱۲۰۰	هدیه احمدیه	۳۰۰۰۰۰	قرآن کریم (چهار رنگ گلاس)
۲۵۰۰	هدیه احمدیه	۲۵۰۰۰	قرآن کریم
تاریخ مسجد مقدس جمکران		۲۵۰۰۰	قرآن کریم
۵۰۰۰	تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی)	۲۵۰۰۰	قرآن کریم
۲۵۰۰	تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی)	۲۵۰۰۰	قرآن کریم (کینی)
۱۲۰۰۰	مسجد مقدس جمکران تجلیگاه	۴۰۰۰۰	قرآن کریم (ترجمه مفاتیح)
۶۰۰۰	آئینه اسرار حدیث بنای مسجد مقدس جمکران	۲۵۰۰۰	قرآن کریم (ترجمه زیر)
پاسخ به شبهات		۲۵۰۰۰	قرآن کریم (بدون ترجمه)
۴۵۰۰۰	اسلام شناسی و پاسخ به شبهات	مفاتیح الجنان	
۳۴۰۰۰	امام شناسی و پاسخ به شبهات (حدیث)	۵۰۰۰۰	کلیات مفاتیح الجنان (دورنگ)
۳۰۰۰۰	امام شناسی و پاسخ به شبهات (قرآن)	۶۰۰۰۰	کلیات مفاتیح الجنان
۳۰۰۰۰	دفاع از تشیع و پاسخ به شبهات	۴۰۰۰۰	کلیات مفاتیح الجنان
۳۵۰۰۰	سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات	۱۷۰۰۰	کلیات مفاتیح الجنان
۲۰۰۰۰	هدیه شناسی و پاسخ به شبهات	۱۷۰۰۰	کلیات مفاتیح الجنان (کینی)
۳۰۰۰۰	فروع شناسی و پاسخ به شبهات	۳۲۰۰۰	منتخب مفاتیح الجنان
۲۲۵۰۰	واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات	۱۸۰۰۰	منتخب مفاتیح الجنان
۳۶۰۰۰	مرجیت دینی املیت <small>علیه السلام</small> و پاسخ به شبهات	نهج البلاغه و صحیفه سجادیه	
۱۷۰۰۰	نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات	۲۵۰۰۰	نهج البلاغه
سلسله مباحث شناخت و هابیت		۳۵۰۰۰	نهج البلاغه
۱۲۰۰۰	ابن تیمیه، مؤسس انکار و هابیت	۳۵۰۰۰	صحیفه سجادیه
۴۵۰۰	برپایی مراسم جشن و عزا	۲۵۰۰۰	صحیفه سجادیه
۲۵۰۰	توسل	دعا و نیایش و نماز	
۵۰۰۰	خدا از دیدگاه وهابیان	۶۵۰۰	آموزش وضو و نماز (کودکان/مصور)
۷۵۰۰	زیارت قبور	۲۰۰۰	ادعیه و زیارات امام زمان <small>علیه السلام</small>
۷۵۰۰	شناخت سلفی‌ها (وهابیان)	۶۵۰۰	ارتباط با خدا
۳۰۰۰	فتنه و هابیت	۵۰۰۰	از خدا چه بخواهیم
۱۲۰۰۰	بنای اعتقادی وهابیان	۳۵۰۰	اهمیت اذان و اقامه
۲۵۰۰	موارد شرک از دیدگاه وهابیان	۳۰۰۰	اهمیت نماز جمعه و آداب آن
پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>		۱۰۰۰	ترجمه حدیث عتوان بصری
۱۶۰۰۰	اوصاف الرسول	۲۵۰۰	ختم سوره‌های یس و واقعه
۲۵۰۰	پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و ترویج و خستونت طلبی	۲۷۵۰۰	دستوراتی از قرآن
۲۰۰۰	پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و جهاد و برده‌داری	۲۵۰۰۰	زیب الاسابیح
۳۰۰۰	پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و حقوق اقلیت‌ها و ارتداد	۳۵۰۰	زیارت ناحیه مقدسه
۲۵۰۰	پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و حقوق زن	۸۵۰۰	تفضیلت خواندن سوره‌های قرآن (مشکاة الانوار)
۲۵۰۰	پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و صلح طلبی	۴۵۰۰	گنجینه نور و برکت
۶۵۰۰۰	تاریخ پیامبر اسلام <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> (در چند)	۱۰۰۰	نماز شب
۴۵۰۰	چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>		

قیمت	نام کتاب
۱۵۰۰۰	ارتباط معنوی با حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۸۵۰۰۰	از قزوین عاشورا ای حسین تا طلوع ظهور مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۲۰۰۰۰	العقربى العثمانى فی احوال مولانا صاحب الزمان
۳۰۰۰۰	اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۰۰۰۰	امامت در سنین کودکی
۵۰۰۰۰	امامت، غیبت، ظهور
۵۰۰۰۰	امامت و غیبت
۵۰۰۰۰	امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام
۲۰۰۰۰	امام مهدی در کلام امام علی <small>علیه السلام</small> (چهل حدیث)
۵۰۰۰۰	امید آخر
۳۰۰۰۰	انتظار بهار و باران
۲۰۰۰۰	انتظار چیست؟ منتظر کیست؟
۴۰۰۰۰	انتظار و انسان معاصر
۱۲۰۰۰۰	ارصاف المهدی
۲۵۰۰۰	اولین های مهدویت
۳۰۰۰۰	او هر جا که هست مرا دوست دارد
۱۱۰۰۰۰	بامداد بشریت
۲۵۰۰۰	بررسی دعای ندبه
۲۰۰۰۰	بهتر از بهار
۵۵۰۰۰	پایان انتظار
۱۰۰۰۰۰	پرچم هدایت
۵۰۰۰۰	تشریف یافتگان (دفتر اول)
۵۰۰۰۰	تشریف یافتگان (دفتر چهارم)
۶۰۰۰۰	تشریف یافتگان (دفتر دوم)
۵۰۰۰۰	تشریف یافتگان (دفتر سوم)
۲۴۰۰۰۰	تکالیف بندگان نسبت به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۷۰۰۰۰	تولد حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۰۰۰۰	جزیره خوشبختی
۵۵۰۰۰	جلوه های پنهانی امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۵۰۰۰	چگونگی دعا برای تسجیل لوح امام عصر <small>علیه السلام</small>
۴۰۰۰۰	چگونه امام زمان <small>علیه السلام</small> را یاری کنیم؟
۱۰۰۰۰۰	حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> فروغ تابان ولایت
۴۰۰۰۰	حکومت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۵۰۰۰	خورشید غایب (مختصر نیم کتاب)
۱۶۰۰۰۰	خورشیدهای طلایی (مجموعه اشعار)
۳۵۰۰۰۰	دارالسلام
۲۰۰۰۰۰	داستان هایی از امام زمان <small>علیه السلام</small>
۸۵۰۰۰	داغ شقایق (مجموعه اشعار)
۳۵۰۰۰	در آسمان عشق
۲۵۰۰۰	در جستجوی نور

قیمت	نام کتاب
۶۰۰۰۰	حکومت بر دل ها
۵۰۰۰۰	رام و رسم زندگی در کلام پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۵۰۰۰۰	روزگار تاریخ پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۴۰۰۰۰	محمد رسول الله
	امام علی و حضرت زهرا <small>علیهما السلام</small>
۱۲۰۰۰۰	امامت و ولایت حضرت علی <small>علیه السلام</small>
۲۵۰۰۰	با اولین امام در آخرین پیام
۹۰۰۰۰۰	تاریخ امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> (در جلد)
۲۵۰۰۰	علی <small>علیه السلام</small> مروارید ولایت
۱۰۰۰۰۰	حکومت و رهبری از منظر نهج البلاغه
۱۳۰۰۰۰	فدک ذوالفقار فاطمه <small>علیها السلام</small>
۳۰۰۰۰۰	مام فضیلت ها
	امام حسن و امام حسین <small>علیهما السلام</small>
۴۰۰۰۰	ماه مدینه
۱۰۰۰۰۰	از زلال ولایت
۵۵۰۰۰۰	تاریخ سید الشهداء <small>علیهما السلام</small>
۱۳۰۰۰۰	حکمت های جاوید
۴۸۰۰۰۰	خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)
۲۲۰۰۰۰	در کریم چه گذشت؟ (ترجمه نثر المهرم)
۳۵۰۰۰	دلشده در حسرت دیدار دوست
۶۲۰۰۰۰	سحاب رحمت
۱۵۵۰۰۰	عاشورا تجلی دوستی و دشمنی
۲۰۰۰۰	عطر سبب
۴۸۰۰۰۰	منشور نینوا
۱۵۰۰۰۰	نهج الکرامه
۳۵۰۰۰	یاران با وفا و شهیدان بی همتا
	حضرت عباس و حضرت زینب <small>علیهما السلام</small>
۱۶۰۰۰۰	پرچمدار نینوا
۲۵۰۰۰۰	ویژگی های حضرت زینب <small>علیها السلام</small>
	امام رضا و امام عسکری <small>علیهما السلام</small>
۴۰۰۰۰	آخرین خورشید پیدا
۴۰۰۰۰	امام رضا <small>علیه السلام</small> در روزگام ادیان
	اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۱۰۰۰۰	اهل بیت <small>علیهم السلام</small> از دیدگاه اهل سنت
۵۸۰۰۰۰	شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالفة)
۴۵۰۰۰	کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)
	امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۶۰۰۰۰	آخرین پناه
۳۰۰۰۰	آن آشنا آمد
۱۵۰۰۰۰	آیین انتظار (مختصر مکالمات مبارک)

قیمت	نام کتاب
۱۰۰۰۰	مهدی منتظر <small>علیه السلام</small> در اندیشه اسلامی
۲۰۰۰	مهدی موعود در کلام پیامبر <small>ص</small>
۹۵۰۰۰	مهدی موعود <small>علیه السلام</small> (در چند)
۵۰۰۰	مهربان تر از مادر
۹۰۰۰	بهر بیکران
۸۰۰۰	مستیاق منتظران (۱) شرح زیارت آل یاسین
۱۰۰۰۰	میشاق منتظران (۲) شرح زیارت آل یاسین
۳۰۰۰	نابینا ولی ما (فارسی) ریزه دانش آموزان
۶۰۰۰	نامه های جوانان به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۶۰۰۰	نامه های دختران به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۵۰۰۰	نامه های نوجوانان به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۷۰۰۰	نتیجه دعا برای فرج حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۷۵۰۰۰	تجسم الثاقب (در جلدی)
۱۶۰۰۰	نشانه های ظهور او
۶۰۰۰	نشانه های یار و چکامه انتظار
۷۰۰۰	نظریه پردازی درباره آینده جهان
۵۰۰۰	نیاز جهان به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۵۰۰	و آنکه دیرتر آمد
۵۰۰۰	وجود امام مهدی <small>علیه السلام</small> از منظر قرآن و حدیث
۶۰۰۰	وجود امام مهدی <small>علیه السلام</small> در پرتو عقل
۶۵۰۰	وظایف ما در عصر غیبت
۲۵۰۰	وظایف منتظران
۶۰۰۰	و عده دیدار
۲۰۰۰۰	ویژگی های امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۵۰۰۰	هزار و یک نکته پیرامون امام زمان <small>علیه السلام</small>
۶۰۰۰	همراه با مهدی منتظر
۵۰۰۰	هنگامه ظهور
۲۰۰۰	یا ابا صالح
۱۴۰۰۰	یاد مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۸۰۰۰	یار خائب از نظر (مجموعه اشعار)
	کودکان
۸۰۰۰	آشنایی با چهارده معصوم (۱ و ۲)
۵۰۰۰	زندگی چهارده معصوم (حضرت محمد <small>صلی الله علیه و آله</small>)
۵۰۰۰	زندگی چهارده معصوم (امام علی <small>علیه السلام</small>)
۵۰۰۰	زندگی چهارده معصوم (حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>)
۵۰۰۰	زندگی چهارده معصوم (امام حسن <small>علیه السلام</small>)
	غدیر
۶۵۰۰	غدیر در گذر تاریخ
۲۵۰۰۰	غدیر حقیقتی بر گونه تاریخ
۳۵۰۰۰	ندای ولایت در اولین کنگره غدیر

قیمت	نام کتاب
۶۵۰۰	دفاع از مهدویت
۵۰۰۰	دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر
۲۵۰۰	ذخیره خدا
۲۴۰۰۰	ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور
۲۵۰۰	زمان و مکان دعا برای حضرت صاحب الزمان <small>علیه السلام</small>
۴۰۰۰	سخنرانی مراجع در مسجد جمکران
۲۵۰۰	سرود سرخ آثار
۲۰۰۰	سقا خود نشسته دیدار
۱۵۵۰۰	سیمای امام مهدی <small>علیه السلام</small> در شعر عربی
۷۵۰۰۰	سیمای جهان در عصر امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۸۵۰۰	سیمای مهدی موعود در آینه شعر فارسی
۳۵۰۰	شرح چهل حدیث حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۰۰۰	شناخت حقوق و مباحث حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۰۰۰	صبح قرآمی رسد
۶۵۰۰	صفای دل
۲۵۰۰۰	ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> از دیدگاه ادیان
۸۰۰۰	عریضه نویسی
۷۵۰۰	عطر یاس
۶۰۰۰	فلاجم ظهور
۱۱۰۰۰	علی <small>علیه السلام</small> و پایان تاریخ
۵۰۰۰	غیبت صغری
۷۵۰۰	غیبت کبری
۵۵۰۰	فریادرس
۳۵۰۰	فلسفه حکومت عدل جهانی
۹۰۰۰	فوز اکبر
۵۰۰۰	قرآن و ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۰۰۰	کرامات المهدی <small>علیه السلام</small>
۶۵۰۰	کرامت های حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۹۰۰۰	کلمات قصار امام زمان <small>علیه السلام</small>
۸۵۰۰۰	کمال الدین و تمام النعمة (در چند)
۱۴۰۰۰	گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)
۱۵۰۰۰	گفتنمان مهدویت
۲۰۰۰۰	گوهرهای ناب در کلام امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۰۰۰	مسافر گمشده
۵۰۰۰	مفرد مذکر خائب (سایه های)
۷۲۰۰۰	مکیال المکارم (در چند)
۵۰۰۰	منجی از دیدگاه ادیان
۴۰۰۰	منجی موعود از منظر نهج البلاغه
۳۵۰۰	مهدویت و جهانی سازی
۱۰۰۰۰	مهدی <small>علیه السلام</small> تجسم امید و نجات

قیمت	نام کتاب
۳۰۰۰۰	مهدی منتظر <small>علیه السلام</small> (ترکی استانبولی)
۴۰۰۰	منتخب الادبیه و الزیارات (عربی)
۲۵۰۰	نایبدا ولی یا ما (انگلیسی)
۲۰۰۰	نایبدا ولی یا ما (بنگالی)
۲۵۰۰	نایبدا ولی یا ما (ترکی استانبولی)
۴۰۰۰	نایبدا ولی یا ما (عربی)
۲۰۰۰۰	واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات (تاجیک)
۱۲۰۰۰۰	ینابیع الحکمة (عربی / پنج جلد)

کتاب‌های این انتشارات بدون هزینه پستی
به آدرس شما ارسال می‌گردد.

قم - مسجد مقدس جمکران:

صندوق پستی: ۶۱۷

☎ تلفن: ۷۲۵۳۷۰۰

☎ نمابر: ۷۲۵۳۳۴۰ - ۲۵۱

شماره حساب:

بانک ملت، قم شعبه جمکران

کد ۸۷۸۵/۵، جاری ۵۰۰/۳

بانک رفاه کارگران، قم شعبه آذر

کد ۸۲۲، جاری ۳۰۰۹۳۹

قیمت	نام کتاب
۵۰۰۰	ندای ولایت در دومین کنگره غدیر
تربیتی	
۶۰۰۰	درم‌هایی از طبیعت
۸۰۰۰	عبرت‌های ماندگار
۳۰۰۰۰	فرهنگ تربیت
۶۰۰۰	قصه‌های تربیتی
۵۰۰۰	مبانی تربیت در برنامه‌ریزی مدارس
۴۰۰۰	معلم محبوب شرایط قبول مدرسه مطلوب
اخلاق	
۱۵۰۰۰	آثار گناه در زندگی و راه جبران
۲۰۰۰۰	اخلاق عملی
۲۸۰۰۰	فرهنگ اخلاق
عقاید، معاد و رجعت	
۲۰۰۰۰	خلیة المتقین
۴۵۰۰	دفاع از حریم امامت و ولایت
۱۵۰۰۰	دین و آزادی
۱۳۰۰۰	رجعت یا حیات دوباره
۱۵۰۰۰	مشاغل الآخرة (زندگی پس از مرگ)
شرح حال و کرامات	
۱۵۰۰۰	آقا شیخ مرتضای زاهد
۲۰۰۰	بدر مشعشع در احوال موسی مبرقع
۱۴۰۰۰	تولدی نو (نقد مسیحیت)
۱۲۰۰۰	رسول ترک (آزاد شده، امام حسین <small>علیه السلام</small>)
۲۵۰۰۰	روزنه‌هایی از عالم غیب
۷۵۰۰	سپاحت غرب
کتاب‌های دیگر	
۲۳۰۰۰	فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها
۵۰۰۰	مدینه فاضله در پرتو امیر به معروف و نهی از منکر
کتاب‌های به زبان دیگر	
۵۰۰۰	امام‌زاد امام مهدی و حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> (روسی)
۲۰۰۰	تاریخچه مسجد مقدس جمکران (اردو)
۲۰۰۰	تاریخچه مسجد مقدس جمکران (انگلیسی)
۲۰۰۰	تاریخچه مسجد مقدس جمکران (عربی)
۵۰۰۰	در انتظار منجی (روسی)
۱۲۰۰۰	شمس و راه السحاب (عربی) زمان
۲۲۰۰۰	عقد الدرر (عربی)
۳۵۰۰	غدیر خم (آذری لاتین)
۳۵۰۰	غدیر خم (روسی)
۳۰۰۰۰	موسوعه توفیقات الامام المهدی <small>علیه السلام</small> (عربی)